مهارت های زندگی

از دیدگاه قرآن و روایات

صوتی و نوشتاری



سلسله سخنرانی های

حجه الاسلام سید مهدی هاشم زاده

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب صوتی و نوشتاری مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و روایات

نویسنده:

مهدی هاشم زاده

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کتاب صوتی و نوشتاری مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و روایات

مشخصات کتاب

منبر صوتی نوشتاری

حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی هاشم زاده

موضوع سخنرانی :

مهارت های زندگی از دیدگاه قرآن و روایات

جلسه اول

Your browser does not support the audio tag.

الحمدالله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرین

خوشحالم از این که باز هم بنده حقیرِ کمترین ، توفیق این را پیدا کردم در این محفلی که هرسال به مدت ده شب به نام امام صادق علیه السلام برپا می شود شرکت کنم .

امیدوارم انشا الله حضرت حق ، توفیق این را به این حقیر عنایت کند این چند شبی که خدمت شما می رسم و اوقات شریف شما را مصدع می شوم بتوانم مطالبی را به عرض برسانم که اولا: مورد رضای امام زمان (عج) و مادرم حضرت زهرا (س)) ، بعد هم مورد استفاده برای شما عزیزان و سروران باشد انشا الله .

با شیوه منبر های من آشنا هستید یک موضوع واحدی را انتخاب می کنم و به استناد به آیات و روایات و کلمات نورانی اهل بیت ، ده شب پیرامون آن صحبت می کنم .

بحثی که نیت کردم و امسال برای این محفل آماده کرده ام و در ماه مبارک رمضان هم مفصل در مسجد امیر المؤمنین (ع) روی آن بحث کردم ، بحثی است که به درد همه ما می خورد . هرکدام از ما هر سن و سالی که داشته باشیم .

عنوان بحث : اهمیت خانواده و مهارتهایی است که اسلام عزیز به ما یاد داده است .

ص: ۱

برای این که زندگی ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

اولا ببینید دوستان من ، خانواده یکی از اساسی ترین ارکان جامعه بشری است .

خانواده است که می تواند زمینه ساز خوشبختی یا بدبختی انسان ها باشد و در این مطلب شکی نیست .

هدف دین مقدس اسلام تکامل بشریت است .

لذا برای تکامل بشر ، اسلام توجه ویژه ای نسبت به بحث خانه و خانواده دارد .

لذا اسلام ، برای تحکیم نظام خانواده ، پیشگیری از فرو پاشی و اختلافات ، رهنمودهای مهمی را به ما عرضه داشته است .

واقعا هم همین است . برای حفظ نظام خانواده و جلو گیری از فرو پاشی راهی به جز رهنمود های این آیین الهی نیست .

خانواده نهادی است که امروزه با وجود تحولات فراوانی که ما می بینیم و در جوامع شکل گرفته است هنوز هم در اکثر جوامع اهمیت سرشاری دارد . چرا ؟ چون خانواده مناسب ترین نظام برای تأمین نیاز های روحی و معنوی بشر است .

در عصر حاضر در اکثر جوامع مِن جمله ایران ما ، می بینیم که برای اکثرخانواده ها در جامعه مشکلات فراوانی پیش آمده است . خانواده ها با مشکلات متعددی رو به رو هستند .

اختلافات ، درگیری ها ، نزاع ها ، آمار طلاق ، فرزندان بی سرپرست ، دختران فراری ، همه اینها نشان دهنده این است که خانواده های ما امروزه دچار مشکلات اساسی شده اند . غفلت از خانواده موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی خود می شود .

ص: ۲

لذا اسلام به عنوان یک مکتب انسان ساز بیشترین توجه را نسبت به بحث خانواده دارد .

اسلام ، خانواده را به عنوان نهاد و کانون تربیت از آن یاد کرده است . حتی می گوید : صلاح و فساد جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده ها دارد . این خود یک بحث مهمی است که ساعت ها جای بحث دارد .

اگر خانواده ها سالم بودند ، جامعه نیز سالم است . جامعه رو به صلاح حرکت می کند . اما اگر امروزه می بینیم که جامعه ما دچار مشکلات متعددی شده است به دلیل این است که خانواده های ما دچار مشکل شده اند .

وقتی بین زن و شوهر عقد خوانده شد در واقع هر کدام از این زن و شوهر یک قرار دادی را امضاء کردند باید طوری رفتار کنند الان که که تشکیل خانواده داده اند و قرار است فرزند اضافه شود دچار مشکل نشوند .

جامعه شناسان ، ازخانواده به عنوان یک کشورکوچک یاد کرده اند .

بر کشور باید قانون حاکم باشد اگر قانون بر کشور حاکم نبود کشور دچار مشکل می شود ، دچار بحران می شود .

کشور کوچک خانواده هم همین طور است . پدر و مادر ، زن و شوهر ، زوج و زوجه به عنوان مدیر این کشور باید یک سری قوانین را حاکم کنند .

اگر می خواهند خانواده ها کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد . اگر می خواهند فرزندانی را تربیت کنند که به قول قرآن کریم :

« قُرَه عَینی فی الدنیا والاخره »

(فرزندان مایه روشنی چشمشان در دنیا و آخرت باشد)

جامعه شناسان نام این قوانین را که باید بر کشور کوچک خانواده حاکم باشد « باید و نباید » گذاشته اند .

یک سری کارها را باید انجام بدهنم و از یک سری کارها باید دوری کنم یعنی می خواهم زندگی ام شیرین شود .

بعضی ها مردگی می کنند اسم آن را زندگی گذاشته اند . زندگی که در آن جنگ و دعوا باشد که زندگی نشد

زندگی که میدان جنگ نیست . سی سال است زیر یک سقف دارند با هم زندگی می کنند هر شب آن به جنگ و دعوا و مشاجره و نزاع و درگیری ختم شده است .

باید ها و نباید ها

این یک مبحث مهم و کاربردی است . به درد همه ما می خورد هر سن و سالی که داشته باشیم . پیاده کردن این قانون ها نیاز به مدیریت دارد . یک عده بیست ، سی سال است از خدا عمر گرفته اند حتی عروس و داماد به خانه آورده است اما مدیریت بلد نیست .

« بایدها »

۱- وفاداری : یک نمونه از باید هاست که درباره ان شا الله مفصل صحبت می کنم .

خانم ها بیشتر اهل وفاداری هستند.

۲- صداقت: در این کشور کوچک خانواده با هم صادق باشند به هم دروغ نگویند .

۳-تعهد

۴- احترام متقابل : به همدیگر احترام بگذارند . به خانواده های هم احترام بگذارند .

« نبایدها »

یک سری کارها را نباید انجام بدهیم باید از آن دوری کنیم .

اگر می خواهیم زندگی کانون عشق و محبت باشد . این اجتناب ها در زندگی لازم است .

اختلاف هایی که درزندگی پیش می آید ، قهر ها ، کدورت ها ، نزاع ها به خاطر این است که این نباید ها رعایت نمی شود .

نمونه هایی از نباید ها :

لجاجت ۱-

امیر المؤمنین (ع) در روایتی که ابتدای سخن گفتم ، می فر مایند :

« خَیرُعادَه »

به انجام کارهای خیر خودت را عادت بده .

به خودتان عادت بدهید که نمازتان را اول وقت بخوانید

صدای اذان را که می شنوید هر مکانی که هستید خودتان را به مسجد برسانید .

خودتان را از فیض نماز اول وقت محروم نکنید.

کمک به دیگران کردن ، خدمت به خلق کردن ،

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند

« خَیرُعادَه :

« شَرُّ لِجاجَه » در کار های شر لجوج باش .

خانم ها ، آقایان به جای این که با طرف مقابل خود لجبازی کنید و به جای این که با زن خود لجبازی کنی ، خانم به جای این که با شوهر خود لجبازی کنی با خودت لجبازی کن . چطور لجبازی کنم ؟ با نفسم لجبازی کنم . غیبت نکنم ، حسادت نورزم ، کینه توزی را از خودم دور کنم . خوبه .. ولی در زندگی لج و لجبازی کردن ، اصرار ورزیدن بر موضوعات غیر منطقی سر موضوعات واهی ، خودم و ناراحت کنم ، شوهرم و ناراحت کنم ، اطرافیانم را ناراحت کنم ، این لجاجت هست و امیرالمؤمنین در این کلام زیبا از آن به عنوان شر یاد می کند . شرلجاجه)

روایت دیگری را برایتان بیان می کنم .

مرحوم محدث قمی (ره) در کتاب ارزشمند سفینه البحار بیان کرده است . سفینهالبحار بر گرفته شده از کتاب بحار الانوار علامه مجلسی است . که صد و ده جلد است . بحار یعنی دریا ، حالا ـ برای اینکه وارد این دریا بشویم نیاز به کشتی داریم محدث بزرگی همچون شیخ عباس قمی که تمامی علمای عصر حاضر قائل بر این هستند که تخصص فوق العاده ای در علم رجال داشته است . یعنی هر روایتی را بیان نمی کرد . این روایت را به سند معتبر بیان کرده است .

روایاتی که در سفینهالبحار بیان شده است ، هیچ شک و شبهه ای از جهت سندی در آن نیست .

روایت از قول امام صادق (ع) است . چون دهه متعلق به این بزرگوار است . اکثر روایات که می خواهم این شب ها تقدیم کنم پیرامون مهارت های زندگی از امام صادق (ع) است که همه ما شاگردی امام صادق (ع) را بکنیم .

امام جعفر صادق صلوات الله و سلامه علیه می فرمایند :

(سِتَّهٌ لا تَکُونُ فی المؤمن)

شش چیز در مؤمن وجود ندارد .

همه ما ادعای دین و تدین می کنیم .

ادعای مؤمن بودن ، اهل ایمان بودن ، اگر من مؤمن حقیقی هستم ،

اگر اهل ایمان هستم ، اگر پیرو امام صادق هستم ،

این شش ویژگی نباید در وجودم ، رفتارم ، کردارم و زندگی من وجود داشته باشد

. روایت قشنگی است شب اولی خودم را یک محک بزنم .

ص: ۶

اگر این ویژگی ها را دارم تا این نفس می رود و می آید یک فکری به حال خودم بکنم اگر این ویژگی را ندارم خوش به حالم .

مواظب باشم که سراغم نیاید .

اول ویژگی که در مؤمن ، اهل ایمان نیست .

مورد ششم شاهد بحث من هست .

امام صادق (ع) می فرماید : العسر ، عسر به معنای سختگیری است .

خیلی از پدر و مادر ها را می بینیم که نسبت به فرزندانشان سختگیری بی مورد می کنند . نسبت به همسرش سخت گیری بی مورد می کنند .

نسبت به بچه اش سخت گیری بی مورد می کند .

نمی گوید نسبت به دین بچه ها حساس نباش ، نه . اما شاهد هستی خودت ممکن هست مواردی را سراغ داشته باشی که خیلی از بچه ها به خاطر سخت گیری بی مورد پدر و مادر از دین زده شده اند ، از حجاب زده شده اند ، نماز را کنار گذاشته اند ، یک جوانی آمد پیش من گفت : حاج آقا من نماز صبحم قضا نمی شود . گفتم : باریک الله . خوش به حالت . همه ما در این نماز صبح مانده ایم تو چه کار می کنی ؟ گفت : پدری دارم اهل نماز اول وقت ، نمی دانی اذان صبح را که گفتند می آید بالای سرم پتو را کنار می زند یک لگدی به پهلوی من می زند و می گوید بلند شو نمازت را بخوان و ما تا نز دیکی های سکته خفیف جلو می رویم و بلند می شوم دو رکعت نماز صبح از ترس بابا به جا می آورم قربه الی الله .

ص: ۷

سخت گیری بی مورد در دین نیست .

دوم : (والنَّکـد) نکد به معنای بخل هست . نکد در قرآن هم آمده است . سوره أعراف آیه ۵۸ (نَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا) یعنی زمینی که چیزی از آن به عمل نمی آیـد . نکد مصدر است . یعنی بی خیری ، خیر نرساندن . مؤمن این گونه نیست . هم خودش خیر می رساند و هم مانع خیر نمی شود . این دو مورد .

سوم :(والکِذبُ) مؤمن اهل دروغگویی نیست . در محیط خانواده وقتی پـدر و مادر اهل دروغ باشـند بعد می گوید چرا بچه من دروغ می گوید .

تمام روانشـناسان می گوینـد تمام بچه ها آیینه تمام نمای رفتار پـدر و مادر هسـتند . اگر می بینی راحت دروغ می گوید ، این دروغگویی را از چه کسی یاد گرفته است ؟ از پدر ، از مادر ،

دو، سه سـال قبل بود من دهه اول محرم این خاطره تلـخ را هیـچ وقت از یادم نمی رود . بنـده خـدایی چنـدین بار با من تماس گرفته بود و من نتوانسـتم جواب بـدهم زنگ زده بود خانه و به خانواده سپرده بود که هر وقت حاج آقا آمدنـد به او بگویید با من تماس بگیرند . ساعت یازده و نیم ، دوازده بود که به خانه رسـیدم . شماره ای که داده بود تماس گرفتم یه دختر خانم پنج ، شـش ساله گوشـی برداشت . قبل از این که حرف بزنـد ، گفت : بابا بگویم هسـتند یا نیسـتند . مشـخص بود که در این خانه بویی از صداقت و یکرنگی نیست . (کذب)

چهارم : (والحَسد) مؤمن حسود نیست . از پیشرفت برادر دینی اش خوشحال می شود .

پنجم : (والبَغی) بَغی به معنای ظلم است .

مؤمن اهل ظلم کردن به کسی نیست .

خدایا ریشه ظلمو ظالم را بکن . خیلی دعای خوبی است که مرتب این دعا لقلقه زبانمان است . اما بعضی موقع شامل حال خودمان هم می شود . مواظب باشید . حاج آقا هرندی در زیارت عاشورا (اللهم العن اول ظالم) را نمی خواند . چرا ؟ گفت کسی که به خودش لعن نمی کند . بعضی از مواقع رفتارم با همسرم ، رفتارم با فرزندم ، دارم به فرزندم ظلم می کنم دارم به همسرم ظلم می کنم بعد می گویم خدایا ریشه ظلم و ظالم را بکن ! من هم ظالم می شوم . یک نگاهی به زندگی ام می کنم . مؤمن ظلم نمی کند .

ششمین ویژگی که مورد بحث امشب من است : (اَللِجاجَه) صحیح آن لَجاجه است . اما غلط مشهور است که تمام مردم می گویند لِجاجه . اما صحیح آنچیزی که در لغت بیان شده است لَجاجه . بعد به ما اشکال نگیرند . لَجاجه به معنای لجبازی است . این لَجاجه آفتی برای خانواده ها است . لجاجت را این گونه معنا کرده اند : لجاجه در لغت به معنای پافشاری در انجام کاری که مخالف میل طرف مقابل هست .

لجاجه در اصطلاح اصرار ورزیدن در کاری که از انجام آن ما را نهی کرده اند .

ص: ۹

همه به اومی گویند این کا را نکن اما کار خودش را انجام می دهد .

به خصوص جوان ها ، به خصوص ابتدای زند گی خیلی اهل لج و لجبازی هستند .

عیب بعضی از شما جوان ها این است که همه کار را باید خودش تجربه کند . نمی خواهد از تجربیات دیگران استفاده کند .

حتما باید سرش به سنگ بخورد بعد می فهمد آن نصیحتی و آن گوهری که بابای محاسن سفیدش ده سال قبل راحت در اختیارش قرار داد چه قدر ارزشمند بود اما به خاطر لج و لج بازی کودکانه این تجربه را استفاده نکرد این معنای اصطلاحی لجاجه است .

بحث لجاجه یکی از پلیدترین صفاتی است که قرآن مجید به صراحت مورد سرزنش قرار داده است که انسان بر سخن باطل خودش لجاجت بورزد .

سوره مؤمنون آیه ۷۵ می فرمایـد : (لَّلَجُّوا فِی طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُونَ) یا رسول الله این ها را رها کن در طغیان خودشان در لجاجت خودشان سر گردان باشند .

مرغ من یک پا دارد ، این منطق قرآن نیست . این منطق اهل بیت نیست . این آموزه های دینی ما نیست .

چون آموزه های دینی چیز دیگر به ما یاد می دهد .

غرر الحکم قال علی (ع) می فرماید :

(راکب اللَجاج مُتُعرضُ للبلاء) کسی که سوار بر اسب لجبازی شده است . خودش را نابود کرده است . انسان لجباز بیشترین آسیب را به چه کسی می رساند ؟ به خودش . به زند گی خودش .

تاریخ بیان کرده است یک انسان لجبازی بود به نام سمره ، در زمان پیغمبر ادعا می کرد از صحابه پیغمبر است . یک درختی داشت در باغی . بدون این که یا الله بگوید بدون این که اهل خانه را خبر کند سرش را پایین می انداخت و وارد باغ می شد و می گفت آمده ام به درختم سرکشی کنم . آمده ام میوه بچینم . هرچه صاحب باغ اعتراض می کرد که وقتی وارد می شوی یک یا الله بگو . می گفت نمی خواهد . آمد پیش پیغمبر و شکایت کرد . گفت یا رسول الله سمره این چنین می کند هر چه تذکر می دهیم هیچ فایده ای ندارد . پیغمبر گفت این یک درخت را بفروش .

گفت یا رسول الله نمی خواهم بفروشم . فرمودند اگر این درخت را به من فروختی حاضرم در بهشت یک درختی برایت تضمین کنم . گفت نمی خواهم . حاضرم یک باغ درخت در بهشت برایت تضمین کنم .

آدم لجباز ، نمی خواهم بفروشم . درخت مال خودم هست هر وقت هم دلم خواست بدون اجازه سر وقت درختم می روم . تا این جور لجبازی کرد ، پیغمبر (ص) فرمودند: برو این درخت را بکن و از باغ بیرون بینداز و خسارت هم به او ندهید .

حالا در بحث خانواده دوری از لجبازی در مسائل خانوادگی باعث می شود خیلی از مواقع دعواهای زن و شوهر کاسته شود .

قسم خورده است با این آقا حرف نمی زند . هرچه به او می گویند تو ریش سفیدی تو برو حرف بزن بالاخره تو بزرگتری به این دعوا فیصله بده . من قسم خورده ام که این کار را نمی کنم . آقا قسمت را بشکن .

قرآن مجید سوره بقره آیه ۲۲۴ می فرماید :

(وَ لا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَیْمانِکُمْ) به خاطر قسم خوردن به خدا کار های حق را کنار تگذارید . این لجبازی است

. لجبازی هم خوی ابلیسی هست . چه کسی لجبازی را شروع کرد ؟ اولین کسی که این خوی را داشت ابلیس بود .

قرآن بیان کرده است . سوره اعراف آیه ۱۲

(خَلَقْتَنِی مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِینٍ) وقتی به شیطان گفتند به آدم سجده کن . گفت سجده نمی کنم . چرا ؟ علت چیست ؟ به خاطر این که مرا از آتش خلق کردی و او را از خاک خلق کردی من که از آتش خلق کردی بیایم به انسانی سجده کنم که جنس و فلز ان از خاک هست ! هرگز چنین نمی کنم . بالاخره شیطان هم مخلوق خداست و فرمان ، فرمان پروردگار است . باید اجرا کند . اما این لج و لجبازی باعث شد که سجده نکرد و با مقاماتی که داشت همه را از دست داد . لجبازی خوی ابلیسی هست .

امیر المؤمنین (ع) می فرماید :

اللَّجاجُ بَذر الشَّر) لجاجت ریشه همه شرها و بدبختی هاست .

شما تاریخ بنی اسرائیل را بخوانید چه قدر دچار گرفتاری و بدبختی ها می شدند . به خاطر این که این صفت را داشتند .

لج و لجبازی . در زندگی ما خیلی از مشکلاتی که برایمان پیش می آید به خاطر داشتن همین صفت هست .

اصلا هنگام مواجه شدن با مشکل لجبازی کردن خود یک نوع حماقت هست . چرا حماقت هست ؟ چون لجبازی یک خصوصیت شخصیتی هست که انسان را وادار می کند برای کار های غیر منطقی تصمیم بگیرد .

برای رفتار های بچگانه . آن موقع روانشناسان می گویند : لجبازی در زندگی زناشویی خیلی خطرناک هست .

وقتی شما لجبازی می کنید . نسبت به خانمت و خانم نسبت به شوهرش ، باعث کینه توزی شدید می شود .

هرچه این احساس شما بیشتر شود عملکرد شما در زندگی سخت تر می شود . نتیجه لج و لجبازی در کشور کشور کوچکی که جامعه شناسان نام آن را خانواده گذاشته اند چیست ؟

بیان کردند :

۱- باعث می شود شما حقایق را نادیده بگیرید .

۲- باعث می شود که اشتباهات خود را نپذیری . برای همین امیر المؤمنین (ع) می فرماید : اللَّجاج بَذر الشَّر .

تمام بد بختی ها لجاجت است .

انسان لجباز یک سری ویژگی ها دارد :

ویژگی لجاجت که جرء نباید های زندگی است مهارت هایی است که اهل بیت به ما یاد داده اند ، چیست ؟

اول : می خواهد اشتباهات همسر را با رفتار اشتباهش تلافی کند .

دوم : عمدا کاری می کند که همسرش دوست ندارد تا با انجام آن کار لج او را در بیاورد . خانم به شوهر می گوید شب ها زود به خانه بیا ، عمدا فردا شب دیرتر به خانه می آید .

سوم : اشتباهش را تکرار می کند و اصرار دارد که کار او درست است . این ها ویژگی انسان لجباز است که به حمدالله هیچ کدام از ما این کار ها را بلد نیستیم ! خیلی آدمهای خوبی هستیم .

چهارم : حرف همسرش را با دقت گوش نمی دهد و مدام حرف خود را بدون منطق تکرار می کند .

پنجم : در برابر اشتباه خود اشتباهات گذشته همسرش را پیش می کشد تا خود را تبرئه کند و همسرش را مقصر جلوه دهد . خانم چرا این اشتباه را انجام دادی ؟ چرا این حرف را زدی ؟ به خاطر این که چهار ماه پیش تو هم آن حرف را زدی . تو این حرف را جلو خواهرم زدی . اشتباه بود نباید این حرف را می زدی . یادت هست تو هم این حرف را پارسال جلو خواهرم زدی . آدم لجبازی هستی . آن کاری که تو می کردی اشتباه بود حالا- شوهر تو هم اشتباه کرده است این دلیل نمی شود که رفتارغیر منطقی خودت را توجیه کنی .

ششم : می داند اشتباه از اوست ولی به خاطر لجبازی آن را نمی پذیرد . آدم لجباز هیچ وقت نمی خواهد اشتباه خود را قبول کند .

هفتم : می خواهد با هر رفتار و گفتاری همسرش را آزار بدهد . حاج

خانم یک جمله می می گوید ولی این شوهر را اذیت می کند با این یک جمله تا صبح خواب را از چشم او می گیرد . این نشانه لجاجت است . متاسفانه این لجاجت های بچگانه در زندگی همه ما هست .

گاهی می بینیم قوام یک زندگی به خاطر لج و لجبازی شکسته می شود . دعوا ، در گیری ، نزاع ، فروپاشی نظام خانواده به خاطر لج و لجبازی است .

قربانت بروم یا علی (ع) با این کلمات زیبا ، آدم بایـد بیایـد شاگردی بکنـد . امیر المؤمنین (ع) می فر ماید : پیامبر (ص) به من گفتند :

(یا علی اِیاکَ و اللَّجاجه) بپرهیز از لجاجت ،

(فإنَّ اولها جهل) ، اولش جهالت است نادانی

(و آخِرَها نَدامه) و آخرش پشیمانی است

.

پیامد لجبازی کردن :

(الَّجاج یُنتّحُ الحروب) لجاجت جنگ به راه می اندازد

لجاجت باعث می شود که دلها نسبت به هم کینه توز شود .

لذا پیغمبر می فر ماید : (خیر الاخلاق اَبعدُها عَن الَّلجاجَه)

بهترین اخلاق و بهترین خلق و خو را چه کسانی دارند .

کسانی که از لجبازی به دور هستند .

کسانی که این ویژگی در زندگی آنها وجود ندارد .

اسلام از جمله مکاتبی هست که برای خانه و خانواده اهمیت قائل شده است . چرا ؟ چون می گوید خانواده نهاد تربیت است . کـانون انسـان سـازی هست . جـامعه شـناسان خـانواده را به عنوان کشور کوچک از ان یاد کرده انـد . این کشور برای این که موفق باشد باید یک سری قوانین باید بر آن حاکم باشد .

اگر می خواهیم زنـدگی ما کانون عشق و صـفا و صـمیت و محبت باشـد ، اگر می خواهیم بچه هایمان را خوب تربیت کنیم و نور چشم دنیا و آخرتمان باشند . قوانین را باید حاکم کنم . و

پدر و مادر باید مدیریت کنند .

اسم این قوانینت را جامعه شناسان باید و نباید گذاشته اند .

جلسه دوم

.Your browser does not support the audio tag

بحثی که از شب گذشته در این محفل نورانی شروع کردیم به حول و قوه الهی و عنایت ویژه مادرم زهرا (س) ان شالله تا شب آخر هم ، حول آن سخن خواهیم گفت ، عنوان سخن اهمیت نظام خانواده در اسلام و مهارت هایی که اسلام عزیز به ما یاد داده است . برای اینکه زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

شب گذشته به عنوان مقدمه بحث ،عرض کردم که نهاد خانواده یکی از اساسی ترین ارکان جامعه بشری است .

خانواده است که می تواند زمینه ساز بدبختی یا خوشبختی انسان ها باشد . غفلت از نهاد خانواده ، موجب دور شدن بشر از حیات و زندگی حقیقی و واقعی آن می شود .

در زمانی که ما در آن واقع شدیم ، می بینیم که در اکثر جوامع من جمله ، ایران ما خانواده ها دچار مشکلات فراوانی شده اند .

اختلافات خانوادگی ، آمار طلاق ، فرزندان بی سرپرست ، دختران فراری ، اینها همه نشان دهنده این است که مشکلات فراوانی دامن گیر خانواده های ما شده است .

لذا اسلام عزیز برای تحکیم نظلم خانواده و پیشگیری از فروپاشی خانواده رهنمودها و توصیه هایی را برای ما بیان کرده است .

حتی جامعه شناسان خانواده را به عنوان کشور کوچک از آن یاد می کنند . بر کشور باید قانون حاکم باشد .

اگر در یک کشوری قانونی حاکم نبود ، معلوم نبود که دچار هرج و مرج شود . کشور خانواده نیز همین طور است .

ص: ۱۶

مدیر این خانواده مرد است ، مدیر این خانواده زن است .

از سری مواردی که نام آن را باید و نباید گذاشتند . به عنوان قانون ، باید حاکم باشد و مدیریت کنند .

این که دیشب گفتم بحث به درد همه رده سنی می خورد برای همین بود . بیست سال ، سی سال است دارند با هم زندگی می کنند ، عروس و داماد دارند اما مدیریت بلد نیستند .

باید ها که مفصل روی آن به فضل پرور دگار صحبت خواهیم کرد « وفاداری ، صداقت ، تعهد ، احترام متقابل » این کد ها در ذهنتان باشد مفصل درباره آن صحبت می کنیم .

دیشب فقط روی یکی از نباید ها صحبت کردم .

نباید یعنی این که اگر کارهایی که می خواهیم زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

اگر می خواهیم زندگی های ما منجر به شکست نباشد ، باید از آن دوری کنیم .

دیشب اشاره کردم :

(لجاجت) سه مطلب عرض کردم،

خلاصه بحث دیشب :

مطلب اول : لجاجت ، خوی ابلیس است .

مطلب دوم : لجاجت ، اول و شروع آن جهل است ، پایانش پشیمانی است . مطلب سوم : نشانه هایی است که برای انسان لجباز بیان کرده اند ، این بحث دیشب ما بود .

باور بفرمایید بیشتر اوقات گرفتاری ها و مشکلات و درگیری ها و کدورت هایی که پیش می آید به خاطر همین لجاجت ورزی های کودکانه و بچگانه است و الا ما که اینقدر مبانی دینی مان مستحکم است ، انسان افسوس می خورد . چرا باید این آمار طلاق در جامعه اسلامی ما باشد .

من سایت رسمی سازمان ثبت اسناد در سال ۹۱ را دیدم . طلاق هایی که چرا باید این وضعیت باشد . بیان کرده است که از هر ثبت شده است . ۱۵۱۷۶۳ مورد طلاق ثبت شده است .

این واقعا فاجعه است . ما که ادعایمان عرش الهی را سوراخ کرده است . ما که اینهمه آموزه های دینی مان قوی است ادعای دین و دیانت

می کنیم شش ازدواج یک مورد منجر به طلاق می شود و این آمار نسبت به کل کشور است .

شهر های بزرگ بدتر و فاجعه بار تر است .

بیان کرده اند در شهر تهران از هرسه ازدواج یک مورد منجر به طلاق

می شود .

بیش ترین آمار طلاق بین سن ۲۵ تا ۲۹ سال است .

با کمال تأسف باید بگوییم که در روستا ها هم آمار طلاق افزایش یافته است .

حتی کسانی که بالای ده سال باهم زندگی می کردند که اکثرا کسانی که بالای طلاق زندگی می کردند و زندگی آنها کمتر منجر به طلاق و جدایی می شد آمار طلاق بین زندگی های آنهایی که بالای ده سال هم دوام داشته است باز هم زیاد شده است . این درد است ، فاجعه است .

یکی از رفقای من می گفت یکی از طلاق هایی که سال گذشته در همین شهر خودمان اصفهان ، ثبت شده است ، آقا داماد ۶۵ سال و عروس خانم ۶۰ سال حدود ۴۰ سال با هم زندگی کردند چهار تا بچه آورده اند داماد آورده اند ، عروس آورده است .

بعد از چهل سال زندگی به این نتیجه رسیده اند که تفاهم ندارند .

آخر عمری رفته اند طلاق گرفته اند .

یکی از دوستانم که دفتر ازدواج دارد . به من گفت مطلب جالبی برایت بگویم : شب آمدنـد من عقد آنها را خواندم ، هشت صبح آمدنده بودند وبرای طلاق و جدایی

. ده شب من عقد را خواندم ، هشت صبح می خواستند از هم جدا بشوند . این وضعیت حاکم بر جامعه ما است .

آمار رسمی شهر خودمان اصفهان : در ثبت احوال اصفهان سال ۹۱ پنج هزار و دو مورد طلاق ثبت شده است .

ما که بافت شهرمان ، بافت مذهبی است . چه قدر شما زندگی را سراغ دارید که حاضر است همین دو ویروس که عرض کردم :

۱- لجاجت

۲- بهانه گیری ،

بهانه گیری های واهی و بچگانه که این زندگی ها منجر به طلاق شده است .

البته ویروس دومی که امشب می خواهم پیرامون آن صحبت کنم (بهانه گیری) از قدیم بهانه گیری ، نق زدن ، بین زن و شوهر معمول بوده است . در عصر حاضر، دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم .

شکل و شمائل آن فرق کرده است متفاوت شده است .

تصوری که در ذهن مردم نقش بسته است این است که بیشتر خانمها اهل بهانه گیری هستند . در صورتی که واقعیت این طور نیست .

بهانه گیری به ساختار تربیتی افراد بر می گردد .

جنسیت و مرد و زن هم ندارد .

امـا از آنجـایی که از نظر قـدرت کلامی خلقت خداونـد این است که از بین مرد و زن ، زن ها بیشتر از مردها احتیاج به ارتباط کلامی دارند .

از هر وسیله ای برای ارتباط کلامی استفاده می کنند.

شوهر نسبت به همسر کم توجهی می کند این هم شروع به بهانه گیری می کند برای این که همسرش برای او حرف بزند .

زنان نیاز به توجه دارند . بعضی از زن و شوهر ها ممکن است بیست و چهار ساعت ، دریک روز تعطیل باهم باشند اما در این بیست و چهار ساعت یک کلمه هم با هم حرف نزده اند .

بعد که کم توجهی از مرد دید شروع به بهانه گیری می کند به خاطر این که توجه این مرد را به خودش جلب کند.

ولی مرد اعتراض می کند که همسر من بهانه گیر است

. عیب را در خودم جست و جو کنم امـا این مشـکل هست و نمی شود انکـار کرد . چقـدر مـا آمـار طلاق به خاطر همین بهانه گیری های بچگانه داریم . بعضـی از آدمها ساختارشان این است ، آدم بهانه گیری هسـتند در زنـدگی ، هیئت ، محل کار این طور بهانه گیر هسـتند . حتی در زمان پیغمبر هم داریم . شخصـیتی همچون وجود نازنین خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) گوشه ناخن این پیغمبر(ص) به عرش ثریا می ارزد .

پیغمبری که خداوند در قرآنش (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه) او را به عنوان اسوه حسنه معرفی می کند ، نسبت به این پیغمبر هم بهانه گیری می کردند .

ص: ۲۰

سوره فرقان آیه هفتم می فرماید : خدمت پیغمبر می آمدم این مردم بهانه جو می گفتند : (یَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ) چرا پیغمبر در بازار راه می رود .

چرا غذا می خورد . قرآن پاسخ آنها را داده است :

اگر پیغمبر را از جنس فرشته هم می آفریدیم یکی از بهانه هایشان این بود که چرا فرشته نیست .

اگر پیغمبر را به صورت فرشته هم می آفریدیم باز هم بهانه گیری می کردند که چرا از جنس خودمان نیست . ببینید بهانه گیری ،به شخصیتی مثل پیغمبر هم انساهای بهانه گیر ، بهانه می گرفتند .

اما متأسفانه این نوع بهانه گیری های بچگانه در زندگی ما بین زن و شوهر ها ، پدر و مادرها و بچه ها شاهد آن هستیم .انسان های بهانه گیر ، چه مرد ، چه زن این جملات را زیاد استفاده بکنید .

خوب دقت بفرمایید .

مرد بهانه گیر ، خانمها این جملات را زیاد می شنوند :

چرا این خانه این قدر نامرتب است ،

این بچه کی قرار است بخوابد ،

چرا هیچ وقت غذا به موقع آماده نیست ،

دوباره بدون اجازه من مهمان دعوت کردی

این جملات را زیاد شنیده اید .

زن بهانه گیر :

شوهر میوه خریده ست ، (این میوه ها چیه خریدی به درد نمی خورد . چند بار بگویم لباس هایت را این طرف و آن طرف پرت نکن .

چه قدر سرت توی موبایل است .

دوباره خواهرت زنگ زد

اینها نشانه بهانه گیری هست .

در نهایت هم به این جملات ختم می شود :

« چه قدر بی مسئولیتی و من باید تحمل کنم ، ای کاش می مردم ، ای کاش ازدواج نمی کردم »

به همین راحتی زن و شوهرها می توانند با مکالمات بهانه جویانه هر شب روی اعصاب هم راه بروند .

برای چنین حالاتی بهترین حالت هم روانشناسان بیان کرده اند سکوت است .

وقتی می بینید که بهانه جویی می کند جواب او را ندهید .

سکوت کنید . خانم تو که می دانی شوهرت حساس شده است این سفره را زودتر بینداز ، غذا را زودتر آماده کن .

ظرف ها را بشوی .

بهانه گیری ها سر این موارد است .

آقا تو که میبینی خانمت حساس شده است خوب شبها زودتر به خانه برگرد . این قدر سرت داخل موبایل نباشد .

این گوشی های اندروید هم معزل شده است .

قبلا من باید این حرف ها را برای جوانها می زدم .

اما بعضی از پیرمردها و پیرزن ها هم به آن مبتلا شده اند . پیرمرد و پیرزنی در مسجد با هم حرفشان شده بود می گفت یک گوشی اندروید گرفته است و عکس جوانی اش را در تانگو گذاشته است و ساعت سه بعد از نصف شب این گوشی را دارد تکان می دهد و می گوید دارم دوست اینترنتی برای خودم پیدا می کنم .

جلساتی که من با جوانها دارم بار ها به آن ها گفته ام ما مخالف استفاده از تکنولوژی نیستیم . از این ابزارها باید استفاده کرد .

منتها قدر لحظه لحظه عمرتان را بدانید . وقت خود را در بیست و چهار ساعت مشخص کنید .

هفت ، هشت ساعت یک مرتبه می بینید در طول شبانه روز وقتت را روی این گوشی سوزاندی .

مضرات فراوانی دارد .

به این نتیجه رسیده اند که اگر شما بیست دقیقه بیشتر، نگاهت به تبلت و موبایلت باشد به چشمت و مهره های گردن و کمرت آسیب می رسد .

کم تحرکی که ما الان بین کودکان شاهد هستیم . اینها همه آثار این است که فعالیت ها کم شده است .

تیک های عصبی ، بچه یازده ساله است می بینید یک مرتبه شوکی به او وارد می شود و تکان می خورد .

این اثر زیاد استفاده کردن از تکنولوژی است .

زیاد استفاده کردن از گوشی اندروید است . نشستن پای رایانه است .

من باید دقت کنم . می بینم همسرم بهانه گیر شده است .

به خاطر کم توجهی من است . بیشتر به همسرم توجه کنم .

در منزل که هستم همیشه سرم داخل موبایل نباشد .

سعی کنیم حالا که می بینیم طرف مقابل مان بهانه گیر است بهانه دست او ندهیم .

این خودش مدیریت می خواهد . زن و شوهر باید این کشور کوچک را مدیریت کنند .

مدیریت مهم است . بهانه دست هم ندهیم .

از تاریخ برایتان بگویم خیلی قشنگ است :

احوالات هارون الرشید لعنهالله علیه می خواندم داشت از جایی عبور می کرد برای شکار می رفت . باغ قشنگی را دید چشم او را گرفت گفت هر طور شده است من باید این باغ را بخرم .

گفتند این باغ مال یک آدم مجوسی است .

به هیچ عنوان هم حاضر نیست که این باغ را بفروشد .

چکار کنیم . یک مشاوری داشت .

مشاور گفت باید به یک بهانه ای این باغ را از چنگ او در بیاوریم .

به چه بهانه ای ؟ خوب بالاخره تو پادشاه این کشور هستی .

بعد از شکار می رویم و به او سر می زنیم و او ما را تحویل می گیرد برای ما میوه می آورد و از ما پذیرایی می کند . وقتی که پذیرایی را انجام داد برو چند قدمی در این باغ بزن و بگو چه باغ زیبایی ! صاحب این باغ چه کسی است ؟ او هم قطعا می گوید قابلی ندارد . پیش کش شما . تا چنین حرفی زد ماهم فوری یک مبلغی را مشخص می کنیم و باغ را از چنگ او در می آوریم .

نقشه عملی شد . بعد ار شکار رفتند طبق پیش بینی که کرده بودند . از آنها پذیرایی کرد . و هارون هم چند قدم در این باغ زد .

با نگاهی به درخت ها گفت عجب باغ زیبایی ! این باغ مال چه کسی هست ؟ دست آن ها را خواند و فهمید که این ها دنبال بهانه ای می گردند که باغ را از چنگش در بیاورند . لذا خیلی قشنگ جواب داد .

گفت جناب خلیفه : این زندگی دنیا ارزشی ندارد این باغ مال مرحوم پدربزرگم بوده است عمرش را به شما داد و به مرحوم پدرم رسید . یک مدت دست پدرم بود . پدرم هم به رحمت خدا رفت و عمرش را به شما داد و الان هم به من رسیده است . بعد از من هم معلوم نیست دست چه کسی باشد . هارون خنده اش گرفت و گفت به او کاری نداشته باشید .

از باغ بیرون آمد و گفت عجب آدم زرنگی بود بهانه دست ما نداد .

می خواهی در زندگی جنگ و دعوا به راه نیفتد . زن و شوهر باید زرنگ باشد . مدیریت کند حالا که می فهمد و می داند و شناخت پیدا کرده است که طرف مقابلش بهانه گیر است و منتظر این است که سر بهانه کوچکی داد و بیداد راه بیندازد با مدیریت بهانه دستش ندهیم . بهانه دستش ندادی یعنی او را خلع سلاح کردی .

و زندگی از عشق و محبت پر شده است . اگر می خواهیم زندگی مان از عشق و محبت پر شود . اگر می خواهیم کانون خانواده ها گرم بماند و اگر می خواهیم زندگی مان دوام داشته باشد بهانه جویی نکنیم .

خانم بی جهت به شوهر خود گیر نده زندگی را بر خود و اطرافیانت تلخ نکن . چه زن ، چه مرد . گفتم بهانه گیری مختص زن یا مرد نیست .

بعضی از زن ها و مرد ها بهانه گیر هستند . بهانه های کودکانه ، یعنی :

چرا این غدا سرد هست . چرا این غدا گرم هست . چرا این غذا شور هست . چرا بی نمک هست . چرا پدرت این حرف را زد . چرا مادرت آن حرف را زد .

سر این موضوعات هم زیاد دعوا می کنیم .

خدا رحمت کند مرحوم استاد ما ، آیت الله امامی ، ایشان مقید بود چهارشنبه ها در حوزه درس اخلاق می داد و توصیه های اخلاقی می کرد . یکی از مباحثی که این بزرگوار بسیار تأکید داشتند برای این که تنش ها در زندگی به حداقل برسد این نکته بود :

۱- مشکلات زندگی را خودتان حل کنید . یک مشکلی پیدا شده است بهترین کسی که می تواند مشکل را حل کند خود زن و شوهر هستند . چرا به اطرافیان می کشانید چرا می گذارید زندگی تان نقل مجالس دیگران شود .بعضی از موقع اطرافیان می آیند ابرو را درست کنن می زنند چشم هم کور می کنند . زن و شوهر با هم آشتی می کنند اما کدورت ها و قهر بین اطرافیان هنوز ادامه دارد . مشکلاتت را خودت حل کن . خودت با خانمت حرف بزن . پنج دقیقه تو حرف بزن ، پنج دقیقه خانمت . با هم حرف بزنید . سعی کنید اشتباهاتتان را قبول کنید .

۲- به خاطر دیگران دعوا نکنید

نکات کلیدی قشنگی برایتان گفتم . زن و شوهر با هم مشکلی ندارند .

به خاطر عروسش دعوا کرده است . به خاطر دامادش دعوا کرده است .

به خاطر پسرش دعوا کرده است .

اگر مشکلی در خانواده همسرت هست شما به عنوان یک مرد در این کشور کوچک که نامش خانواده است و مدیریت می کنی و خواستار این هستی که زندگی سرشار از عشق و محبت باشد .

حق نداری بعضی از حرف ها را به روی او بیاوری .

مثال:

(برو تو همان کسی هستی که تاحالا در فامیلتان چند تا طلاق گرفته اند)

این حرف ها یعنی چه ؟ (برو تو همان کسی هستی که برادرت را به زندان بردند . تو همان کسی هستی که شوهر خواهرت معتاد هست .)

ادعای دین و دیانت هم می کند . ادعا می کنم پیرو امام صادق (ع) هستم . امام صادق (ع) می فرماید :

« لا یجوزَ مَنطِقُک عِلمَک »

هیچ وقت نگذار زبانت از علم و آگاهی تو جلو بیفتد .

انسان حتی خیلی از حرف ها را تا آخر عمر حق ندارد به همسرش بیان کند . چون باعث سرد شدن روابط می شود .

باعث کدورت و ناراحتی می شود . بفهمم چه جمله ای از زبانم بیرون می آید . تا زندگی کانون عشق و محبت باشد .

این بهانه گیری سپر آهنی است باعث می شود زندگی به کامم تلخ شود .

با خانمت رفیق باش . حاج خانم با شوهرت رفیق باش .

کسی که اهل رفاقت بود رفیق واقعی و حقیقی بهانه گیر نیست .

دنبال این نیست که یک نقطه ضعفی ببیند و آن را بزرگ کند

وجود نازنین خاتم

انبیاء محمد مصطفی (ص) فرمودند :

« اعوُذُبکَ مِنَ صاحِبِ الخدیعه »

خدایا از رفیق مکار به تو پناه می برم .

گفتند یا رسول الله رفیق مکار چه کسی است ؟

فرمودند : « ان رأی حسنه من دَفَنَها »

اگر خوبی را ببیند ، خوبیها را می پوشاند .

« و إن رأی سَیئهً افشاها »

اگر بدی یا نقطه ضعفی ببیند آن را افشا می کند

قربانت بروم یا رسول الله با این کلمات زیبا .

رفیق مکار آن کسی هست که خوبی ها را می پوشاند و نادیده می گیرد و اگر بدییا نقطه ضعفی را ببیند آن را مطرح و افشا

می کند .

ص: ۲۷

زنو شوهری که با هم رفیق باشند . اگر از هم ناراحت شدند خوبی را فراموش نمی کند .

خانه داری ، آشپزی ، مهمان داری این ها را فراموش نکن الان که ناراحت هستی . یادت هست سی تا مهمان داشتی چه زیبا این زن آبرویت را حفظ کرد .

حالا که از او ناراحت شدی و خطایی از او دیدی برچسته نکن . فقط بدی نبین .فقط بدی نگو نقاط مثبت هم مد نظرت باشد .

امیر المؤمنین (ع) می فرماید :

« لِیَکُن أبغَض الناس اِلیک و اَبعَدُهُم مِنک »

وقتی ناراحت و عصبانی شدی در اوج عصبانیت یاد این کلام امیر المؤمنین (ع) بیفتیم .

من که شیعه علی هستم . مولایم می فرماید :

این کسی که تو داری این طور از خودت دورش می داری بدان چه کسی هست . خانمت هست . مادر بچه هایت هست . آبروی او ، آبروی تو است . چرا حرفت را جلو دهن فامیلت می ریزی .

چرا همه فامیل باید بدانند که من چه مشکلی دارم . این ها همه به خاطر بی مدیریتی من است . بی مدیریتی مرد و زن است .

زن و شوهر مدیریت بلد نیستند .

پیغمبر می گوید : از رفیق مکار به تو پناه می برم . یا رسول الله ، رفیق مکار چه کسی است ؟ آن کسی است که عیب ها را بزرگ کند و خوبی ها را بپوشاند . از کسی که این ویژگی دارد به تو پناه می برم .

ص: ۲۸

حاج آقا رحیم رحمهالله علیه . این بزرگوار بچه نداشت . بچه دار نشد و عیب هم از خانمش بود .

اما طوری رفتار کرد که همه فکر می کردند عیب از حود حاج آقا رحیم است .

هر وقت هم به او می رسیدند می گفتند خدا صبرت دهد داری با زنی زندگی می کنی که صاحب اولاد نمی شود . خیلی هم خانمش اصرار می کرد که زن دوم بگیرد . گفت من به هیچ وجه حاضر نمی شوم . یک روز آمده بود پای سخنرانی حاج آقا رحیم ، حاج آقا می گفتند که زن باید از مردش راضی باشد ، بعد آمد خانه و به او گفت این حرف هایی که روی منبر می زنی را خودت قبول داری و عمل کمی کنی ؟ گفت حاج خانم این چه حرفی است که می زنی . گفت من از تو راضی نیستم .

چرا راضی نیستی ؟ گفت اگر می خواهی از تو راضی باشم باید زن دوم بگیری .

گفت حالا که این طور اصرار می کنی من حرفی ندارم . اگر من زن دوم گرفتم ، من که نمی توانم یک خانه ای جدا بگیرم .

مجبورم او را به این خانه بیاورم . بعد باید عدالت هم بین شما برقرار کنم . یک شب پیش شما و یک شب هم پیش او . سؤال من این است ، آن شبی که پیش آن خانمم هستم آیا تو از من ناراحت نمی شوی ؟ فکر می کند این که بگویم ناراحت نمی شوم دروغ می گویم . گفت به خاطر همین یک ذره ناراحت حاضر نیستم دختر حضرت زهرا را ناراحت کنم . اگر صلاح من در این بود که بچه دار شوم خدا در دامن تو به من بچه می داد . تا آخر عمرش هم بچه دار نشد .

ببینید آنها چه طور زندگی می کردند . ما داریم چطور زندگی می کنیم . فقط منتظرم از طرف مقابلم ، همسرم ، شوهرم ، یک نقطه ضعفی ببینم همه جا جار بزنم .

رفیق مکار کسی هست که بدی ها و عیب ها را برجسته می کند . خوبی ها و محبت همدیگر را نادیده نگیریم .

البته این نکته را هم بگویم که فرق بین انتقاد و بهانه گیری چیست ؟

انتقاد از روی محبت است .

امام صادق (ع) می فرماید :

« احب اخوانی اِلَّی من اهدی عیوبی اِلیه »

بهترین رفیق تو این است که بیاید و عیب تو را به تو هدیه دهد .

اگر قرار است با هم رفیق باشیم باید به هم هدیه بدهیم .

به این نکته توجه کنید . به خودش بگو نه به پدر و مادرش . نه به برادرش . آبروی او را نبر . با هم صحبت کنید . حرف بزنید .

بگو من در قبال شما مسئولم . تو همسر من هستی اگر من این انتقاد را از تو می کنم این نشانه علاقه مندی من به توست .

کسی خدمت امام صادق (ع) آمد گفت یابن رسول الله خانواده ای دارم که به حرف من گوش می دهند . حرف مرا گوش می دهند . زن و بچه ام نیز همین طور هستند . هرچه من می گویم قبول می کنند . مرا نصیحتی کنید شما امام من هستید . حضرت فرمودند : « یا ایها الذین آمنو انفسکم و اهلیکم نار » این آیه را خواندند . خودت و خانواده ات را از عذاب آتش جهنم دور نگه دار . و بعد فرمودند : « ونهیم علی القواعح » خانواده ات را از زشتی ها و کارهای زشت باز دار . و گفت « بدعائهم طاعه الله » آنها را به طاعت خدا امر کن . نماز و روزه و و حجاب . سوم فرمودند : « و حسهم علی افعال الخیر » آنها را به کارهای خیر عادت بده . به فرزندت یاد بده کمک کردن به فقیران . پول بده بچه تا بچه کمک کند . چهلرم : « و تعلیمهم الفرائض » اهمیت دادن به فضایل دینی . هفده، هیجده سالش هست هنوز یک وضو گرفتن بلد نیست . پدر مسئولیت ندارد . مادر مسئولیت ندارد . کمالات شهید آیت الله مطهری را خواندم که خانمش نقل می کند : به نماز شب مقید بود . نیمه شب بیدار می شد . خانه ما کوچک بود . آرام شیر آب را باز می کر د بدون این که کسی بیدار شود وضو می گرفت نماز شب می خواند . بعد که اذان صبح می شد آرام اذان می گفت و بچه ها را صدا می زدند نماز جماعت پشت سر شهید مطهری می خواندیم . این طور بچه ها را تربیت می کردند .پیغمبر فرمودند وای بر پدر و مادران آخر الزمان . چرا یا رسول الله این شکوه شما از پدر و مادران مؤمن است ؟ پدر و مادران مشرک است ؟ فرمودند : « از پدر و مادران مؤمن که نسبت به دین فرزندش حساس نیست . .

پایان

جلسه سوم

.Your browser does not support the audio tag

موضوع سخن امسال در این محفل نورانی پیرامون اهمیت نظام خانواده و مهارت هایی است که اسلام عزیز به ما یاد داده است .

برای اینکه زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد . شب های گذشته خدمت سروران خودم گفتم که از ارکان مهم بشری نظام خانواده است .

خانواده یعنی زن ، شوهر و فرزندان در کنار هم مجموعه ای به نام خانواده تشکیل داده اند .

کانون خانواده است که کانون اجتماع را می سازد .

حتی صلاح و فساد جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد .

اگر ما می بینیم امروزجامعه دچار مشکل شده است مشکل از خانواده هاست .

فرزندان ما ابتدا در نهاد خانواده شکل می گیرند و بعد وارد اقیانوس بی کران جامعه می شوند .

به تعبیر دیگر این طور می توان بیان کرد که خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که زندگی جمعی در آن شکل می گیرد .

برای همین است که خانه و خانواده در منظر اسلام ازاهمیت سرشاری برخوردار است .

امروز می بینیم بر اثر رشد زاینده وسایل ارتباطی ، تهاجم فرهنگی ، نظام خانواده دچار تزلزل شده است لذا با توجه به اهمیت نظام خانواده ضروری است که نظام آموزشی ما ، تبلیغات دینی ما ، بالای منبرها در سخنرانی ها از اهمیت نظام خانه و خانواده بیشتر سخن گفته شود .

یکی از نویسندگان غربی کتابی دارد به نام جنگ علیه خانواده ، به فارسی هم ترجمه شده است در این کتاب می نویسد : (هیچ کانونی جای کانون خانواده را نمی گیرد .) نه مهد کودک ، نه مدرسه ، نه دبیرستان ، نه دانشگاه ، خانواده خیلی مهم است .

ص: ۳۱

در واقع اگر خانواده گرم باشد اگرخانواده کانون عاطفه باشد ، فرزندان بانشاطی ما تحویل جامعه می دهیم .

اگر خانواده محل جنگ و دعوا باشد کلا وجود بچه ها پژمرده می شود . فرزندانی به جامعه تحویل می دهند که این ها از نظر روحی – روانی مشکل دارند .

لذا اخلاق خوش در خانواده ، تعامل زن و مرد با همدیگر ، بحث مدیریت خانواده که روی آن مفصل صحبت کردیم ،

خانواده را به عنوان کشور کوچک از آن یاد می کنند . مدیریت مهم است . چه کسی مدیریت می کند ؟

زن ، شوهر ، بیست سال ، سی سال هست در کنار هم زندگی می کنند داماد و عروس دارند اما مدیریت بلد نیستند .

زن و مرد طلب کار یکدیگر هستند . آقا از خانمش طلب کار هست .

خانم از مردش طلب کار است . مشکل اینجاست که همدیگر را نشناختیم . حقوق همدیگر را بلد نیستیم . شناخت ویژگی های زن و مرد این خود کمک می کند که ما بتوانیم این کشور کوچک را مدیریت کنیم .

خلقت و فلز زن و مرد متفاوت است . مرد ویژگی های منحصر به فرد خود را دارد .

زن هم ویژگی های خاص خود را دارد . خیلی از کتاب هایی که نویسندگان غربی نوشته اند به فارسی ترجمه شده است از کتاب های پرفروش بازار است . مثلا تیراژ ده هزار تا ، بیست هزار تا ، چاپ دهم ، چاپ پانزدهم ، کسانی که با چاپ کتاب آشنایی داشته باشند می دانند متأسفانه از کتاب های مذهبی خیلی استقبال نمی شود . ده هزارتا ، سه هزار تا تیراژ ، روی دستش همان سه هزار تا هم مانده است . اگر می بینید چاپ دهم تا بیستم ، اینها نشان دهنده این است که مردم از این سبک کتاب ها خوب استقبال می کنند .

خدا شاهد است من خیلی از این کتاب ها را که مطالعه می کنم ، کد هایی که برای خوشبختی به ما یاد داده اند و می خوانم دلم می سوزد . چرا ؟ چون می بینم این کدی که فلان دکتر اروپایی ، فلان دانشمند اروپایی اشاره کرده است ، همان قال الصادق و قال الباقر خودمان هست .

اما قدرش را نمی دانیم . اگر من در یک محیط دانشجویی گفتم قال الصادق (ع) رئیس مذهب جعفری ما چنین فرمود آن طور که باید و شاید توجه نمی کنند . اما اگر گفتم دکتر باربارا آنجلیس

این جمله را بیان کرده است خیلی توجه می کنند . اتفاقا این اسمی که بردم کتاب های خوبی را نوشته است . سه کتاب خودم مطالعه کردم به دوستان خودم هر سن و سالی هستید توصیه می کنم این کتاب ها را مطالعه کنید که این کمک می کند من طرف مقابلم را بهتر بشناسم وخصوصیات روحی اش دستم بیاید .

شناخت روحی یک زن و شناخت روحی یک مرد باعث برقراری بهتر رابطه بین مرد و زن می شود . این کمک می کند که کانون خانواده گرم باشد صفای حاکی محبت بر این خانه حاکم باشد .

کتابی است به نام رازهایی درباره زنان ، این کتاب را توصیه می کنم حتما آقایان مطالعه کنند .

باز کتابی دارد به نام رازهایی درباره مردان این کتاب را توصیه می کنم خانمها مطالعه کنند . کتاب های باربارا آنجلیس

در اینترنت هم می توانید دانلود کنید . باز کتابی است به نام شوروعشق زندگی از این نویسنده ، کدهایی که ارائه داده است شب های آینده مفصل روی آن صحبت می کنیم .

ص: ۳۳

در بحث مهارت های زندگی دقیقا همان کلام امام معصوم است .

به عنوان کد طلایی خوشبختی معرفی کرده است .

پس برای این که زندگی ما دوام داشته باشد و برای اینکه زندگی ما کانون عشق و صفا و صمیمیت باشد برای اینکه در این چهاردیواری که خیلی هم مقدس است اسمش خانه است ، هر شب جنگ و دعوا نباشد زندگی که میدان جنگ نیست بیست سال ، سی سال هست هر شب به جنگ و دعوا گذشت لازم است که با روحیات طرف مقابلمان آشنا بشویم .

زن خصوصیات و روحیات خاص خودش را می طلبد ، مرد هم روحیات خاص خودش را می طلبد . شناخت نداریم ! کتاب معرفی کردم . کتاب را مطالعه کنید به شما کمک می کند که این شناخت را پیدا کنید .

چند نکته را بیان می کنم و وارد بحث می شویم

یک سری رازهایی است که آقایان باید بدانند و با روحیات طرف مقابلشان آشنا شوند.

برای شناخت بهتر زنان این مسائل را آقایان به خاطر بسپارید .

اگر می خواهید زندگیتان بدون تنش باشد می خواهید درگیری ها به حداقل برسد . باید یک سری نکات را رعایت کنیم .

۱- به حرف زن توجه کنید . شنونده خوبی برای حرف های خانمتان باشید . دیشب گفتم یکی از علت هایی که زن در محیط خانه بهانه گیری می کند به خاطر این است که مرد به او توجهی نمی کند . شنونده خوبی برای همسرش نیست . شب که به خانه بر می گردی ده دقیقه وقت بگذار بگو حاج خانم هرچه می خواهی دل تنگت بگو .

ص: ۳۴

۲- زن دوست دارد مردش مقتدر باشد . یعنی ساختار خدایی زنان این طور است که از مرد زن ذلیل خوششان نمی آید . این که قدرت تصمیم گیری ندارد . مردی که اقتدار داشته باشد ، این ویژگی را زن دوست دارد ۳- زن دوست دارد که مرد به او احترام بگذارد این باعث صفا و و صمیمیت می کند . بی احترامی به خانمت می کنی ، بی احترامی به خانواده همسرت می کنی خوب این سردی ایجاد می کند .

۴- زن دوست دارد که مرد حضورش را درک کند که دیشب گفتم مثلاً یک روز جمعه بیست و چهار ساعت مرد در خانه است این زن و مرد دو کلمه با هم حرف نمی زنند .

کتابچه ای است به نام (خانم ها نخوانند) من در این کتاب مطالعه می کردم جمله قشنگی بود که می گوید : زن ها بیشتر از آنکه به شوهر احتیاج داشته باشند به یک گوش شنوا احتیاج دارند . انسان برود در دادگستری پرونده ها را ببیند . بعضی از مطالب که به گوش می رسد روی منبر و حرمت جلسه به من اجازه نمی دهد که هر حرفی بزنم . خیلی از روابط نامشروعی که هست به خاطر این است که مرد نسبت به زنش کم توجهی

می کند . جمله خیلی قشنگ هست :

می گوید زن ها بیشتر از آنکه به شوهر احتیاج داشته باشند به یک گوش شنوا احتیاج دارند برای همسرت وقت بگذار .

۵- اگر زن بتواند به راحتی و با فراغ باز درباره مطالب روزانه اش صحبت کند فشار دریافتی خود را تخلیه کرده است . زمانی که مرد حرمت و احساسات زن را نادیده می گیرد و بهایی به آن نمی دهد زن آزرده خاطر می شود . وقتی زن ناراحت هست برای حل مشکل خود نیاز دارد با کسی حرف بزند ، کسی به حرف هایش گوش بدهد . بدترین حرکتی که مرد می تواند انجام دهد و متأسفانه اکثر ما این حرکت را انجام می دهیم بی اعتبار کردن احساسات همسرمان هست . با شوق می آید حرفی را برایت بیان کند خسته هستم ولش کن نمی خواهد این حرف را بزنی

اینها سردی ایجاد می کند و باعث می شود آنطوری که باید به من رسیدگی کند و به بچه ها رسیدگی کند ، رسیدگی نمی کند .

حالا آن طرف قصه را برایت بگویم .

رازهایی که خانم ها باید از مردها بدانند . مردها چه ویژگی هایی دارند . چند مورد نوشتم .

آدرس دادم . گفتم انشاء الله اهل مطالعه هستید این کتاب را تهیه کنید هم خودتان مطالعه کنید و هم به زوج های جوانی که ابتدای زندگی آنها هست بهترین هدیه به آنها این کتاب هست تا با روحیات همدیگر آشنا شوند .

۱- مردان دوست دارند کارهایشان را بیان کنند یک پریز را تعویض کرده است در خانه را رنگ زده است . کمک شما یک ظرف شسته است .

خرید کرده است . خانم تو ذوقش نزن . از او تعریف کن . عجب مرد مسئولیت پذیری دارم لیست دادم تمام لیست را برایم خریده است .

در خانه را رنگ زده است ، حالا گند زده عوض رنگ زدن اما شما از او تعریف کن تا ایجاد عشق و صفا و صمیمیت کند . ما مردها حالتی

که داریم این است . دوست داریم مقتدر باشیم .

زن و بچه از ما تعریف کنند . خانم زرنگ باش . ما مرد ها زود هم گول می خوریم . می خواهی نخودچی مرد خود را هم بدزدی از او تعریف کن . این ویژگی مرد است .

۲- مرد وقتی که با همسر خود صحبت می کند و چیزی نمی گوید و یا حرکتی از او نمی بیند این نشان دهنده بی توجهی نسبت به همسرنیست این نکته خیلی مهم است . این یکی از تفاوتهای زن و مرد است .

وقتی با خانمها صحبت می کنی سرش را تکان می دهد و یا می گوید بله شما درست می گویید ، گام به گام با تو جلو می آید اما مردها این خصوصیت را ندارند . خانم ، اگر با همسرت حرف زدی که در حال مطالعه روزنامه هست و یا سرش در موبایل هست و سر خود را تکان نمی دهد بله نمی گوید این نشان دهنده این که مرد نسبت به شما بی توجه هست ، نیست . تو حرف خود را بزن . خصوصیات مرد با زن متفاوت است . این یکی از تفاوت هاست . مرا نادیده می گیرد من فکر می کنم نسبت به من بی توجه هست ! نه این طور نیست هم کارش را انجام می دهد و هم به حرف شما گوش می دهد .

۳- مردها زمانی را برای خود می خواهند .

خانمها وقتی ناراحت می شوند دوست دارند حتما با کسی حرف بزنند و احساسات را تخلیه کنند .

اما مردها نیاز به تنهایی دارند . موقع عصبانیت ، وقتی می بینی همسرت از یک موضوعی ناراحت است خانم روی اعصاب او رژه نرو ، بگذار تنها باشد . به خانه مادرت برو بگذار یک ساعتی بیرون برود ، قدم بزند ، پیاده روی کند تا با خودش کنار بیاید و این مشکل را حل کند . ساختار مرد این گونه است و با زن متفاوت است .

۴- مردها مانند پدرانشان عمل می کنند .

کسانی که ابتدای راه هستند یا تازه می خواهند ازدواج کنند اگر می خواهند بدانند با مردی که می خواهند ازدواج کنند این مرد چگونه مردی است به رفتار پدرش نگاه کنند . چون مردها نقش خوب و رابطه با همسرشان را از چه کسی یاد می گیرند ؟ این رفتار را از پدرشان یاد می گیرند .الگو برای پسر اکثرا پدر است .

ص: ۳۷

۵- مردان زبان بدن نمی دانند .

مردان ممکن است دیرتر ناراحتی زنان را درچهره خود نمایان کنند و یا پیام اشاره لحن صدا را تشخیص بدهند . بنا براین ، خانمها اگر می خواهید پیامتان را به همسرتان روشن کنید مستقیم به او بگویید . خانم همین که از کسی ناراحت می شوید با چشم و ابرو به او می فهمانی که من از تو ناراحت هستم . فوق العاده هم تو این زمینه ها تخصص دارید . اما این تخصص را ما مردها نداریم . با چشم و ابرو ما نمی فهمیم . اگر حرفی هست بیا مستقیم به شوهرت بگو . انتظار نداشته باش همانطور که زن همسایه این کنایه ها را متوجه می شود ، شوهرت هم متوجه شود .

مردها دیگر چه ویژگی هایی دارند ؟

۶- مردها فراموش کار هستند .

مثلا وقتی می خواهید حرف بزنید پیرامون اتفاقات هفته گذشته، ماه گذشته ، انتظار نداشته باش که شوهرت همه مسائل را به یاد داشته باشد . این نشان دهنده این که نسبت به شما بی توجه هست ، نیست . حالتی که ما مردها داریم فراموش کاری است . برای همین هم تاریخ تولد خانممان را یادمان می رود . این نشان دهنده بی محبتی نیست .

۷ – مردها به قدردانی واکنش نشان می دهند .

روانشناسان بر این باور هستند اساسی ترین نکته موفقیت در همسر داری ، قدردانی به موقع از همسر است . برای زحماتی که همسرتان انجام می دهد ارزش قائل باشید . از او تجلیل کنید . این هم در این وضعیت اقتصادی که بر جامعه ما حاکم شده است . اگر خریدی انجام داد به او نگو که وظیفه ات هست . قدردان باش . از او تشکر کن . این ایجاد مهر و محبت و صفا و صمیمیت می شود .

۸- مردها دوست دارند ، دوست داشته شوند .

اگر مردی احساس کند از سوی همسرش مورد بی محبتی قرا بگیرد ممکن است به فرد دیگری متمایل شود . برای اینکه رضایت او را جلب کند . لذا حاج خانم الان هم اگر می بینی اینقدر شهرمان ناامن شده است زندگی را حفظ کن و به شوهرت محبت کن .

اگر می خواهید زندگی مان کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد . باید در خانواده قانون حاکم کنیم .

نام قانون را باید و نباید گذاشتیم .

روی دوتا از نباید ها صحبت کردم به عنوان دو ویروس از آن یاد کردم . این ها را باید از زندگی خود دور کنیم .

ویروس اول ، نباید را از خودت دور کن

اول لجاجت . پیرامون لجاجت سه مطلب بیان کردم

مطلب اول : لجاجت خوی ابلیس است .

مطلب دوم : روایت امیرالمؤمنین (ع) لجاجت در زندگی اولش جهل است و پایانش پشیمانی است .

مطلب سوم : نشانه های انسان لجوج ، انسان لجباز چه ویژگی هایی دارد

ویروس دوم ، نباید بود که دیشب روی آن صحبت کردم بحث

بهانه گیری است .

پرامون بهانه گیری چهار مطلب گفتم .

مطلب اول : خیلی از اختلاف ها و طلاق هایی که امروز در زندگی های ما اتفاق می افتد ، خیلی از تنش هایی که برای ما ایجاد می شود ، دعواها ، درگیری ها و نزاع ها ، درد این بهانه گیری های کودکانه هست . سعی کنیم بهانه گیری را کنار بگذاریم .

مطلب دوم : زن و شوهر باید سعی کنند بهانه دست همدیگر ندهند . این که می داند طرف مقابلش بهانه گیر است ،نیاز به مدیریت دارد که بهانه دست طرف مقابلش ندهد . داستان هارون را برایتان گفتم اگر به خاطر داشته باشید .

مطلب سوم : بهترین پاسخ برای همسری که بهانه گیر است . خانم بهانه گیر است ، شوهر بهانه گیر است . از جایی دیگر اوقات تلخی دیده است می خواهد دق دلش را روی زن و بچه پیاده کند . بهترین پاسخ در مورد مرد بهانه گیر و زن بهانه گیر ، روان شناسان گفته اند سکوت است . حرفی نزن ، سکوت کن . دهان به دهانش نگذارید . اگر شروع به جواب دادن کنی مثل آتشی است که آن را باد بزنی . این آتش شعله ور تر می شود .

مطلب چهارم : بین انتقاد و بهانه گیری فرق است . انتقاد از روی عشق است . از روی محبت است .

امام صادق (ع) می فرماید : «أحبُ إخوانی الیه من اهدی عیوبی إلیه » بهترین رفیق تو کسی هست که عیب هایت را به تو هدیه بدهد . زن و شوهر قرار است که باهم رفیق باشند اگر باهم رفیق شدیم باید عیب ها را به خودش بگوییم نه به برادرش ، نه به خواهرش بگوییم . به خودش بگو نه به مادرش بگویید . اینها نکات مهمی است . همین ریزه کاری هاست که رعایت نمی کنیم وهر شب در خانه جنگ و دعواست .

هدف اسلام تکامل بشر است . لذا قرآن جایگاه خانه و خانواده را بالا و والا ترسیم کرده است . هیچ دین و آیینی را نداریم که اینقدر نسبت به خانه و خانواده اهمیت قائل شده باشد .

من چند آیه قران برایتان می گویم به اندازه ای که فرصت در اختیار من هست .

آیه اول سوره روم آیه ۲۱ : در خانه اگر کس هست همین یک آیه قرآن بس است .

خودش اهمیت نظام خانواده را نزد پروردگار برای ما مشخص می کند . حضرت حق در قرآن می فرماید :

(وَمِنْ آيَاتِهِ) یکی از نشانه های پروردگار این است . این نشانه چیست ؟

(أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا) ببینید مسئله ازدواج چه قدر مهم است که پروردگار این را جزء نشانه های خودش در قرآن یاد می کند یکی ازنشانه های خدا این است که برای شما همسر آفرید تا ازدواج کنید که به واسطه ازدواج ، (لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) به واسطه ازدواج ، به واسطه این که با مرد در یک چهاردیواری که نام آن خانه است و این خانه خیلی قداست دارد و فردا شب مفصل درباره آن صحبت خواهم کرد به شرط حیات همسر به آرامش برسند . همسر برایت طغیان زدایی ایست .

خدای متعال دو وعده داده است

می فرماید : (وَجَعَلَ) قرار داد خداوند

(بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً) بین شما مودت و رحمت .

نکته بسار ظریفی است یعنی اگر می خواهی در زندگی به آرامش برسی نیاز به مودت و رحمت داری .

وقتی صیغه عقد جاری شد خداوند بین شما مودت و رحمت قرار می دهد . به موجب این مودت و رحمت باید باهم رفیق باشید .

مرحوم علامه طباطبایی رحمهالله علیه در تفسیر ارزشمند المیزان ، می فرماید :

« بین مودت و رحمت فرق است مودت در قلب است رحمت در عمل است »

موقعی می بینید فردی یکی را دوست دارد ولی ابراز نمی کند این مودت است . موقعی هم است که یکی را دوست دارد ، ابراز می کند و می گوید دوستت دارم . برایش هدیه می خرد او را به مسافرت می برد .

این رحمت است لذا در روایات اسلامی داریم که بنازم به این دستورات . کدام دین و آیینی را سراغ دارید که این طور ، این ظرافت ها را بیان کرده باشد . در دستورات اسلامی و کلمات نورانی اهل بیت داریم :

برای این که خانه های شما مودت و رحمت حاکم بشود . چرا ؟ (لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا) برای این که به آرامش برسی لازم است که این محبتت را ابراز کنی . اگر می خواهید رحمت در زندگی شما حاکم شود ، اگر می خواهید پایه های زندگی تان مستحکم شود ، اگر می خواهید زندگی تان پایدار بماند ، این محبت را ابراز کن .

امام صادقی که به عشقش این جلسه به پا شده است و همه ما داریم شاگردی مکتب امام صادق (ع) را می کنیم ، می فرماید :

« قول الرجل للمرأه إنی أحبک لا یذهب من قلبها أبدا»

حرف مرد که به خانمش بگوید من تو را دوست دارم .

هرسن و سالی که هستی خجالت نکش و این محبت را ابراز کن تا آرامش بر خانه شما حاکم شود . ببینید از خودم نمی گویم آیه قرآن است .

کلمات معصومین (ع) است . و این کدی است که جامعه شناسان و روانشناسان بیان کرده اند این مبانی دینی ما است . مبانی آن ، مبانی روایی ما است . این محبت خود را ابراز کن بگو خانم دوستت دارم که بر قلبش حک می شود .

حتی مسائل شرعی برایتان بگویم . (خانم ها گوششان را ببندند) یکی از جاهایی که دروغ گفتن هم جایز است ، اینجاست . گناه نکردی . به دروغ بگو دوستت دارم . این عشق و محبت را ابراز کن (لا یذهب من قلبها ابدا) محبت سه قسم دارد :

اول : محبت از طریق گوش

دوم : محبت از طریق چشم

سوم : محبت از طریق زبان ،

محبت از طریق گوش یعنی چه ؟

یعنی شنونده خوبی برای حرفهای خانمت باش .

بعضی از مواقع به یاد دوران جوانی تان ، دوران عقد ، هر سن و سالی که هستید با هم بیرون بروید . با هم بروید پارک قدم بزنید . یک شب به رستوران بروید . رستوران هم نمی خواهید بروید . یک ساعت تو پارک بنشین و چیزی هم نگو و سکوت کن تا خانمت هر چه دل تنگش می خواهد بگوید اگر چنین کردی ببین چه آرامشی بر خانه شما حاکم می شود تا یک هفته چنین کردید من آرامش خانه شما را تضمین می کنم .

بگذار حرف بزند و تخلیه شود . این محبت از طریق گوش .

دوم محبت از طریق نگاه :

بعضی از نگاه کردنشان نفرت می بارد .

بعضی از نگاه کردنشان عشق می بارد .

محبت از طریق چشم را باید از پدر بزرگها و مادربزرگها باید یاد گرفت . مادربزرگها محبت از طریق چشم را خیلی خوب بلد هستند .

می بینید دارد به نوه اش نگاه می کند .

آن بچه لوس است ولی نگاه مادربزرگ به آن بچه سرشار از عشق و محبت است .

بیایید تمرین کنیم هر سن و سالی که هستیم . نگاهی که به هم می کنیم نگاهی عاشقانه باشد .

سوم : محبت از طریق زبـان که روایتش را برایتان گفتم . دسـتورات اهل بیت هم همین است . خود اهل بیت نیز محبت را ابراز می کردند .

از امام حسین نقل کرده اند : من خانه ای را دوست دارم که در آن همسرم رباب باشد . ائمه محبتشان را ابراز می کردند

. پیغمبر (ص) محبتش را به حضرت خدیجه (س) ابراز می کردند .

قرآن می فرماید : (وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً) اگر به دنبال مودت و رحمت هستید اگر خواستار این هستید که در زندگی در کنار هم به آرامش برسـید ، اگر خواسـتار این هستید که هرشب در فضای خانه شما جنگ و دعوا و اوقات تلخی نباشد مودت و رحمت لازم است .

مودت و رحمت اگر حاکم شد (لِتَسْكُنُوا) به آرامش می رسید .

مودت و رحمت یعنی چه ؟ یعنی هم قلب ، هم اجرا . هم قلبی خانمت را دوست داشته باش و هم این محبت را ابراز کن .

محبت سه قسم است .

محبت از طریق نگاه ،

محبت از طریق گوش

، محبت از طریق زبان

خداوند انشاءالله به همه ما توفیق رعایت کردن این نکات ارزشمندی که اهل بیت برای ما قرار داده اند برای این که زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد عنایت بفرماید.

پایان

جلسه چهارم

.Your browser does not support the audio tag

بحثی که از شب اول در این محفل نورانی شروع کردیم به حول و قوه الهی و عنایات ویژه مادرم حضرت زهرا (س)تا شب آخر هم محور آن سخن خواهیم گفت ، عنوان سخن اهمیت نظام خانواده در اسلام و مهارتهایی است که به ما آموزش داده اند برای این که کانون زندگی های ما گرم باشد ، پراز عشق و صفا و صمیمیت باشد .

شب های گذشته برای شما گفتم که نهاد خانواده یکی از اساسی ترین ارکان جامعه بشری است .

خانواده است که می تواند زمینه ساز خوشبختی یا بدبختی انسانها باشد . حتی صلاح و فساد جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد .

دین اسلام تنها مکتبی است که بیشترین توجه را نسبت به خانه و خانواده دارد . از خانواده به عنوان یک کانون مقدس یاد می کند .

لذا اسلام عزیز برای تحکیم نظام خانواده

برای استمرار زندگی ، برای پیشگیری از فروپاشی و تنش ها رهنمودهایی را به ما عرضه داشته است .

می فرماید : خانه قداست دارد یک چهاردیواری است که بی روح و خشک و خالی نیست . آیات فراوانی هم در این زمینه در قرآن کریم است به عنوان نمونه دیشب روی سوره روم آیه ۲۱ بحث کردیم که حضرت حق می فرماید : « ومن آیاته أن خَلقَ مِن اَنفُسکم و ازواجکم »

یکی از نشانه های خدا این است که برای شما همسر آفرید تا ازدواج کنید . به واسطه ازدواج (لتسکنوا إلیها)به آرامش برسید .

چکار کنید این آرامش در فضای خانه حاکم شود ؟

(جَعَلَ) قرار داد خداوند (بَینَکُم مَوَدَةَ و رَحمَه) روی این دو واژه ده شب می توان پیرامون آن صحبت کرد . دیشب گفتم : مودت در قلب است . مرحله شدید محبت می شود ، مودت.

مرحله بعد : رحمه . رحمه در عمل است .

علامه طبابایی در تفسیر المیزان اینگونه توضیح می دهند :

مودت ، در ابتدای رابطه ایجاد می شود اما در پایان ممکن است یکی از زوجین ، ناتوان باشد اینجاست که رحمت جای آن را می گیرد .

ابتدای زندگی دوران عشق و عاشقی است . نهایت محبت را نسبت به هم دیگر دارند . کسی که از نظر ایمان در درجه بالا و والااست . وقتی بیست ، سی سال هست در کنار یکدیگر زندگی کرده اند در کنار هم سختی ها و ناراحتی ها را تحمل کرده اند اگر یکی از آنها دچارمشکل شد او را رها نمی کند تنها نمی گذارد .

این رحمت است که این محبت را در عمل هم نشان داده است . این رحمت و محبت به ما آرامش می دهد . ساختار وجودی انسان این طور است .

ساختار خلقت خدایی این است که انسان نیاز به آرامش روح دارد ، نیاز به آرامش ذهن دارد نیاز به آرامش نفس دارد . نیاز به آرامش جسم دارد . نیاز به آرامش محیط دارد . خلقت خدایی انسان اینطور است .

برای ثبات ایمان نیاز به آرامش روح دارد . دیدید بعضی برای خودشان یک شکل و قیافه های عجیبی درست می کنند .

اینها از نظر شخصیتی ثبات ایمان ندارند . روحشان آرامش ندارد . شصت سال دارد اما مانند جوان بیست ساله لباس می پوشد . مثل یک خانم بیست ساله خودش را درست کرده است . که روایت داریم دو جا ملائکه می خندند : یک جا آنجایی که جوانی بخواهد ادای پیرمردها را در بیاورد ، یک جا آنجایی که پیرمردی بخواهد ادای جوانها را در بیاورد ، ملائکه می خندند . بد نیست حاج آقا ، حاج خانم هر از گاهی یک نگاهی به تاریخ شناسنامه خود بیندازیم . انسان نیاز به آرامش روح دارد .

برای تعقل نیاز به آرامش فکر و ذهن دارد .

کاسب است می خواهد تجارت کند .

استاد دانشگاه است می خواهد تدریس کند .

روحانی است می خواهد سخنرانی کند . قبل از آن باید مطالعه کند .

اگر در محیط خانه آرامش نباشد هیچ کدام نمی توانند در حرفه خود موفق باشند .

برای کسب فضائل اخلاقی نیاز به آرامش نفس دارد .

برای انجام عمل صالح نیاز به آرامش محیط دارد .

برای بندگی خدا ، این قدر زن و شوهر ها در این زمینه ها می توانند به همدیگر کنند . این زن قدرتی دارد که می تواند شوهر جهنمی خود را بهشتی کند . البته از آن طرف هم هست که می تواند و قدرتی دارد که می تواند شوهر بهشتی خود را جهنمی کند . خانمها ، آقایان را به ادای واجبات تشویق کنید . نماز اول وقت ، به پرداخت خمس ، پرداخت واجبات ، در این زمینه ها خیلی می توانید موفق باشید . طرفین روی هم تاثیر گذار باشند . برای آسایش ، نیاز به آرامش تن و استراحت بدن دارد و کسب نشاط ، برای تداوم حیاط زندگی این آرامش در کانون عشق و محبت خانواده تأمین می شود .

ص: ۴۷

به شرط این که مودت و رحمت بر خانه حاکم باشد . آن وقت هست که این آرامش تامین می شود . خانه ای که هر شب در ان جنگ و دعوا باشد خبری از آرامش نیست .

زن و شوهر در کنار هم باید رفتارشان به گونه ای باشد که آرامش در خانه حاکم شود . این آرامش در خانه ایجاد شود که شوهرش لحظه شماری کند و شب شود به خانه بیاید و در کنار خانواده اش به آرامش برسد . نه اینکه محیط خانه پر از تنش باشد و شب که آمد خانه لحظه شماری کند تا صبح شود و از خانه خارج شود . (لِتسکنوا الیه)

آیه دوم : سوره بقره آیه ۱۸۷ چه قدر این تعبیر، زیبا ، ظریف و قابل تأمل است . خدای مهربان می فرماید : (هُنَّ لِبَاسٌ لَکُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)

می خواهی خودت و زنت را بهتر بشناسی ؟

تو لباس برای زنت هستی و زن لباس برای شما

نگفت تو لباس برای زن هستی و تو هیچ کاره ، نه ! می گوید هر دو نفر شما لباس هستید .

این آیه کوتاه است ولی دریایی مطلب در آن نهفته شده است .

تعبیرات فراوانی در دل آن خوابیده است .

برداشت اول : انتخاب لباس با خود انسان است .

شما می خواهی لباس بپوشیس این لباس را خودت انتخاب می کنی .

زن باید شوهرش را خود انتخاب کند . مردهم همین طور .

نکته ظریفش این است : ازدواج اجباری در منطق اسلام معنا و مفهومی ندارد . اگر مفهومی داشت نمی گفت (هُنَّ لِبَاسٌ لَکُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) دوطرفه است .

برداشت دوم : لباس محافظ بدن است .

مرد باید محافظ زن باشد و زن هم باید محافظ مرد باشد . مطلب سوم : لباس عیب پوش بدن است .

اگر بـدن من سوخته باشد این لباس باعث می شود که عیب های بدن من محفوظ باشد . زن هم باید عیب پوش مردش باشد . مرد هم باید عیب پوش زنش باشد .

اگر یک ویژگی اخلاقی بدی شوهر شما دارد (هُنَّ لِبَاسٌ لَکُمْ) خانم عیب پوش شوهر باش .

مطلب چهارم : لباس زینت بدن است .

انسان برهنه چه قدر زشت است . برای او لباس مایه زینت است . زن و مرد هم باید مایه زینت یکدیگر باشند .

مطلب پنجم : لباس باید در شأن انسان باشد .

زن باید در شأن شوهر باشد . شوهر باید در شأن زن باشد .

من اگر لباسـی پوشـیدم که در شأن خودم نبود همه من را تحقیر و سـرزنش می کنند که این چه لباسـی است که پوشیده ای ؟ زن و شوهر هم همینطور بایـد باشـند . حتی رفتـار و کردار. حـاج خانم الان که شوهرت یک موقعیت اجتماعی دارد ، رفتارت طوری نباشد که شأنیت و شخصـیت شوهر را به سبب رفتار و پوشش و حجابت او را زیر سؤال ببری . اینها نکات مهمی است . ظرافت های قرآن است (هُنَّ لِبَاسٌ لَکُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) به قول یکی از نویسندگان غیر مسلملان کتابی پیرامون خانواده دارد که تعبیری کرده است می گوید زیباتر از این نمی توان گفت و نمی توان تشبیه کرد که قران مسـلمانان تشبیه کرده است ، زن و مرد لباس یکدیگر هستند

مطلب ششم : لباس انسان را در برابر سرما و گرما حفظ می کند .

زن و مرد هم باید همین طور باشند .

درگرمای زندگی خوش است و هیچ مشکلی ندارد . در بعضی از مواقع زن می بیند مرد نیاز به تنظیم باد دارد ، مواظب باش ای مرد ! غرور و تکبر سراغ تو نیاید .

همان خدایی که این مال و ثروت به تو داد کاری ندارد که یک شبه از تو بگیرد . کمک کن ، فامیلت احتیاج به کمک دارد .

ای که دستت می رسد کاری بکن . سرما برای او رسیده است بالاخره زندگی سرما و گرما و فراز و نشیب دارد .

بیا به این شوهر در سرمای زندگی روحیه بده .

زن در سرماها و مشکلات شوهرش را تنها نگذارد . (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)

مطلب هفتم : لباس با تغییر فصل تغییر می کند .

ما در زمستان لباس گرم می پوشیم و در تابستان لباس گرم می پوشیم .

در عروسی لباس شاد می پوشیم . در عزا لباس مناسب عزا می پوشیم .

(هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ) معنی آن این است که زن و مرد نسبت به شرایط باید رفتار خود را تغییر بدهند .

یک وقت خانم مریض است مرد باید احساس و عاطفه بیشتری از خود نشان بدهد . در کارهای خانه به همسر کمک کند نه اینکه تازه بداخلاقی کند . یه وقت مرد دچار مشکلات شده است ، سر او کلاه گذاشته اند و این زن بیاید بنزین روی آتش بریزد ، این اشتباه است و همانگونه که شما با تغییر شرایط لباس خود را تغییر میدهید .

در زندگی و خانواده هم زن و شوهر باید باید تغییر شرایط ، رفتار و کردارشان را تغییر بدهند و این خود نیاز به مدیریت دارد .

این دو تا آیه .

آیه سوم : سوره نورآیه ۳۶ خدای متعال یک خانواده را به رخ عالم کشیده است .

(فی بیوتٍ أذِنَ اللهُ أن تُرفَعَ وَ یُذکرَ فیها اسمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بالغُدُوِّ والاصال) خانه ای که صبح و شام در آن تسبیح خدا گفته می شود .

خانه ای که تجارت و کار روزانه آنها را از یاد خدا باز نمی دارد .

از وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه سؤال شد یا رسول الله : آیا خانه علی و زهرا هم شامل حال این آیه مکی شود ؟

پیغمبر (ص) فرمودند : (نعم بَل أفضَلَها) بله .

بلکه خانه علی و زهرا بالاتر است ، ارزشمند تر است

خانه ای از منظر خدا قداست و ارزش دارد که دین در این خانه حاکم است .

بهترین سنگ گرانیت را برای خانه اش تهیه کرده است ، بهترین مبلمان و فرشهای گران قیمت .

اما چیزهایی که در این خانه وجود ندارد حیا و ادب و احترامی است که کوچکتر باید به بزرگتر بگذارد .

چیزی که در این خانه نیست گوهری به نام اعتماد است ، چرا ؟ چون دین بر این خانه حکومت نمی کند .

آن خانه از نظر قرآن کریم ارزشمند است که چهار دیواری بی روح و خشک نیست و دین بر این خانه حکومت می کند .

ص: ۵۱

نام خانواده را کشور کوچک گذاشته اند . بر کشور باید قانون حاکم باشد . آیا من که ادعای دین و دیانت دارم و ادعایم این است که شیعه امام صادق (ع) هستم بر کشور کوچکی که بر آن حکومت می کنم که نام آن خانواده است ، قانون دینی ، قانون قرآنی و فرهنگ اهل بیتی حاکم است ؟

نام آن را باید و نباید گذاشتند .

یک سری کارها را باید انجام بدهم و یک سری از کارها را باید از آن دوری کنم . نباید ها ، که اثر تخریبی آن مانند بمب اتم است .

دو ویروسی که شبهای گذشته مفصل درباره آن صحبت کردم .

ویروس اول لجاجت

ویروس دوم بهانه گیری .

چه قدر زندگی ها را خود شما سراغ دارید که به خاطر این دو ویروس کارشان به طلاق کشیده شده است .

اختلاف و نزاع پیش آمده است . از آن ها باید دوری کنم . باید ها که باید این قوانین را در زندگی اجرا کنم .

درست است که پانزده سال ، بیست سال هست زندگی کرده ام ، نگو آقا از من گذشته است . نه ! از حالا به بعد شروع کنم عزمم را جزم کنم از خدای متعال کمک بخواهم .

دیشب برایتان گفتم خیلی از کتاب هایی که روانشناسان غربی نوشته اند و به فارسی ترجمه شده است و این از کتاب های پرفروش است دلیل اینکه مردم از این کتابها به خوبی استقبال می کنند خیلی از کدهایی کمه به ما معرفی کرده اند همان دستورات دینی ماست همان روایات امام صادق (ع) است .

اما متاسفانه ما قدر آن را نمی دانیم ، ما از ان دوری می کنیم ، و به آن عمل نمی کنیم و کتابی هم من در این زمینه ندیده ام . اگر شما کتاب را سراغ داری به من معرفی کنید ، که بیاید مهارت زندگی را از نگاه اهل بیت روی ان بحث کند .

یعنی یک تلفیقی باشد از کدهایی که اهل بیت به ما معرفی کرده اند برای این که زندگی های ما کانون محبت و عشق و صفا و صمیمیت باشد و مهارت هایی که داشمندان به ما معرفی کرده اند ، برای شما گفتم خیلی از نکاتی که برای شما بیان کردم روایت آن را هم دارم می گویم .

کدهایی که آنها معرفی کرده اند من هم آیات قرآنش را در آورده ام . کلمات مصعومین را در آورده ام .

یکی از مهارت هایی که به ما یاد داده اند تا زندگی های ما تداوم داشته باشد برای اینکه کار به جدایی نکشد ، روانشناسان می گویند بحث وفاداری در زندگی است و بسیار مهم است .

این دستور ، دستور قرآنی است . زن و شوهر با هم وفادار باشند .

البته خانمها بیشتر اهل وفاداری هستند .

قرآن مجید در سوره نساء آیه ۲۱می فرماید : (وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

ای زن و شوهر ها وقتی پای سفره عقد نشستید و بین شما صیغه عقد خوانده شد در واقع یک قرارداد قرص و محکم امضا کردید .

سر سفره عقد از شما پیمان محکم گرفته شده است .

چرا بداخلاقی می کنی ؟

چرا بی توجهی می کنی ؟

ممکن است یک مرد بگوید دیگر از اخلاق این زن خوشم نمی آید .

قرآن در سوره نساء می فرماید :

(به دستورات دقت کن و روی ظرافت ها عنایت داشته باش)

(فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ)

اگر از او کراهت داری باز هم با او بساز .

رحمتی که گفتم اینجا خودش را نشان می دهد .

ایمان با ایمان ، ایمان لقلقه که فایده ای ندارد .

این ایمان باید در عمل خودش را نشان بدهد .

اگر هم از رفتار و کردار و شکل و قیافه او خوشت نمی آید انصاف داشته باش .

بیست سال هست که در کنار هم زندگی می کنید

(وَعاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) با معروف و نیکی با آن معاشرت کن .

خانم اگر با این مرد بد اخلاق و نق نقو ساختی و او را تحمل کردی ،

حاج آقا اگر با این زن نق نقو ساختی و با او کنار آمدی و به خاطر خدا تحمل کردی و زندگی خود را رنگ و بوی خدایی دادی .

خدا در قرآنش می فرماید من اجری در این تحمل ناخوشی گذاشتم و در حساب پس اندازت نگه می دارم ، این قدر برایت جبران می کنم که خودت شرمنده شوی .

تو رفتی خاستگاری او که به خاستگاری نیامد .

تو جوانی و شادابی او را گرفتی تو طراوتش را گرفتی اول که این قدر مریض حال نبود .

در زندگی با تو مریض شد .

آخرین سفارشات پیغمبر و آخرین وصایای امیر المؤمنین (ع) در روایات امام صادق هم است بروید ببینید

(إتقوا الله فی ضعیفَین) پروا داشته باشید ، از خدا بترسید پیرامون دو : اول می فرماید : یتیم

دوم : نسا ء

یکی بچه یتیم ، یکی زن چون این دو مظلوم هستند ، حامی حق و حقوق آنها خود خداست .

ابا عبدالله الحسین (ع) می فرماید :

(ایاك و ظلم مَن لایَجِدَ عَلیك ناصرا الی الله)

ازظلم بپرهیزید ظلم بد است

منتها ظلم به یکی بدتر است .

ظلم به آن کسی که غیر از خدا هیچ یاوری ندارد از ظلم به او پرهیز کن . وفاداری یکی از کلیدهای طلایی است که قرآن به ما معرفی کرده است . آموزه های دینی به ما معرفی کرده است .

چرا در زندگی بی وفایی می کنی ؟

این که همه چیز خوب و طبیعی باشد خیلی کار مهمی انجام ندادی .

هنر زندگی ، خواهر من برادر من ، این است ، پایبند بودن به زندگی زمانی است که مشکل یا سختی پیش بیاید باز هم شما عقب نشینی نکنی .

در هنگام مشکلات وفاداری زوجین به خطر نیفتد

.

سه جا این وفاداری به خطر می افتد :

۱- وفاداری در هنگام عصبانیت .

زندگی بدون اصطکاك و مشکل نیست .

قدیمی ها می گفتند : دوکاسه چینی را اگر کنار هم بگذاریم هم بدون صدا نیست . وقتی من ناراحت هستم . وقتی من از

طرف مقابلم ناراحت شدم ، مواظب باشم با لج و لجبازی این وفاداری زیر سؤال نرود .

ص: ۵۵

شب اول روایتش را برایت گفتم وقتی عصبانی شدی و عصبانیت بر وجودت مستولی شده چشمانت را بستی و دهانت را باز کردی .

امام صادق (ع) می فرماید ببین طرف مقابلت چه کسی است . آبروی او آبروی تو است . شوهرت هست ، پدر بچه هایت است . همسرت هست ، مادر بچه هایت هست .آبروی او آبروی توست . آبروی شوهرت را بردی ، حاج خانم آبروی خودت را بردی .

وفاداری در هنگام عصبانیت ،

۲- وفادای در عدم حضور همسر .

وقتی شوهر بالای سرش هست وفادار نباشه . وقتی شوهرش مسافرت رفت و او را تنها گذاشت از اعتماد شوهر سوء استفاده نکند .

۳- وفاداری در موقعی که همسر دچار خطایی شده است .

پرونده های دادگستری را من ببینم خیلی از مطالب را من دهانم بسته است از این که بیان کنم . هر انسانی ممکن است در زندگی عمل اشتباهی انجام بدهد . اما مجازات او خیانت به طرف مقابل نیست .

این سه موقع است که وفاداری زیر سؤال می رود .

وفاداری که به عنوان کلید طلایی و به عنوان گوهر از آن یاد کرده اند برای این که زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

و بحار الانوار روایت آخرم . کتاب ارزشمند الکافی جلد دوم صفحه ۱۱۷ این روایت را بیان کرده است .

(جاء جبرئیل للنبی) جبرائیل بر پیغمبر نازل شد

(فقال ربُک یقرئُک سلام) خداوند سلام می رساند

(فقال یا محمد (ص) ، ای پیغمبر

(یقول لک) کسانی که با واژه عربی آشنایی دارند . یقول ، فعل مضارع است . به قول ما طلبه ها ، دلالت براستمرار دارد . دائم این کار راانجام بده . چه کاری را انجم بدهم ؟ حفظ کنید : دو کلمه است .

(دارخلقی) دار فعل امر هست

با این خلق من مدارا کن .

با خانمت مدرا کن .

با بچه ات مدارا کن حاج خانم با شوهر بد اخلاقت مدارا کن

امام صادق می فرماید می خواهیم امشب شاگری مکتب حضرت را بکنیم .

امام صادق می فرماید :

(السلامه عَیش فی مدارا) . سلامت زندگی در مدارا کردن است .

او بد دهن است تو بد دهانی مکن .

او بد اخلاق است تو بد اخلاقی نکن .

او احترام خانواده شما را نگه نمی دارد تو نخواه که تلافی کنی . با او مدارا کن . به خاطر خدا صبر کن . بالاخره یک روز به خودش می آید . یک عمر است من دارم با این زن بداخلاقی می کنم ، تند مزاجی می کنم اما این زن با وفا ، بی وفایی نکرد . اگر جوابش را دادی و اگر دهان به دهان او گذاشتی مشکل حل می شود ؟ ابدا ! مثل یک چاقو هست که هر شب سوهان بزنی . تازه این چاقو تیز تر می شود . این دستورات را به من یاد داده اند تا زندگی ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت شود . افسوس که از این تعالیم آسمانی فاصله گرفتیم .

ص: ۵۷

پایان

جلسه پنجم

.Your browser does not support the audio tag

بـا کسب اجـازه از محضـر اسـتاد بزرگوار حاضـردرجلسه موضوع سـخن در این محفل نورانی ، پیرامون نظام اهمیت خانواده و مهارتهایی که اسلام به ما یاد داده است برای اینکه زندگی های ما کانون عشق و محبت وصفا و صمیمیت باشد .

شب های گذشته خدمت عزیزان خودم عرض کردم که خانواده یکی از اساسی ترین ارکان جامعه بشری است .

صلاح و فساد جامعه ارتباط مستقیمی با صلاح و فساد خانواده دارد .

دین اسلام به عنوان یک مکتب انسان ساز بیشترین توجه را نسبت به این نهاد داشته است .

اصلا از خانواده به عنوان یک نهاد مقدس یاد می کند .

لذا اسـلام برای تحکیم خانواده و برای اینکه زندگی استمرار داشته باشد و این آمار طلاق در زندگی ما نباشد و این آمار نزاع و درگیری ها و اختلاف ها نباشد رهنمودهای بسیاری را به ما عرضه داشته است .

آیات قرآن ، چهار دیواری خانه را به عنوان یک مکان مقـدس یاد می کند . آیاتی را دیشب خدمت عزیزان و سـروران خودم بیان کردم ، آیات به خوبی نشان می داد که خدای مهربان در قرآن مجید چه عظمتی برای خانه و خانواده در نظر گرفته اسـت .

اصلا از منظر قرآن مجید ، خانه مقدس است .

واژه بیت به معنای خانه است . ۷۱ بار واژه بیت و مشتقات آن در قرآن آمده است . جمع آن بیوت است .

اما در قرآن مجید ، عنایت فرمایید این ها قابل تأمل است .

دوازده بار با مصادیق بیت الله یعنی خانه خدا آمده است .

ص: ۵۸

دو مورد آن برای بیت عطیق ، دومورد برای بیت المأمور بالای کعبه ، همان مکانی روی زمین که ما طواف می کنیم و ملائکه و اهل آسمان گرداگرد آن می چرخند .

۵۵ مورد باقی می ماند . این ۵۵ مورد باقی مانده بیت ، خانه ، همان مکان مخصوص زندگی ما (خانواده) است .

این چهار دیواری که محل زندگی تعدادی از افراد بشراست ، یعنی زن ، مرد ، فرزندان محل رشد و تربیت انسان است .

برای همین می گویند تقدس دارد . جایگاهی که قرآن مجید برای آن ترسیم کرده است بالا و والاست .

خانه باید محل آرامش باشد . محل تسکین باشد .

(جَعَلَ بَینَکم موَدَهَ و رَحمَه) را مفصل برایتان صحبت کردم .

بازآیه ای که در این زمینه داریم ، سوره بقره آیه ۲۷۶ ، اولین کارکرد خانه را می فرماید محل تأمین آرامش جسم و روح است .

ساختار و فلز انسان طوری است که نیاز به آرامش دارد . به چه دلیل ؟ دیشب مفصل روی آن صحبت کردم . آیه را دقت بفرمایید، حضرت حق می فرماید : (واللهُ جَعَلَ لَکُم مِن بُیوتِکُم سَکَنا) خدای متعال خانه های شما را محل سکونت و آرامش قرار داد .

در محضر استاد خودم دارم درس پس می دهم .

واژه سَکَنَ به معنای هرچیزی است که به انسان تسکین بدهد .

وقتی شما درد داشته باشید چه مصرف می کنید ؟ مسکن .

برای این که درد ها را فراموش کنی . محیط خانه باید طوری باشد مشکلاتی که انسان در طول روز با آن دست و پنجه نرم می کند ، لحظه شماری کند شب شود و در کانون عشق و صفا و صمیمیت خانه و خانواده قرار بگیرد و به این آرامش برسد .

ص: ۵۹

زن و شوهر بایـد طوری مـدیریت کننـد که خـانه یک چنین ویژگی را داشـته باشـد . نه این که در خانه هر شب جنگ و دعوا باشد ، شب که شد لحظه شماری کند صبح شود و از این خانه فرار کند .

اگر محل آرامش بود اگر محل تأمین این نیازها بود مسکن است .

اگر چنین نبود مسکن نیست ، ارزش و قداست ندارد .

امام صادق (ع) می فرماید :

« الْاُنسُ فی الثَلاثٍ »

انس و آرامش در سه چیز است .

اول: در (زوجَه المُوافِقَه) زن سازگار با سختی ها و ناملایمات زندگی بسازد .

به شوهر خود غر نزند ، زندگی خود را با دیگران مقایسه نکند .

دوم: (الوَلَدِ البارِّ) فرزندان خوش رفتار که صدقه جاریه برای بعد از من باشد .

فرزند ، اگر دسـتم از دنیا کوتاه شد اگر صالح باشد و مردم بخواهند او را دعا کنند ، دعا به جان پدر و مادرش می کنند ، اگر بخواهند فحش هم بدهند به روح پدر و مادر می دهند .

سوم می فرماید : (صِدیقُ المصافی) دوست با صفا ، دوست وفادار.

دلا یاران سه قسمند گر بدانی زبانی اند و جانی اند و نانی

به نانی نان بده از در بِرانش ستایش کن تو یاران زبانی

ولیکن تو یار جانی را نگه دار به پایش جان بده تا می توانی

اما یار جانی که اگر زمانی یار جانی را پیدا کردی سلام من وجناب آقای دکتر طواف زاده را به او برسانید !

که آرامش در این سه چیز است . فرزند صالح ، رفیق خوب ، زن سازگار ، کلام امام صادق (ع) اگر دارید قدر آن را بدان .

سوره احزاب آیه ۳۴ می فرماید : خانه آن قدر قداست دارد که محل ذکرو تلاوت آیات الهی است

(وَاذْکُرْنَ مَا یُتْلَی فِی بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیَاتِ اللَّهِ وَالْحِکْمَهِ)

به یاد آورید در خانه هایتان از آیات وحکمت تلاوت شده است .

این محیط آرام خانه مکانی مورد احترام و عنایت قرار گرفته ، در قرآن به چه شرطی ؟ به شرط این که معبدی باشد برای بندگی پروردگار .

می گویند زن و شوهر زیاد می توانند در این زمینه به هم کمک کنند .

خانم ، شوهرت را به خواندن نماز اول وقت، شرکت در نماز جماعت تشویق کن . اورا به شرکت در مجالس مذهبی تشویق کن . مرد نیز همان طور نسبت به نماز ، نسبت به حجاب زن و بچه اش حساس باشد .

آن وقت جایگاه این خانه رفیع می شود .

چنانچه خداوند متعال , خطاب به خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) می فرماید :

(فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّه ُأَن تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالغُدُوِّ وَ الآصَالِ) سوره نور آیه

۳۶در تفسیرالمیزان مرحوم علامه طباطبایی (ره) بروید ذیل این آیات ببینید ، علامه بیان کرده است اگر خانه ای ازهر پلیدی پاک بماند و به ذکر خدا مزین شود رفعت می یابد و از یک چهار دیواری سرد و بی روح خارج می شود . یعنی چه ؟ یعنی هرچه ارتباط با خدا قوی تر شد هر چه معنویت در این خانه بیشتر شد ، ارزش آن پیش خدا بیشتر می شود .

خانه قداست دارد . بعد می گوییم چرا برکت نیست ؟

خدا قدیمی ها را رحمت کند . مقید بودند و در خانه ها اذان می گفتند . نماز اول وقت آنها ترک نمی شد . مقید بودند در خانه مکانی را انتخاب کرده بودند برای نمازخانه .

حالا در خانه ها می آید سگ نگه داری می کند اسم آن را با کلاسی می گذارد . مبانی دینی ما می گوید چند خانه است که ملائکه در آن وارد نمی شود . اعتقاد و باور ما این است ملائکه در خانه وارد می شود .

خانه ای که در آن ذکر پروردگار گفته شود ملائکه در آن حضور پیدا می کند . خانه ای که در آن یا حسین و یا زهرا گفته شود ملائکه در آن حضور دارد . یعنی تو الان شک نکن که روی بال ملائکه نشسته ای .

نوری به طرف آسمان می تابد . اما خانه ای که در آن شراب و سگ نگه داری شود . خانه ای که در آن آلات قمار نگه داری شود .

علامه مجلسی در حلیه المتقین روایتش را گفته است بروید بخوانید از خودم حرف نمی زنم .

کلام پیغمبر است . ملائکه از این خانه می روند شیاطین می آیند و منزل می گزینند . بعد می گوید چرا این قدر گرفتارم ، پول دارم ، درآمدم بد نیست ولی برکت ندارد . باید پول تصادف بدهم ، باید پول وکیل بدهم . مشکل پشت مشکل . به هر دری می زنم درها رویم بسته است . سفره گناه و معصیت را اززندگی خود جمع کن . رفاقت خودت را با خدا قوی تر کن . اگر ضرر کردی !

ص: ۶۲

قرآن می فرماید : (أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا)

اگر کسی اعراض از یاد خدا کند زندگی او ، زندگی نکبت بار می شود این خانه دیگر خانه نیست . این خانه دیگر قداست ندارد . خانه حرمت دارد . جایی که خداوند در قرآن برای خانه ترسیم کرده است بالا و والاست ، تا جایی حرمت دارد که می گوید حق ندارید بدون این که اجازه بگیرید وارد خانه شوید . می گوید خانه به نام خودم است سندش به اسم خودم است . خانه حرمت دارد نمی توانی سرت را پایین بیندازی و وارد شوی .

به این آیه را دقت کنید سوره نور آیه ۲۷

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) ای کسانی که ایمان آورده اید .

(لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ) وقتی می خواهید وارد خانه ای شوید که خانه شما نیست

(حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا) اجازه بگیرید

(وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا) بر اهل آن خانه سلام کنید .

سلام واژه ای است که این پیام را دارد که من با تو دشمن نیستم من برای تو آرزوی سلامتی می کنم .

خانه غریبه می خواهی بروی در بزن سلام کن . خانه خودت هم وقتی مرد وارد می شود وارد خانه و ملک خودش می شود زنگ بزن یک یا الله بگو ، سرفه ای بکن که خانمت بفهمد مردش برآن وارد شده است .

حرمت خانه رعایت شود . بنازم به این دستورات بنازم به این مبانی .

کدام دین و آیینی را سراغ دارید که اینطور جزییات را بیان کرده باشد و شآن نزول آن را هم بروید ببینید در تفسیر قرآن .

امام صادق (ع) می فرماید : « زنی از انصار نزد پیغمبر آمد گفت یا رسول اله من بعضی موقع در خانه در شرایطی هستم که دلم نمی خواهد کسی مرا ببیند . یک مرتبه می بینم پدرم یا فرزندانم یا شوهرم وارد می شوند . که این آیه بر پیغمبر نازل شد .(اجازه بگیرید و وارد شوید که حرمت خانه حفظ شود .) اگر می خواهید قداست این چهار دیواری حفظ شود اگر می خواهید محل تسکین و آرامش باشد .

اگر می خواهید کانون عشق و محبت باشد و قداست داشته باشد باید قانون بر این کشور کوچک حاکم باشد . نام این قوانین را باید و نباید گذاشتیم . یک سری کارهایی انجام بدهیم و از یک سری کارها دوری کنیم که ان

شا الله از امشب این قوانین بر خانه های ما حاکم شده است .

نبایدها به عنوان دو ویروس مخرب .

لجاجت ، بهانه گیری ، چه قدر زندگی های را سراغ دارید به خاطر لج و لجبازی ، به خاطر بهانه گیری های کودکانه .

باید ها که از دیشب شروع کردیم ان شا الله تا شب آخر به حول و قوه الهی و عنایات ویژه مادرم زهرا روی بایدها صحبت می کنم .

مطالب ناب و قشنگی هم برایتان در نظر گرفته ام ، اول بایدها می خواهی زندگی ات کانون عشق و محبت باشد.

می خواهی زندگی ات استمرار داشته باشد .بسم الله .

وفاداری : زن و شوهر به هم وفادار باشند . مفصل روی اینها صحبت کردم . دوم بایدی که اهل بیت به عنوان کلید خوشبختی ، به عنوان مهارت های زندگی به ما یاد داده اند و بحث بسیار مهمی هم است ، بحثی به نام

تغافل است . یکی از وظایف مهم اعضای خانواده مخصوصا زن و شوهر برای کم شدن نزاع ها و درگیری ها همین بحث تغافل است . دوشب گذشته برایت گفتم ، زندگی میدان جنگ نیست . بیست سال ، سی سال است دارید با هم زندگی می کنید هر شب به جنگ و دعوا گذشت . هر شب به خاطر یک موضوعی اوقات تلخی راه انداخته است . روی اعصاب همدیگر رژه رفتید .

معنی تغافل چیست ؟ تغافل یعنی شخصی چیزی را می داند و از آن آگاهی دارد ولی از روی مصلحت خود را غافل و بی خبر نشان می دهد.

به گونه ای که طرف مقابلش خیال می کند که هیچ خبری ندارد ، هیچ اطلاعی ندارد برای این که حرمت ها حفظ شود .

همچنین می توان به آن از چشم پوشی و نادیده گرفتن به خاطر مصلحت تعبیر کرد .

این عمل اخلاقی آن قدر ارزش دارد که روایات فراوانی در این زمینه داریم .

امام صادق (ع) می فرماید : صَلاحُ حالِ التَّعایُشِ وَالتَّعاشُرِ مِلْأُ مِکْیالٍ ثُلْثاهُ فِطْنَهٌ وَ ثُلْثُهُ تَغافُلٌ

« همانا صلاح زندگی دنیای شما دو جمله است . (در خانه اگر کس است ، همین یک روایت بس است ..

اول می فرماید : دو روز شدن دنیا و زندگی مثل پیمانه پری است که دو سوم آن توجه و هوشیاری است . (المؤمن کیّس) مؤمن زرنگ است .

کسی که می خواهد کشور کوچک خانواده را مدیریت کند .

باید زرنگ باشد بداند که که چه موقع حرف بزند و چه موقع حرف نزند . خیلی از جاها باید حرف بزنم . طرف مقابلم با حرف زدن آرام کنم .

ص: ۶۵

خیلی ازمواقع باید سکوت کنم . این نیاز به مدیریت دارد .

وقتی اعصابش از جایی دیگر خورد است . تازه من هم روی اعصابش راه نروم . چیزی نگویم . این مدیریت و زرنگی می خواهد .

آمد پیش دکتری رفت . گفت : « جناب دکتر شوهر من خیلی بد اخلاق است ، بدخلقی می کند ، مرا کتک می زند . چکار کنم . » دکتر مقداری چای سبز به او داد گفت : وقتی شوهرت وارد خانه می شود پنج دقیقه این ها را بجوو که مشکلات حل می شو د . من دارو برای شوهرم می خواهم تو به خودم دارو می دهی . گفت تو به این دستور عمل کن اگه ضرر کردی . یک هفته بعد آمد گفت : عجب داروی معجزه آسایی بود ، به من ده کیلو از همان چای سبز بدهید . گفت : اینها چای معمولی بود . من گفتم وقتی شوهرت وارد می شود این فکت مشغول باشد تا نتوانی جواب او را بدهی . نیاز به مدیریت دارد چه موقع حرف بزنم ، چه موقع حرف نزنم . یعنی اگر شما زندگی را مثل پیمانه ای ترسیم کنید دو سوم آن توجه و هوشیاری است (وَ ثُلْثُهُ تَغافُلٌ)و یک سوم آن تغافل است . نادیده گرفتن ، به غفلت گرفتن اگر آمدم تو روی او زدم و خواستم مچ او را بگیرم تازه پرده حیای او ریخته می شود چه شوهر چه فرزند .

البته این جمله را در پرانتز عرض کنم ، (بعضی از مواقع است که با تغافل طرف مقابل سوء استفاده می کند . اینجا تغافل لازم نیست . نباید اجرا شود این خود نیاز به سیاست دارد ، نیاز به مدیریت دارد .)

روایتی بخوانم از کتاب وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه **۲۹۵** از خودم حرف نزده باشم .

شخصی به نام محمد بن فضیل می گوید : « پیش امام موسی کاظم (ع) آمدم و گفتم یابن رسول الله ، برادری دارم مردم پشت سر او حرفهایی می زنند . می گوین که برادرت فلان کار را انجام داده است ، با فلان اشخاص رفت و آمد دارد و کسانی هم که این حرف ها را می زنند مورد وثوق من هستند و به آنها اعتماد دارم درست می گویند . از طرفی ، وقتی به برادرم می گویم تو این کار را انجام داده ای ؟ تو با این افراد رفت و آمد داشته ای ؟ برادرم می گوید : نه . حرف من و رها کردی و حرف دیگران را قبول کردی ! من چه کار باید انجام بدهم ؟ »

حضرت فر مودند : « کَذِّ ب سَمعَكَ وَ بَصَرَكَ . حرف برادرت را قبول کن . حرفهایی که از دیگران شنیدی را نشنیده بگیر .

خودت را به تغافل و غفلت بزن . برادرت را تأیید کن .

چرا ؟ تا این امر سبب شود تا برادرت به حق دعوت شود. »

اما اگر هر با خواستی به رویش بیاوری و مچ او را بگیری که تو این کار را انجام دادی و تو داری به من دروغ می گویی ، تازه پرده حیاء او ریخته می شود و می گوید انجام دادم که دادم هر کاری دوست داری برو انجام بده . نگذاریم که حرمت ها شکسته شود .

این هم در محیطی مانند خانه که قداست دارد .

قال علی (ع) : (اَشرَفُ اخلاقَ الکَریم تغافُلُهُ عما یَعلَم)

می فرماید از اخلاق کریم است ، از اخلاق انسان بزرگوار است خودش را به غفلت بزند نسبت به آن چیزی که علم دارد .

که قداست محیط خانه حفظ شود . این از مهارت های زندگی است .

این دو تا از مهارت ها بود که گفتم .

سومین مهارتهای زندگی که باعث می شود رعایت کردن آن ، زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد ، اهل بیت به ما یاد داده اند تکریم واحترام است .

اول حقوقی که زن و مرد نسبت بر گردن هم پیدا می کنند برای تحکیم خانواده ، احترام است .

وسائل الشیعه جلد پنجم صفحه ۶۱ کلام امام صادق (ع) ، شاگردی مکتب امام صادق (ع) را بکنیم .

امام ششم می فرماید : (مَنِ التَّخَذَ إمرَاه فَالیُکرِمِها)

وقتی همسر انتخاب کردی ، وقتی ازدواج کردی وظیفه تو این است که به خانمت احترام بگذاری .

وظیفه تو این است که به خانواده همسرت احترام بگذاری .

این حق و حقوق دو طرفه است کسی از صحبت ها سوء استفاده نکند .

امام سجاد (ع) رساله ای به نام رساله الحقوق دارد که در این کتاب می فرماید حقوق زن بر شوهر : حق همسر بر تو آن است که بدانی خدا او را مایه آرامش و الفت تو قرار داده است و این را از جمله نعمت های خدا بشمارید و ازاین رو باید همسرت را احترام کنی و نسبت به او مهربان باشی . وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه فرمود :

« هر مردی بر زنش سیلی بزند خدا بر نگهبان آتش دستور می دهد که به گونه او هفتاد ضربه و سیلی آتشین بزند و او را به صورت وارد آتش جهنم کند . (مستدرک الوسائل جلد ۱۴ ، صفحه ۲۵)

ای مردم ، بانوان شما حقوقی دارند و شما نیز بر آنان حقوقی دارید و من به شما سفارش کنم که به آن ها نیکی کنید زیرا آنها امانت های الهی در دست شما هستند با قوانین الهی بر شما حلال شده اند .

جبرئیل آن قدر درباره زن به من سفارش کرد که گمان کردم طلاق زن سزاوار نیست .

این کلام پیغمبر (ص) است . و طرف ادعای دین و دیانت و مسلمانی دارد دست بزن دارد و زن خود را کتک می زند .

آمده بود مسجد ، همسرش هم سید بود جای انگشت شوهرش روی صورتش مانده بود و چشمانش قرمز شده بود .

گفتم بحث دین و دیانت را کنار بگذار . تو که ادعای مسجدی بودن می کنی تو انصاف و رحم و مروت نداری ؟

فردای قیامت جواب حضرت زهرا (س) را چه می خواهی بدهی .

(ما أکرَمَ النِّساء الا الکریم و لا اهانَهُنَّ الا لئیم) درو دیوار شهادت می دهند . از خودم حرف نزدم . تمام آیات قرآن و کلام معصوم را گفتم . پیغمبر(ص) می فرماید : « بدانید انسان کریم کسی است که با زنش خوب رفتار کند به او ظلم نکند . حق همسر را ضایع نمی کند . »

(ولا اهانَهن الا لئیم) کسی که به زن توهین می کند از نگاه پیغمبر پست و فرومایه است .

در جای دیگر می فرماید : (کلَّ ما أزاد العَبد ایمانا أزادا حُبا للنساء)

هر چه ایمان بنده بیشتر باشد محبتش نسبت به همسر بیشتر می شود . انسانی که از نظر شخصیتی تهی است دست بزن دارد و به همسرش توهین می کند .

خشونت در خانواده ها امروز به عنوان آسیب های خانواده شناخته شده است که متاسفانه خیلی از خانواده ها به آن مبتلا هستند .

ریشه این خشونت و بدرفتاری چیست ؟

روانشناسان بیان کرده اند اولین عامل سوء زن است که بعضی از مردها به آن مبتلا هستند .

این که بود برایت زنگ زد ، این که بود برایت پیام فرستاد . اگر بی اعتمادی بین زن و مرد به وجود آمد دیگر زندگی کردن ممکن نیست . شیرینی از این زندگی گرفته می شود . باید محیطی فراهم کنیم که در آن بی اعتمادی نباشد .

دومین عامل مخرب می فرماید : بلای خانمان سوز اعتیاد است .

شصت درصد از افرادی که در زندان ها هستند با مواد مخدر در ارتباط هستند . اینها درد است . سه میلیون نفر ما معتاد داریم . در این سه میلیون نفر ، متاسفانه چهل درصد آنها افراد متأهل هستند . انسان مجرد نباید معتاد باشد این خیلی بد است . اما متأهل بدتر است چون فقط به خودش آسیب نمی رساند به اطرافیانش هم آسیب می رساند . به همسرش ، به فرزندانش آسیب می رساند . به پدر و مادرش آسیب می رساند . خدایا جوانان ما را از این خطر خانمان سوز نجات بده . ای کاش فقط هروئین مصرف می کردند . ای کاش فقط تریاک مصرف می کردند . این موادهای روان گردانی که هست مانند شیشه ، کراک و هزار نوع دیگر که متأسفانه خیلی راحت هم در دسترس است .

کراک مصرف کرده بود پارچ آب را پرت کرده بود طرف ران بچه هشت ساله اش ، ۱۲ بخیه خورده بود نوار عصبش قطع شده بود بعد که به خود آمده بود شروع به گریه کرد . خودش را می زد که این چه حرکتی بود من انجام دادم . دیگر حال عادی ندارد . این ها ریشه خشونت است . اینها ریشه بدرفتاری است . باعث می شود که نتواند اکرام کند . نتواند این مهارتها را در زندگی پیاده کند . سومین عامل : فقراست .

پیغمبر (ص) می فرماید : (اللهم انی اعوذُبک من الکفر و الفقر)

کفر و فقر را در کنار هم گذاشته است .

روایت آخر ، امیرالمؤمنین (ع) به امام مجتبی (ع) فرمودند :

(یا بُنَیَّ منِ ابتُلیَ بالفقر) کسی که به فقر مبتلا شد

(ابتُلیَ بأربعِ وخِصال) به چهار درد مبتلا شده است

(فی ضعف الیقینه) یقین او ضعیف می شود .

(وَنُّقصانِ فی عَقلِه) و عقل او کاهش پیدا می کند .

وقتی نان شب نداشته باشد چه طور می تواند فکر کند .

چطور می تواند درست تصمیم گیری کند .

(وَرِقَّهِ فی دینه) و دین او هم رقیق می شود .

می بینید جوانش به سنی رسیده است که باید ازدواج کند .

کار نیست هر شب به جگرش نق می زند . برای دخترش خواستگار می آید . بهترین خواستگارش را رد می کند چون نمی تواند در این وضعیت نابسامانی جهیزیه تهیه کند . خانمش مریض است پول عمل را ندارد .

این شخص دیگر می خواهید دین برایش باقی بماند .

(و قِلَّهِ حَیاءِ فی وَجهِهِ) حیاء او کم می شود .

منبع رابطه های پنهانی فقر است . خیلی از رابطه های پنهانی که بین جوان های ما است منبع آن فقر است .

(الشیطان یعدُکُم الفقر و یأمُرُکُم بالفَحشاء) آمار می دهند که ، آمار سرقت بالا رفته است . آمار دزدی و فساد بالا رفته است . آمار فحشا بالا رفته است . شما بیایید معیشت مردم را تأمین کنید . جوانی که کسب و کار داشته باشد پای منقل نمی نشیند .آمار فحشا پایین می آید . آمار اعتیاد پایین می آید . آمار جرم و جنایت هم پایین کشیده می شود . آیه قرآن برایتان خواندم .

موضوع سخن ، مهارت های زندگی است تا الان سه کد را برای شما بیان کردم . بایدهایی که به عنوان قانون باید در محیط کوچک خانواده حاکم کنیم ،

اول : وفاداری ،

دوم : تغافل ،

سوم : تکریم شخصیت . به خانمم احترام بگذارم . حاج خانم به شوهرت احترام بگذار . خانمت را جلو بچه هایت سبک نکن و بالعکس . به خانواده همدیگر احترام بگذارید که از آسیب های اجتماعی خشونت و بدرفتاری است . ریشه آن چیست ؟ ریشه یابی کردیم .

۱- سوء ظن

۲- اعتیاد

۳ - فقر

خدایا ما را با وظایفمان بیشتر از قبل آشنا بفرما .)

جلسه ششم

.Your browser does not support the audio tag

بحثی که از شب اول در این محفل نورانی شروع کردیم به حول و قوه الهی و عنایات ویژه مادرم زهرا تا شب آخر هم حول آن صحبت می کنیم ، بحث ، بحث مهمی است که به درد همه ما می خورد هر سن و سالی که داشته باشیم . عنوان بحث اهمیت نظام خانواده و مهارت هایی که اسلام به ما یاد داده است و اهل بیت به ما آموزش داده اند برای اینکه زندگی های ما

کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

ص: ۷۲

به عنوان مقدمه بحث ، شبهای گذشته خدمت سروران خودم عرض کردم که خانواده یکی ازاساسی ترین ارکان جامعه بشری است .

خانواده این قدر مهم است که همین خانواده می تواند زمینه ساز خوشبختی یا بدبختی انسان ها باشد .

حتی صلاح و فساد جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده ها دارد .

لذا دین اسلام به عنوان یک مکتب انسان سازمی بینیم در آیات قرآن و کلمات معصومین که اسلام بیشترین توجه را نسبت به خانه و خانواده داشته است . نهاد ، نهاد مقدسی است . چرا ؟ چون کانون تربیت است .

این کد ها را ارائه داده است برای این که زندگی ها استمرار داشته باشد . زندگی ها دوام داشته باشد . این اختلاف ها نباشد . این آمار طلاق در جامعه نباشد .

بعضی از آمارها و مطالب و خبرها را می شنویم . به خدا آدم افسوس می خورد . ما که پشتوانه دینی مان این قدر قوی است . ما که این قدر کلمات بزرگانمان زیبا و کاربردی است . چرا باید این قدر آمار طلاق در زندگی های ما زیاد باشد . چرا باید این قدر آمار طلاق زیاد باشد .

چرا باید در زندگی ها یمان مشکل داشته باشیم .

چرا باید این قدر اختلاف باشد که جای تأسف دارد .

خانه مقدس است . قرآن می فرماید (واللهُ جَعَلَ لَکُم مِن بُیوتِکُم سَکَنا) خدا خانه های شما را محل سکونت و محل آرامش قرار داده است . دیشب برایتان گفتم : سکنه به معنای هرچیزی است که به انسان آرامش می دهد. درد داشته باشم مسکن مصرف می کنم . باید خانه محلی باشد که وقتی به خانه می رسم تمام دردهایم از یادم برود . تمام مشکلات را فراموش کنم . نه این که تا به خانه می رسم ، تمام غم های عالم بر سرم بریزد .

ص: ۷۳

اینطور نباشد .

روایت زیبایی از قول پیغمبر (ص) برایتان بگویم لذت ببرید . وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه می فرماید :

از سعادت مرد این است که زن او سه ویژگی داشته باشد .

اگر خانمهای شما این سه ویژگی را داشتند قدر آنها را بدانید .

خوشا به حالتان که از نظر پیغمبر شما سعادتمند هستید .

حاج خانم اگر این سه ویژگی را داری قدر خودت را بدان . بهشتی شدن تو تضمین شده است .

اول : (إذا نَظَر اِلَیها سَرَّته) وقتی مرد نگاهش به همسر می افتد لذت ببرد و شاد شود .

ناراحتی ها را فراموش کند نه اینکه تازه یاد غم های دنیا بیفتد .

حضرت زهرا (س) هم همین طور بود . امیرالمؤمنین (ع) می فرمود :

« وقتی من به فاطمه (س) می نگرم هم و غم و ناراحتی و گرفتاری را فراموش می کنم . »

زن باید اینطور باشد

پیغمبر (ص) می فرماید : از سعادت مرد است .

دوم : (وإذا أمَرَها) وقتی شوهر به او امری می کند (إطاعَتهُ) اطاعت و پیروی کند .

حتی در بحث مسائل شرعی هم ما داریم ، شوهر می تواند بگوید من راضی نیستم به نماز جماعت بروی . می تواند بگوید نمی توانی جلسات مذهبی شرکت کنی .می تواند بگوید راضی نیستم روزه مستحبی بگیری .

اما پیرامون مسائل واجب نمی تواند بگوید . مثلا نمی تواند بگوید نمازت را نخوان . ، نمی تواند بگوید تو نمی توانی روزه واجب بگیری .

پیرامون مستحبات این حق را دارد . باید به زندگی و شوهر داری ات برسی .

این خاطره تلخ و جالب را یادم نمی رود : جلسه زنانه من خیلی کم می روم یکی از اقوام بود مارا دعوت کرده بود . درب منزل باز بود . آقایی از اول منبرِمن تا آخر همین طور دم در ایستاده بود وبه چشمانم ذل زده بود گفتم یا حضرت عباس چه اتفاقی افتاده است . منبر که تمام شد و من از جلسه بیرون آمدم . گفت سید تو را به جدت قسمت می دهم بیا یک دقیقه با شما کار دارم . گفت بیا این خانه و زندگی مرا ببین . دست ما را گرفت این در خانه روبه رو راباز کرد از پله ها پایین رفتیم . وارد زیر زمین خانه شدم . خدا شاهد است باور بفرمایید مثل این که در این خانه زمین لرزه هفت ریشتیری اتفاق افتاده بود . لباسها و اسباب بازی بچه در اتاق پخش شده بود . مرا برد آشپزخانه بوی تعفن ازظرف ها بلند می شد . گفت این زن من صبح تا شب تو روضه ها است ، تو را به جان امام زمان تو این منبرها برای خانها بگو ، روضه رفتن و پا منبر نشستن و اشک ریختن ، همه این ها مستحب است اما شوهرداری واجب است . واقعیت هم همین است . مستحبات را نگیریم و واجبات و رها کنیم .

پیغمبر (ص) می فرماید : از سعادت مرد این است (إذا أمَرَها) وقتی همسرش به زنش امری می کند (أطاعَتهُ) همسر پیروی کند . مطیع شوهر باشد . مطیع بی چون و چرای شوهر باشد .

ص: ۷۵

روایت های آن را هم شب های آینده برایتان خواهم گفت .

سوم : (وَ إذا غاب عَنها) وقتی مرد در خانه نیست (حَفِظَتهُ) آبروو شخصیت و مالش را حفظ کند اگر این سه ویژگی را همسرت دارد پیغمبر می فرماید شما خوشبخت و سعادتمند هستید .

اگر می خواهیم زندگی مان محل تسکین و آرامش و کانون عشق و محبت باشد و اگر می خواهی زندگی ها دوام داشته باشد .

اگر می خواهی تنشها و دعواها به حداقل برسد بر خانواده باید قانون حاکم باشد . این مثال را چند شب هست دارم تکرار می کنم .

اگر خانه ای در آن قانون حاکم نباشد دچارهرج و مرج می شود .

خانواده را به عنوان کشور کوچک از آن یاد کرده اند . مدیریت این کشور خیلی مهم است . چه کسی مدیر است ؟ زن مدیر است . مرد مدیر است . بیست سال ، سی سال است دارند زندگی می کنند مدیریت بلد نیستند . هر شب جنگ و دعوا و درگیری است . یکی از همسایه های مسجد ما می گفت : این همسایه کناری ما ، اگر یک شب از این خانه داد و بیداد بلند نشود ما می فهمیم اینها خانه نیستند . چرا باید وضعیت اینطور باشد .

قانون به عنوان باید و نباید ، باید ها را دو مورد گفتم رفتم سراغ نباید ها ، لجبازی . یکی از نباید هاست .

لجاجت که ان شالله این چند شب لجاجت وبهانه گیری را کنار گذاشته اید

لجاجت و بهانه گیری دو ویروس مخربی است که زنـدگی ها را نابود می کنـد . چند بار با شوهرت به خاطر بهانه گیری دعوا کردی ؟

چند بار به خاطر لج و لج بازی اختلاف پیش آمده است ؟

هیچ کدام هم حاضر نیستید کوتاه بیایید . زندگی که میدان جنگ نیست .

به سراغ باید ها رفتیم که اینها باید به عنوان قانون تصویب شود .

برای این که زندگی ام کانون عشق و محبت باشد .

برای اینکه جوی توأم با صمیمیت در خانه حاکم باشد . برای اینکه به آرامش برسم . (لِتَسکُنوا إلَیه)

اول باید ها ، وفاداری : زن و شوهر باید نسبت به هم وفادار باشند . که مفصل روی آن صحبت کردیم .

دوم از بایـدها ، تغافـل . می فهمم ولی خیلی از چیزهـا را نادیـده می گیرم هم نسـبت به شـوهرم و هم نسـبت به فرزنـدم چشـم پوشی کنم .

تذکر هم دادم که بعضی مواقع ممکن است طرف مقابلم از این تغافل سوء استفاده کند اینجا دیگر جای تغافل نیست . اما برای کم شدن نزاع و درگیری ها خیلی از مواقع تغافل لازم است .

نمونه اش را از وسائل الشیعه برایت گفتم . خانمی به من می گفت : پسـرم هر بار تفریحی سـیگار می کشـید . من به او شـک کرده بودم و به او می گفتم که تو سـیگار می کشـی امـا او می گفت ابـدا . آخر جـایی مـچ او را گرفتم . ای کاش این کار را نکرده بودم . تازه پرده حیای او شکسـته شده بود . از آن روز به بعد دیگر به طور آشـکار سیگار می کشید . خیلی از چیزها را نباید به رو آورد . خانمها از من ناراحت نشوید ، بروید از کارشـناسان این زمینه بپرسید همه شما ماشاء الله خانم مارپل هستید . بعضـی از مواقع وقتی یک چیزهایی را متوجه می شویـد خواستی به شوهر ثابت کنی که چنین چیزی است تازه زنـدگی ات را دچار مشکل می کنی .

با محبت باید تغییراتی در خانه ایجاد کنی باید جو را برگردانی .

باید شوهرت را به زندگی بر گردانی . باید علاقه مندی خود را به شوهر ثابت کنی . محبت خود را نسبت به شوهر بیشتر کنی . و خیلی از مواقع چیزهایی را که می بینی اغماض کنی تا جوی آرام بر این خانه ساکن کنی سوم بایدها که این هم خیلی مهم است تکریم شخصیت است .

زن و شوهر به هم احترام بگذارند . (من اِتَخَذَ امراةً فَلیُکرِمها) دستور پیغمبر است . حتی نباید اجازه بدهد بچه ها با مادر بد صحبت کنند .

نمی دانم چرا بچه ام با خانمم بد حرف می زند ! خوب یاد گرفته است . بچه ها آیینه تمام نمای رفتار پدر و مادر هستند . تو که بد حرف می زنی ، تو که احترام خانمت را نگه نمی داری انتظارداری بچه ات احترام خانمت را نگه دارد!

امیر المؤمنین (ع) می فرماید : (المنزل البهی احدی الجنتین) خانه های نورانی یکی از دو بهشت است .

یعنی ما دو بهشت داریم ، یک بهشت در این دنیا و یک بهشت در آخرت . اگر طوری رفتار کردم خانه دنیایی ام بهشت شد ، بهشت و آخرت انتظارم را می کشد .

اهل بهشت چه ویژگی هایی دارند ؟ سوره واقعه بیان کرده است : زنان بهشتی (عربا اترابا) شوهر دوست هستند و زندگی خود را با دیگران مقایسه نمی کنند . یکی از این مشکلات و اختلاف ها همین چشم و هم چشمی هاست .

ص: ۷۸

به شوهر خود نمی گوید از زندگی با تو خیر ندیدم .

من شوهر کردم ، خواهرم هم شوهر کرده است ! برو ببین او چه زندگی برایش فراهم کرده است و تو چه زندگی برای من فراهم کرده ای !

به اندازه پولی که در جیب داری هزینه کن . به اندازه حقوقی که شوهر دارد برایش هزینه بتراش . شوهر خواهرت کارخانه دار است ، شوهر تو یک کارمند ساده است . حقوق آنها قابل مقایسه نیست این را بفهم .

زندگی را به کام خود و دیگران تلخ نکن . زنان بهشتی شوهر دوست هستند تمام محبت خود را به پای شوهر می ریزند (لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا) گفتم همه را برای این مطلب که در بهشت حرف زشت و نیش دار رد و بدل نمی شود .

(إلا قيلاً سلاماَ سلاما) در بهشت گل می گویند و گل می شنوند . اگردرمحیط خانه هم همین طور بود و حرمت ها حفظ شد و حرف زشت رد و بدل نشد خوب این یک خانه نورانی می شود .

یک خانه بهشتی می شود . چون خانه ام بهشت شد . بهشتِ آخرت انتظارم را می کشد . در چنین جوی است که بچه های من هم بهشتی می شوند در چنین جوی است که می توانم بچه ای تربیت کنم که به قول قرآن مجید :

(قُرَةَ عين لی فی الدنیا والاخره) روشنی چشمم در دنیا و آخرت باشند . اما خانه ای که در آن همیشه جنگ و دعوا باشد ، آن خانه بهشت است ؟ ابدا . این خانه جهنم است . جهنم چه ویژگی هایی دارد ؟

ص: ۷۹

همه در آن می سوزند . زن و مرد می سوزند . بچه ها که عوض سوختن به قول ما اصفهانی ها جزغاله می شوند . چرا ؟ چون پدر و مادر مدیریت بلد نیستند .

وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه می فرماید:

(إِنَّ شَرَّ عِبادِ الله) تعبیر خطرناک است .

بدترین بندگان خدا کسانی هستند (مَن تُکرَهُ) که مردم از هم نشینی و مجالست و رفت و آمد با آنها کراهت داشته باشند . چرا ؟

(مُجالَسَتُهُ لِفُحشه) به خاطر این که بد زبان است خیلی راحت حرف رکیک از زبانش خارج می شود . حرمت اطرافیانش را نگه نمی دارد . به بچه هایش توهین می کند به خانمش توهین می کند .

جوانی آمده بود مسجد به من می گفت : اگر این دین و ایمان هست که بابای محاسن سفید من دارد ، من این دین و ایمان را نمی خواهم . چرا عزیزم ؟ چه شده است ؟ گفت نیستی درخانه ما آن وقتی که پدر مؤمنِ مذهبِی صف اول نماز جماعت ، پای منبر نشین من عصبانی می شوند چشم را می بندد و دهان را باز می کند . حرفهایی از دهانش بیرون می آید و فحش هایی به مادرم می زند که من جوان ۱۷ ساله خجالت می کشم . حیا می کنم از حرف هایی که از زبان پدرم بیرون می آید . تکریم شخصیت از مهارت های زندگی است . بعد هم موقع عصبانیت انصاف را رعایت کنم .

ص: ۸۰

پیامبر (ص) می فرماید :

(إذا شَتَمَ اَحَدُکُم) وقتی عصبانی شدی و با کسی می خواهی دشمنی کنی (فلا یَشتِم عَشیرته ولا آباء ولا اُمُّه) با خانمت دعوا کردی ، شما دوتا دعوا کردید چرا ایل و طایفه را به فحش می بندید .

به زنده و مرده رحم نمی کنید . شما دو نفر دعوا کردید چرا پای دیگران را به میان می کشید . چرا بدن پدرش که دستش از این دنیا کوتاه است را در قبر می لرزانی .

امام صادقی که این دهه متعلق به آن بزرگوار است در احوالات ایشان بخوانید که داشتند از بازار عبور می کردند یک رفیقی داشتند و این رفیقش همراه با غلامش بود این غلام عقب می افتاد یک بار که عقب می افتاد ، عصبانی شد و از کوره در رفت خطاب به غلامش گفت : مادر فلان بیا ! رنگ امام صادق (ع) تغییر کرد . این چه حرفی بود که از دهانت خارج شد ؟ چرابه مادرش نسبت ناروا دادی . گفت : آقا این مادرش زندی است اصلا مسلمان نیست . گفت مادرش هر دین و آیینی می خواهد داشته باشد . بالاخره احترامش بر ما واجب است و بیان شده است که امام ششم ، رفاقتش را با این رفیقش به خاطر یک فحش به هم زدند .

و فحش های ناموسی در جامعه ما عادی شده است . من صبح که دارم میروم حوزه می بینم بعضی از بازاری ها تازه دارند در مغازه ها را باز می کنند یک عده احوالپرسی معمولی آنها با فحش است . این چه جوی است که بر جامعه حاکم شده است . از نظر تکنولوژی داریم پیشرفت می کنیم اما از نظر اخلاقی روز به روز داریم سقوط می کنیم . آدم ، انحطاطِ اخلاق را در جامعه می بیند . چکار می کنید ؟

ص: ۸۱

چرا دچار مشکل شده اید ؟ مشکل از کجاست ؟ چند شب است که برایت تکرار کردم . صلاح و فساد جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد . اگر این وضعیت جامعه ما است مشکل به خانواده ها بر می گردد . در خانواده ها فحش دادن و حرف رکیک زدن عادی ومعمول شده است .

خوب بچه ها هم هیچ اِبایی ندارند از اینکه حرف زشت بزنند .

اما دستورات دینی ما این را نمی گوید . خوب صحبت کن .

قشنگ صحبت کن . با خانمت قشنگ صحبت کن .

با فرزندت قشنگ صحبت کن . حرف زشت را کنار بگذار آثار مثبت آن را هم می بینی .

آثار مثبت آن چیست ؟

از خودم حرف نزده باشم .

آقا زین العابدین (ع) می فرماید :

(القَولُ الحسن) گفتار نیک ، خوب صحبت کردن . زیبا صحبت کردن . حرف زشت را کنار گذاشتن این آثار را دارد .

(یُثری المال) ثروت می آورد . مالت برکت پیدا می کند .

(یُنسی فِی العَجَل) عمرت هم طولانی می کند . عَجَل هم به تأخیر می افتد .

(ویُحَبِّبُ الی اهلِ) انسان را پیش خانواده اش محبوب می کند . انسان خوش اخلاق و خوش زبان و خوش گفتار را همه دوستش دارند . اما کسی که بد زبان باشد و کسی که زبانش نیش داشته باشد همه از او فراری هستند . اول کسانی هم که فراری می شوند زن و فرزندانش هستند .

ص: ۸۲

(ويُدخِلُ الجَنّه) این از همه مهم تر است . خوب صحبت کردی مالت زیاد می شود ، عمرت طولانی می شود . پیش اهلت محبوب می شوی ، بهشتی هم می شوی .

شیخ صدوق صفحه ۱۲ حدیث اول این روایت را بیان کرده است .

با خانمم قشنگ صحبت کنم . با بچه هایم قشنگ صحبت کنم . احترام طرف مقابلم را حفظ کنم . احترام همسرم را حفظ کنم . احترام خانواده اش را حفظ کنم . احترام خانواده همسرم را نگه کنم .

من که بی حرمتی به برادرش کنم او هم به برادر من بی احترامی می کند انتظار نداشته باشم من بی حرمتی کنم و او بی حرمتی نکند .

انتظار نداشته باشم من کم محلی کنم و او کم محلی نکند . رفتار خودم است و عکس العملش را در زندگی می بینم . دوجانبه است .

این روایت هم قشنگ است .

وسائل الشیعه جلد بیستم صفحه ۳۴ قال رسول الله ، خاتم انبیاء محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه می فرماید :

« شرارِ نسائِکُم » حاج خانم این تعبیر خیلی خطرناک هست .

زن متدین که به شب اول قبر اعتقاد و باور دارد باید بدنش بلرزد وقتی این تعبیرات را می شنود . بدترین زنان امت من کسانی هستند که این ویژگی ها را داشته باشند . که الحمدالله خانم هایی که اینجا پای منبر من نشسته اند این ویژگی ها را ندارند .

اول : (اللجوجه) لج باز

دوم : (الغاصیه) سرکش

سوم : (الفحاش) راحت حرف زشت بزند

چهارم:(العزیزه فی نفسها) در نظر خودش می گوید من زن خوبی هستم ، بهتر از من دیگر پیدا نمی کردی .

پنجم:(حَصانُ علی زوجها) نسبت به همسرش تند ،

(الهلوک علی غیره) اما نسبت به دیگران خوش رفتار است .

آن قدر با دامادش خوش اخلاق است و او را تحویل می گیرد اما با این شوهر کاری می کند که خواب را تا صبح از چشم او می گیرد .

تکریم شخصیت ، احترام دو جانبه .

در دعواها سعی کنیم حرمت ها حفظ شود . حداقل می خواهی دعوا کنید جلو بچه ها دعوا نکنید . نگویید بچه است چیزی نمی فهمد . این هم بچه های این دور و زمانه . نه ! خیلی هم خوب می فهمند .

اینها در ذهن آنها ثبت می شود . در ذهن آنها می ماند . یکی از رفقای من که دفتر ازدواج دارد نمی دانم این را گفته ام یانه ! گفت یکی از طلاق هایی که سال گذشته ثبت شد یک آقایی ۶۸ ساله و عروس خانم ۶۵ ساله حدود ۴۰ سال با هم زندگی کردند بعد از این که چهار تا بچه داشتند و داماد داشتند . اینها بعد از چهل سال به این نتیجه رسیدند که با هم تفاهم ندارند رفتند طلاق توافقی گرفتند . طلاق توافقی هم خیلی زیاد شده است . یکی از رفقای دو شب پیش در همین جلسه می گفت : در شعبه ای که ما هستیم در دادگستری ، فقط در شعبه ما ، سه ماهه اول امسال ۳۶۳ مورد طلاق توافقی ثبت کردیم . اینها فاجعه است . اینها درد جامعه اسلامی است . در دعواها حرمت ها رعایت شود .

ص: ۸۴

برگه ای که چاپ کردم و پخش شد یک موقع که با هم در صلح هستید و دعوا نیست و آشتی بر قرار است . هم خانم و هم آقا ، هم حاج خانم و هم حاج آقا خوش اخلاق و گل و بلبل هستند بنشینید بخوانید و امضاء کنید .

قوانین قهر : هر وقت خواستید قهر کنید یاد این قوانینی بیفتید که امضاء کردید .

اولین قانون به عنوان قوانین قهر :

(وقتی که صلح هستید قرار است که امضاء کنید

۱- ۱- حق نداریم به خانواده های هم دیگر توهین کنیم . وقتی با همسرت دعوا می کنی حق نداری به خانواده او فحش بدهی . می خواهی فحش بدهی به طرف مقابلت فحش بده .

توصیه آیت الله امامی : در موقع دعوا کردن سعی کنید

اولا : مشکلاتتان را خودتان حل کنید .

دوما : به خاطر دیگران دعوا نکنید . ای زن و شوهر ها هر سن و سالی هستید ببینید همه دعواهایتان به خاطر دیگران هست . شما خودتان مشکل ندارید . به خاطر بچه ات ، دامادت ، برادر خانمت دعوا کردید . به خانمت چه که برادرش این حرف را به تو زده است . خوش انصاف ، که می خواهی دق دلت را سر خانمت در بیاوری .

۲- حق نداریم پیرامون مسائل کهنه و قدیمی که گذشته صحبت کنیم .

سر همان موضوع که دعواست حرف بزنیم . شش ماه پیش این حرف را زدی و پارسال فلان کار را انجام دادی . این حرف ها را کنار بگذار . سر همان موضوعی که اختلاف هست فقط دعوا کنید .

۳- حاج خانم حق شام و ناهار نپختن نداری .

می خواهی قهر کنی ، شام و ناهار باید آماده کنی . آقا ، شما هم حق شام و ناهار نخوردن نداری . بالاخره زحمت کشیده است باید سر سفره بنشینی .

۴- سلام و خداحافظی در هر صورت لازم است .

درست است که قهر هستی اما سلام و خداحافظی بکن اما یک مقدار سرو سنگین که نشان بدهد بالاخره قهر و دعوا در این خانه است .

۵- هیچ کس حق ندارد جای خوابش را عوض کند . اتاق دیگر و طبقه بالا بخوابم و این ها معنا و مفهوم ندارد .

۶- هر کس برای آشتی پیش قدم شد ، طرف مقابل باید برای او کادو بخرد . این هم جزء قانون قید کنید کادو هم حتما نباید گران قیمت باشد . یک شاخه گل خوب هست . در پایین برگه نوشته ام که منبع اینها که نوشته ام چه کتابی است .

وقتی ان شاالله به سلامتی و دل خوش با هم آشتی کردید برای این که این موضوع فیصله پیدا کند و آن را خاک کنید و تمام شود به همدیگر فرصت دهید هر کدام پیرامون این اتفاقی که افتاده پنج دقیقه صحبت کنید و بعد تمام کنید دوباره جنگ و دعوا راه نیندازید .

موقعی که آشتی هستید بنشینید و امضا کنید . امضاء زوج و امضاء زوجه در پایین هم نوشته شده است که بنده کلیه موارد این توافق نامه را با رضایت کامل و بدون هیچ گونه اجباری در نهایت سلامت قبول دارم و امضاء می کنم . امضاء حاج آقا و امضاء حاج خانم اینها رعایت شود .

ص: ۸۶

همین را هم جدی بگیرید و به آن عمل کنید واگر موقع دعواها عمل شود خدا وکیلی جلوی خیلی از بی حرمتی ها و جنگ و دعواهای شدید گرفته می شود .

سومین بایدی که به عنوان قانون باید برکشور کوچک خانواده حاکم کنیم تکریم شخصیت و احترام دو جانبه است .

خدایا دلهای ما را به هم مهربان تر بگردان .

زندگی های ما را کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت قرار بده .

پایان

جلسه هفتم

.Your browser does not support the audio tag

بحثی که امسال در این محفل نورانی شروع کردیم عنوان آن :

اهمیت نظام خانواده و مهارت هایی است که اسلام عزیز به ما یاد داده است . تا زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

شب های قبل گفته شد که بحث خانه و خانواده یکی از مهمترین ارکان جامعه بشری است .

خانواده است که می تواند زمینه ساز خوشبختی و یا بدبختی انسان ها باشد

صلاح و فساد یک جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد .

اگر امروز ما شاهد این هستیم که گرفتار مشکلات عدیده شدیم به خانواده ها بر می گردد .

لذا این بحث لازم و ضروری است که هم در کتاب های آموزشی ، سخنران ها روی منبر، حتی رسانه ها بیشتر پیرامون خانه و خانواده بگویند .

متأسفانه صدا و سیمای ما هم آن طور که باید و شاید به وظیفه خود عمل نمی کند . شما ببینید الان طوری شده است که دارند اسطوره سازی می کنند .

ص: ۸۷

ازیک هنر و یک خواننده تجلیل می شود . از یک فوتبالیست تجلیل می شود . از یک عالم دینی ، ازیک متخصص ، تجلیل نمی شود .

ساعت ها وقت مردم را می گیرند با هزینه بیت المال ، چه خبر است ! که یک سریال بازی کرده است . ریزترین سؤالات خصوصی اخلاقی ، به چه رنگی علاقه دارید ؟ به چه غذایی علاقه دارید ؟ یک مطلبی برای مردم بیان کنید که به درد مردم بخورد . مشکلات جامعه را کم و برطرف کند . رسانه در این زمینه خیلی خوب می تواند کار کند . رسانه خیلی اثر گذار است . در قالب فیلم و سریال بیاید مهارت های زندگی را به مردم آموزش بدهند.

ما که ادعای دین و دیانت داریم چرا باید آمارطلاق در کشورمان زیاد باشد . در شهر مذهبی ما اصفهان باشد . حتی شهرهای کوچک که بافت جمعیتی آن کمتر بود . طلاق در آن وجود نداشت و بد می دانستند که خانمی از شوهرش جدا شود . اما الان طلاق عادی شده است .

خیلی از خانواده ها یک مورد ، دو مورد طلاق دارند .

حتی در شهرستان ها هم آمار طلاق زیاد است .

متأسفانه اینها فاجعه است . باید فکر اساسی کرد .

مبانی دینی ما غنی است . اما متأسفانه به آن عمل نمی کنیم .

آن چیزی که می دانیم به آن عمل نمی کنیم .

مدیریت خانواده این قدر مهم است که خانواده را به عنوان یک کشور کوچک از آن یاد کرده اند .

ص: ۸۸

زن و شوهر در کنار هم ، مانند دوسیم فازنور ، در کنار هم نور ایجاد می کنند .

در کنار هم باید مدیریت کنند تا گل وجود بچه ها پژمرده نشود . تا بچه هایی تحویل جامعه بدهند که صدقه جاریه بعد از مرگ آنها باشد . فرزندانی که مردم بعد ازمرگ پدر و مادر وقتی نگاه به رفتار و کردار اولادش می کنند دعا به روح پدر و مادرش کنند .

اگر فرزند لاابالی است ، خیلی از مشکلاتی که هست به بحث خانواده بر می گردد . چهارشنبه ها من مسجد جلسه دارم حدود ۵۰ نفر جوان ها می آیند . به آنها نگاه می کنم از رفتار و حرف زدن آنها مشخص است که در خانواده ای که بزرگ شده است این خانواده در چه حال و هوایی دارند سیر می کنند . بحث خانواده و مهارت های زندگی بحث بسیار مهمی است . به آن خیلی اهمیت بدهید . که ای کاش می شد این مباحث به صورت یک کتاب یا جزوه ای در اختیار مردم قرار بگیرد .

گفتم بحث مهارت های زندگی از نگاه دانشمندان و روان شناسان ، در این زمینه کتاب زیاد نوشته شده که به فارسی هم ترجمه شده است و مردم هم از چنین کتاب هایی استقبال می کنند .

اما من ندیدم کتابی باشد تلفیقی از این نظریه ها و کلماتی که اهل بیت برای ما بیان کرده اند .

هم آیات قرآن و هم کلمات نورانی اهل بیت حرف نگفته برای ما باقی نگذاشته اند .

ص: ۸۹

ما قدر نمی دانیم و به دستوراتشان عمل نمی کنیم .

امشب شب چندم جلسه است . ببین هرچه گفتم از خودم نگفتم .

قال خداوند تبارك و تعالی ، قال الباقر (ع) ، قال الصادق (ع) از کلمات معصومین بیان کرده ام . بیایید تصمیم بگیریم این کشور کوچک را به خوبی مدیریت کنیم .

بیست سال ، سی سال است دارند زندگی می کنند مدیریت بلد نیستند . هرشب در خانه جنگ و دعوا است .

باید ها و نباید ها : دو نمونه از نباید ها (لجبازی و بهانه گیری) اگر همین دو را کنار بگذاریم ببینیم چه قدر تنش ها کم شده و به حداقل می رسد . سراغ بایدها رفتیم و قوانینی که باید بر زندگی حاکم شود .

اولین باید ها وفاداری است .

دومین باید ها تغافل است .

خیلی از جاها نادیده بگیرم اغماض و چشم پوشی کنم .

سومین بایدها ، تکریم شخصیت است .

احترام متقابل ، اصلا جزء حقوق زن و شوهر است .

وظیفه شرعی تو این است که به خانمت احترام بگذاری .

خانم ، وظیفه شرعی تو هم این است که به شوهرت احترام بگذاری.

چرا در نبود شوهرت ، جلو بچه ها شوهرت را سبک می کنی .

به او توهین می کنی . بعد انتظار نداشته باش که این مرد اقتدار داشته باشد .

انتظار نداشته باش که دیگر این بچه ها ازپدرشان حساب ببرند .

چرا دیگر حساب نمی برند ؟ چرا حرف گوش نمی دهند ؟ به خاطر تو که مدیریت بلد نیستی .

تکریم شخصیت و احترام متقابل ، اصلا وظیفه شرعی و دوجانبه است . بارها این جمله را تکرار کردم . کسی سوء استفاده نکند . هم زن باید به شوهرش احترام بگذارد وهم مرد باید به همسرش احترام بگذارد .

حق ندارد خانمش را کوچک و تحقیر کند . حتی حق ندارد با لقب زشت خانمش را صدا بزند . وجود نازنین پیغمبر (ص) می فرماید :

« لا تَحقِرَنَّ اَحَدا من المسلمین

حق این که مسلمانی را تحقیر کنی و به چشم کم نگاه کنی نداری .

چرا عروست را تحقیر می کنی ؟

چرا در جمع او را سبک می کنی که تو چیزی نداشتی ، بدبخت بود پدرت ، به برکت پسر من صاحب همه چیز شدی .

اینها یعنی چه ؟ چرا به خاطر فقر یکی را سرزنش می کنید .

و ادعای دین و دیانت هم می کنم . ادعا می کنم پیرو دین پیغمبر هستم

. این پیغمبر می فرماید :

« منِ اِستَذَلَّ مؤمناحَقَّرَهُ لِفَقره»

خوب گوش دهید . خانمها دقت کنید چون چشم و هم چشمی ها بین خانم ها بیشتر است .

در جلسات فامیلی دیگر او را تحویل نمی گیرند .

به بچه اش می گوید با او هم کلام نشو . چرا ؟ چون این ها در حد ما نیستند . کسی که مؤمنی را به خاطر فقرش تحقیر کند

«شَهَرَهُ الله یَوم القیامه»

این آدم روز قیامت انگشت نما می شود .

فردای قیامت ، خداوند او را پیش خلائق تحقیرش می کند .

از این بالاتر برایت بگویم : در دعای کمیل خواندید و امشب هم می خوانیم : (اللهم اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم)

خدایا ببخش آن گناهانی که باعث می شود نعمت ها تغییر کند .

امام سجاد (ع) می فرماید : (الذنوب التی تنزلُ النِقَم الاستِهزا)

آن گناهانی که با عث می شود نعمت ها تغییر کند ، مسخره کردن و کوچک کردن خلق خداست .

از این بالاتر برایت بگویم . عده ای هستند وقتی که فردای قیامت وارد صحرای محشر می شوند .

در حالی که گوش به صورت ندارند چهره وحشتناک ، اینها انگشت نما می شوند .

بار پروردگارا اینها چه کسانی هستند ؟ اینها کسانی هستند که در دنیا خلق خدا را انگشت نما کردند . خلق خدا را تحقیر کردند .

دامادش را سبک کرده ، عروسش را سبک کرده است .

در یک جلسه چهار نفر دور هم نشسته اند ، حرف به حرف که می شود تا حرف را بکشاند به جایی ، بله وضعیت هم گران شده است مگر می شود در این وضعیت جهیزیه تهیه کرد ؟ خرج و مخارج بالا است با کنایه به عروسش ، (بماند بعضی ها چها ر تا تخته شکسته آورده اند .) اینها یعنی چه ؟ تو که ادعای دین و دیانت داری چرا او را به خاطر فقر سرزنش می کنی ؟

چرا شخصیت یکی را زیر سؤال می بری ؟

چرا به مال خود می نازی ؟ چرا غرور و تکبر سراغت آمده است .

تکریم شخصیت : این مدیریت می خواهد . به داماد خود احترام بگذار . چرا دامادت را سبک می کنی ؟

بعد انتظار داری دامادت احترام تو را نگه دارد .

تو بی حرمتی می کنی و انتظار داری که او حرمت نگه دارد .

خوب او جوان است . اقتضای شرایط سنی او را در نظر بگیر .

به دامادت ، به پسرت ، به خانمت احترام بگذار . احترام بگذار تا احترام ببینی . تو که دائم فحش می دهی چرا انتظار داری که به تو احترام بگذارند

قال علی (ع) :

« الفحش والتَّفَحش لیسا من الاسلام

غرر الحکم این را بیان کرده است .

فحش دادن در اسلام نیست . مسلمان حق بد زبانی ندارد .

شما در سیره معصومین هم چنین چیزی را نمی بینید .

روایتش را دیشب برایتان گفتم

امام صادق (ع) رفاقتش را به خاطر یک فحش به هم زد . به خاطر حرف زشتی که از دهانش بیرون آمد . من که ادعای مسلمانی می کنم . من که ادعای دین و دیانت می کنم ببینم چقدر از صبح تا شب حرف رکیک از دهانم بیرون می آید . انگار نه انگار .

این داستان را گوش دهید اینها واقعا قابل تأمل است .

شخصی آدم خیلی خوبی بود . مقید به نماز اول وقت بود . این بنده خدا به رحمت خدا رفت . بعد از مدتی خواب او را دیدند . در بهشت و متنعم به نعمت های بهشتی است . از او سؤال کردند که اینجا مشکلی نداری ؟ گفت : نه . اینجا همه نوع نعمت در اختیارم است و مشکلی ندارم . فقط یک مشکل دارم . هر روز یک مار سیاهی می آید و این زبان مرا نیش می زند . همان طور که داشتم با او حرف می زدم دیدم مار سیاهی پیدا شد و آمد رنگ او پرید و ترسیده بود . خوابید . مار آمد دهان او را باز کرد و زبان او را نیش زد و صدای ناله و فریاد او بلند شد . بعد از مدتی مار رفت . گفت تنها مشکل من فقط همین است . چرا این مشکل برایت پیش آمده است ؟ گفت : نام خانم من سکینه بود (چه قدر حساب و کتاب ان طرف دقیق است ما قیامت را به شوخی گرفتیم می گویم خدا ریشه ظلم و ظالم را بکند اما خودم ظالم هستم و دارم به زنم ظلم می کنم . به بچه ام ظلم می کنم . بد زبانی و بد رفتاری می کنم) وقتی می خواستم در جمعی او را صدا بزنم به او می گفتم سکو . این زن

آزرده خاطر می شد ناراحت می شد اما به خاطر این که بی احترامی به شوهر نکند حتی به روی من هم نمی آورد . این مشکل برای من پیش آمده است . بروید و از همسرم حلالیت بطلبید تا مشکل من در عالم برزخ حل شود . مواظب این زبان باشیم .

ص: ۹۳

الکافی جلد دوم صفحه ۳۲۵ خاتم انبیاء محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه می فرماید :

« مَن فَحُشَ اخیه المُسلم » کسی که به مسلمانی فحش بدهد .

به خانم خود فحش بدهد . حاج خانم به شوهرش فحش بدهد . به بچه اش و به دامادش فحش بدهد .

بعضی از مردم برای هیچ کس احترام قائل نیستند به امام جماعت مسجد فحش می دهند .

زمین هم می خورند به ما فحش می دهند . اگر کسی اهل فحش دادن باشد . پیغمبر می فرماید : « سه گرفتاری پیدا می کند :

اول : نزع الله منه بَرَکه رِزقه

خداوند برکت را از رزق و روزی او می گیرد .

کسانی که دنبال برکت می گردند ، خوش زبان باشند . این زبان را کنترل کند .

دوم : (وَ وَکَلَهُ الی نَفسِهِ)

خدا او را به خودش واگذار می کند و دیگر با او کاری ندارد .

سوم : که از همه بدتر است

(وَافسَدَه عَلیه معیشتهَ)

معیشت او تنگ می شود .

برکت از او گرفته می شود . خدا او را به خودش وامی گذارد و معیشتش هم تنگ می شود .

کلام پیغمبر (ص) است . حالا ـ فحش بدهید و حرف زشت از زبانتان بیرون بیاید . بعد هم بگویید چرا گرفتار هستم ؟ چرا برایم مشکل پیش می آید ؟ چرا در این زندگی عشق و صفا و صمیمیت نیست ؟ به خاطر این اخلاق بد و رفتار زشت ، به خاطر زبان تند که این زبان از نیش عقرب گزنده تر است . چرا باید این طور باشد ؟

تکریم شخصیت ، احترام دو جانبه ، از مهارت های زندگی است . به طرف مقابلم ، زنم ، شوهرم ، کسانی که با آنها دارم زندگی می کنم به بچه هایم ، پسرم ، دخترم ، دامادم ، عروسم احترام بگذارم . خانواده همسرم ، خانواده دامادم ، خانواده عروسم احترام بگذارم تا احترام ببینم .با این که ادعای دین و دیانت می کنم ولو این بی احترامی هم ببینم حق بی احترامی ندارم . می خواهی زندگی ات شیرین شود . بسم الله .

کد بعدی ،

چهارم : عذر پذیری و گذشت .

این کد ده شب منبر می خواهد . چرا این قدر جنگ و دعواست . قهر و کدورت ، به اطرافیان کشیده می شود . چون گذشت نیست .

قرآن می فرماید : سوره نور آیه ۲۲ (ولیعفو) عفو کنید

(والیصفَحوا) چشم پوشی کنید

بعد سؤال می پرسد : (الاتُحِبونَ اَن یَغفِرَ الله لَکُم)

دوست دارید خداوند فردای قیامت تو را ببخشد ؟

ببخش تا خداوند فردای قیامت تو را ببخشد .

(والله غفور الرحیم) خداوند آمرزنده و مهربان است

پیغمبر (ص) می فرماید :

(من یَغفِرَ یَغفِرَ الله لَه ومن یَعفُ یَعفُ الله عَنه)

هر کس که عفو کند خداوند فردای قیامت او را عفو می کند . هر کس که گذشت کند ، خداوند فردای قیامت از گناهش می گذرد و او را می بخشد . حالا ـ دامادت به خاطر خامی و جوانی یک حرفی زده است ، حاج خانم ، حالا عروست یک حرکتی انجام داد که نباید انجام می داد . چندین بار هم آمده و عذر خواهی کرده است . چرا عذر او را نمی پذیری ؟ چرا زندگی را به کام خود و اطرافیانت تلخ می کنی ؟

چرا این قدر قلب هایمان سخت شده است ؟ ایام نوروز بود ایام فاطمیه باید جایی می رفتم همین اصفهان خودمان ، مردم ، همین که مقید هستید و سالی یکبار خانه تکانی می کنید بیایید سال جدید است دیگر ، بیاییم جارو دست بگیریم خانه دلمان را جارو کنیم . بگویم خدایا هر کس به من بدی کرده است ، من به خاطر تو او را می بخشم . تو ببخش تا فردای قیامت هم خدا گناهنت را ببخشد . مگر ما چند سال می خواهیم زندگی کنیم . انسان از یک لحظه خودش خبر ندارد . کدام یک از شما می تواند ضمانت کند که فردا صحیح و سالم بتوانید به این جلسه بیایید . از کجا معلوم که فردا شب اول قبر من نباشد . شب اول قبر شما نباشد . این ها واقعیات زندگی است . زندگی ارزش دارد که به خاطر آن سر مسائل واقعا بچگانه ، هیچ و پوچ ، قهرهای طولانی مدت داشته باشیم . از نظر اخلاقی ، انحطاط اخلاقی را در جامعه شاهد هستیم .

گفت پدر من چندین سال بود با برادرخودش قهر بود . اختلاف مالی پیدا کرده بودند و به ما وصیت کرده است که حق رفت و آمد با این ها را ندارید . وصیت هم می خواهید بکنید به مکارم اخلاق وصیت بکن . به فرزندت وصیت کن . فقط برای مال و ثروت وصیت نکن . تو زحمت و کم کن آنها بلد هستند چطور حل و فصل کنند . نصایح اخلاقی کنید . من راضی نیستم شما با خواهرت اختلاف داشته باشی . من راضی نیستم بعد از من کدورتی بین شما باشد . من راضی نیستم که حجابشان را رعایت نکنند . من راضی نیستم که فرزندانم نماز نخوانند و در نماز کاهلی کنند . زنده بود ولی می گفت من رفت و آمد نمی کنم و وصیت هم می کنم که شما هم حق رفت و آمد ندارید . گفت : من که این حرف ها راشنیدم تحت تأثیر قرار گرفتم . گفتم نوروز بهترین بهانه است . تصمیم گرفتن که به دیدن عمویم بروم که بزرگتر فامیل است . با زن و بچه رفتم در خانه زنگ زدم . آیفون تصویری داشتند . وقتی برداشتند و فهمیدند ما پشت در هستیم در را باز نکردند. این هم از بزرگتر های فامیل . اینها هم مؤمن های ما هستند . اینها متدین ها هستند . چرا کاری کنیم که پشت سرمان این حرف ها را بزنند : اینها مؤمن ها ، متدین ها ، پای منبر نشین ها و روضه بگیر ها ی ما هستند . چرا رفتارت باید این گونه باشد . اربات تو امام حسین (ع) هم اینطور بود ؟ سیره اهل بیت هم همین طور بود ؟ (وعادتکم الاحسان و سجیدتکم الکرم) اهل بیت ، دشمنانشان به آنها بدی می کردند ، جواب دشمن را به خوبی می دادند . بچه برادرش آمده است در خانه چون با پدرش اختلاف داشته است در را به روی او هم باز نکرده است .

امام زین العابدین یک کنیزی داشتند که این کنیز ظرف آبی در دست داشت آمد که آب را روی دست امام بریزد یک مرتبه این ظرف از دستش افتاد و خورد به دست و صورت امام و دست و صورتش زخمی شد . خیلی ترسید . بالافاصله این آیه را خواند : سوره آل عمران آیه ۱۳۴

(والکاظمین الغیظ) متقین کسانی هستند که خشمشان را فرو می برند .

امام فرمودند : « من خشمم را فرو بردم . »

کنیز ادامه آیه را خواند : « والعافین عن الناس » کسانی که مردم را می بخشند اهل عفو هستند .»

حضرت فرمودند : « من تو را بخشیدم . خدا محسنین را دوست دارد » و فرمودند : « من تو را در راه خدا آزاد کردم . » این سیره معصومین و بزرگان ما است .

پیغمبر (ص) می فرماید : « مَن کَثُرَ عَفوُهُ مُدَّ فی عُمره »

روایتی که ابتدای سخن گفتم : کسی که اهل بخشش باشد عمرش طولانی می شود .

رزق و روزی اش برکت پیدا می کند . اختلاف ها به حداقل می رسد .

چرا خبری از عشق و محبت نیست ؟ چرا خبری از صفا و صمیمیت نیست .

به خاطر این که عفو و بخشش نیست .

زندگی میدان جنگ نیست . هر شب به جنگ و دعوا گذشت .

ببخش . حتی می گوید : (إقبلِ عذر و لو کان کاذبا)

خیلی کلام قابل تأملی است .

ص: ۹۷

عـذر او را بپـذیر حالاـ که برای عـذر خـواهی آمـده است ولو این که می دانی دارد به تو دروغ می گویـد . دسـتور معصومین ماست .

آموزه های دینی ما است . برای این که زندگی ما شیرین شود .

برای این که کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

قدر این چهار کدها را بدانید .

این ها کلید های خوشبختی هستند که اهل بیت به ما ارائه داده اند .

پنجمین مهارت های زندگی برای این که زندگی هایمان کانون عشق و محبت باشد برای اینکه زندگی برای ما شـیرین باشد . آموزه هـای دینی به مـا یـاد داده انـد که صبر در برابر ناملایمـات زنـدگی ، بالاـخره بـا هم ازدواج کردیـد در کنـار هم دارید زندگی را سپری می کنید .

زندگی فراز و نشیب های فراوانی دارد .

قرار نیست که زندگی همیشه بر وفق مرادت باشد .

هر چه می خواهی و هر خواسته ای که داری خدا به تو بدهد .

اولا بدان

دل بی غم در این عالم نباشد اگر باشد بنی آدم نباشد .

هر کسی یک مشکلی دارد

«الدُّنیا دارٌ بِالبَلاءِ مَحفُوفَةٌ» امیر المؤمنین (ع) می فرماید :

زندگی خانه ای است که با غم عجین شده است .

با غم پیچیده شده است . این زندگی دنیا است .

شما زندگی اولیاء خدا را مطالعه کنید .

زندگی پیامبران را مطالعه کن .

ببینید آن ها هم مشکلات داشتند .

مشکل اولاد ، فقر ، بیماری . حضرت سلیمان ،

که سوره نمل آیاتش را می خوانیم :

خداوند متعال شوکت و عظمتی به او داد که بی نظیر بود .

هیچ حاکمی نظیر او را تا دولت حضرت مهدی (عج) نخواهد دید . حضرت سلیمانی که از نظر دنیای همه چیز داشت وخدا چیزی برای او کم نگذاشته بود داغی رو دلش بود . فرزندش فلج ، مانند جسد مقابلش بودند . حضرت ایوب چه قدر مصیبت ، داغ اولاد ، بیماری ، دید .

زندگی حضرت ابراهیم را مطالعه کن همسرش بچه دار نشد همسرش نازا بود ، دوباره ازدواج کرد و بچه دار شدند و تا اینکه این دو زنانش به هم سازگاری نداشتند و مجبور شد هاجر را به بیابان های مکه رها کند .

این مشکلات را انبیاء الهی هم داشتند .

این حالت دنیاست که با مشکل عجین شده است .

حدیث داریم که حضرت فرمودند:

من تعجب می کنم از مردم که در دنیا دنبال خوشی می گردند درصورتی که خداوند خوشی را در دنیا خلق نکرده است .

از مهارت های زندگی این است که زن و مرد در کنار هم صابر باشند .

صبر درناملایمات ، صبر در مقابل مشکلات زندگی ،

که ناملایمات زندگی هم سه قسم است

. بحث امشبم بحث دقیقی است حیف که فرصت دارد تمام می شود .

ناملایمات سه قسم است :

اول : گاهی ناملایمات ، ناملایمات مالی است . وضع مالی آنها خوب بوده است یک مرتبه ورشکسته می شود . مشکل برایش پیش می آید .

خدایا هیچ عزیزی را خوار نکن . واقعا سخت است .

طلبکار ها زنگ می زنند . فشار عصبی روی شوهر است .

به اندازه کافی فشار روی او هست ،

حاج خانم تو دیگر هر شب سوهان روح او نباش .

این نیاز به مدیریت دارد و بدانید که هم مال او نشانه امتحان است و هم فقر او .

یعنی اگر خدای متعال به کسی مالی داده است به خاطر این نیست که خداوند یک امتیاز ویژه ای برای او قائل شده است .

همه اینها امتحان الهی است . مهم این است که سر جلسه امتحان ، نمره قبولی کسب کنیم که متأسفانه خیلی از ما نمره قبولی کسب نمی کنیم . وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) می فرماید :

« والناس نیاموا » مردم دردنیا خوابند . « إذا ماتوا انتبهوا »

چه موقع منتبه می شوند چه موقع بیدار می شوند .

وقتی مرگ به سراغش آمد .

دارد خواب می بیند که وضع مالی اش خوب است .

خواب می بیند که حساب بانکی اش پر است .

کسی که بدبخت است همه اش گرفتاری پشت گرفتاری برای او پیش

می آ ید. پیغمبر می فرماید اینها همه خواب است . خواب دوقسم است . خواب شیرین و خواب تلخ . یک موقع خوابی می بینی که در باغی هستی با پر قو دارند تو را باد می زنند و خدم و حشم داری و یک مرتبه سفره را پهن می کنند ومی گویند آقا بفرمایید سرسفره .

می نشینی سرسفره و برنج و می کشی و می آیی ران مرغ را برداری روی برنج بگذاری . یک مرتبه از خواب می پری و می فهمی که توی همان خانه خراب شده خودت هستی . نه مرغی است و نه کبابی . این خواب شیرین است .

خواب تلخ هم داریم . خواب می بینی در یک بیابان گیر افتادی تاریک است و می ترسی یک مرتبه چند سگ دنبالت می کنند . شروع میکنی به فرار کردن ، یک مرتبه می بینی دوکیلو عرق کردی نه سگی است و نه گرگی .

به کلام پیغمبر دقت کن : (الناس نیاموا) مردم در دنیا خواب هستند . خواب دارد می بیند که کارخانه دارد .

خواب دارد می بیند که ویلای شمال دارد .

خواب می بیند که ماشین آنچنانی سوار است .

که متأسفانه این چشم و هم چشمی ها با این ماشینهای میلیاردی در همین خیابان های خودمان ، یک عده افراد که عقلشان در چشمشان است .

چطور دارند میتینگ مال و ثروت می دهند .

بعد می گویند قارون بد بود خدا قارون را لعنت کند .

یکی از ویژگی هایی که قارون داشت بزرگان قومش آمدند او را نصیحت کردند سوره قصص آیه ۷۵ بروید ببینید . آمد میتینگ مال و ثروت داد . من هم یک چنین رفتارهایی داشته باشم . من هم مثل قارون می شوم .

آن کسی هم که بدبخت و گرفتار است . خواب دارد می بیند که چک هایش دارد برگشت می خورد طلب کارها به او زنگ می زنند .

(إذا ماتوا انتبهوا) یک موقع به خودم می آیم می بینم که آن قدر سرگرم دنیا بودم . ازاصل که آخرت بوده است باز مانده ام .

احوالات یکی از علماء را می خواندم ، که این عالم می گفت : در قدیم به سفر حج با پای می رفتیم یک پیرمردی را دیدم که غلام بود که اربابش زیر یک درختی نشسته است و دارند با پرهای قو او را باد می زنند و این پیرمرد را به جای گاو به گاو آهن بسته است در این گرمای تابستان دارد از او کار می کشد . گفت : خیلی دلم برای او سوخت رفتم جلو و با او احوالپرسی کردم گفتم حالت چه طور است ؟ خدا قوت . خسته نباشی ، خیلی داری سختی را تحمل می کنی . لبخندی زد و گفت : ناراحت من نباش این سختی می گذرد . دائمی و همیشگی نیست . گفتم عجب روحیه ای دارد . رفتم حج را انجام دادم واتفاقا از همان مسیر بر می گشتم .

دیدم از ارباب خبری نیست . غلام زیر همان سایه بان رو تخت نشسته بود یکی دارد غلام را باد می زند . رفتم جلو و گفتم چه اتفاقی افتاده است ؟ گفت هفته گذشته اربابم از دنیا رفت ، هیچ وارثی نداشت .

همه این باغ و زمین ها را که می بینی به من رسیده است .

خوشحال شدم گفتم خوب حالا حالت چه طور است ؟ دیدم همان لبخند زد و گفت : این نیز می گذرد . دنیا همین طور است . گاهی ناملایمات ، ناملایمات مالی است . صبر داشته باشم از کوره در نروم .

ص: ۱۰۲

دنیا که به آخر نرسیده است .

زن و شوهر باید به هم کمک کنند اگر یک موقع مشکل مالی پیش آمد . حاج خانم شما باید مدیریت کنی . به شوهر روحیه بدهی که خودش را نبازد .

دوم :گاهی ناملایمات جسمی است .

درد و بیماری ، اولاد مریض ، یک بیماری به جان همسر افتاده است نیاز دارد که به او محبت کنی تو تازه به او غر می زنی ، نق می زنی .

و به این نکته هم توجه داشته باشم این درد که به جان من افتاده است از این بدتر هم هست .

بعضی ها از خدا طلب کار هستند . سرما می خورد و به خدا می گوید خدایا نتوانستی ببینی ما چهار روز سالم هستیم . به اتفاق زن و بچه بروید بیمارستان امید سیدالشهدا بیماران سرطانی را ببینید چه دردهای عجیب و غریبی به جان مردم افتاده است .

دریک سینمایی یک فیلم را اکران می کردند . سینما پر از جمعیت بود . فیلم شروع شد . دوربین دارد سقف را نشان می دهد . یک دقیقه ، دو دقیقه ، سه دقیقه، چهار دقیقه ، پنج دقیقه ، کم کم سروصدای مردم بلند شد و یک عده بلند شدند آمدند که سالن را ترک کنند . هشت دقیقه ، نه دقیقه ، ده دقیقه فقط سقف را نشان می داد . بعد از ده دقیقه یک نوشته ای آمد : بینندگان عزیز ، فقط ده دقیقه صحنه ای است که یک قطع نخاع را دارد تماشا می کند . تو ده دقیقه طاقت دیدن فیلمش را نداشتی .

یک تکه گوشت هست که ده سال است گوشه خانه افتاده است .

فقط دارد سقف را نگاه می کند . نمی تواند تکان بخورد .زیر پای او را عوض می کنند . می توانست این بلا سر تو هم بیاید اما خدا از تو محافظت کرده است . یک بیماری ، یک سختی ، چه خبر است زود از کوره در می روی و ناشکری می کنی . صبر در مقابل ناملایمات جسمی .

سوم : صبر در مقابل ناملایمات اخلاقی :

شوهر بداخلاق ، زن بداخلاق . البته این نکته را بگویم .توجیه برای بداخلاقی کردن نیست . مرد نباید با زن و بچه اش بداخلاقی کند که از هر جا اعصابش خورد است دق و دلش را سر زن و بچه در خانه در بیاورد .

زن و بچه که اسیر دست تو نیست . زن هم نباید بد اخلاقی کند .

اما حاج خانم این روایت گوش کنید .

اگر صبر کردی بر بد اخلاقی شوهرت و پیغمبر می فرماید :

« من صَبَرت علی سوء خلق زوجها »

هر گاه زنی صبر کند بر بد اخلاقی شوهر

اعطاها الله مثل ثواب آسیه بنت مزاحم

خدا ثواب که به آسیه داد در نامه عملش می نویسد . آسیه که بود ؟ همسر فرعون ، چهار دست و پای او را میخ کرد و روی سینه آسیه می پرید و می گفت بگو من خدایت هستم . اما او می گفت : رب من رب موسی و در این حالت هم به شهادت رسید . (آقایان نشنوند) خانمها توجه کنید ، شوهرت هر چه قدر هم بد و بد اخلاق باشد خدا وکیلی که دیگر فرعون نیست .

اگر صبر کردی بر بداخلاقی چنین ثوابی در نامه عملت می نویسند .

اما اگر صبر نکردی و تو هم دهان به دهان او گذاشتی هر شب در خانه جنگ و دعوا راه انداختی . این ثوابِ سرشار را از تو می گیرد .

پنجمین مهارت زندگی که اسلام به ما یاد داده است برای این که زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد صبر در مقابل ناملایمات زندگی است

که این ناملایمات سه قسم هستند :

گاهی ناملایمات مالی و گاهی جسمی و گاهی هم اخلاقی است .

اگر صبر کردیم هم زندگی به کاممان شیرین می شود و هم اجر و ثوابش پیش خدا محفوظ است .

خدایا صبر و تحمل ما را در مقابل مشکلات بیشتر بفرما

دلها و قلب های ما را مهربان تر بگردان .

ما را با وظایفمان بیشتر آشنا بفرما .

جلسه هشتم

.Your browser does not support the audio tag

بحثی که امسال در این محفل نورانی شروع کردیم عنوان آن اهمیت نظام خانواده و مهارتهایی که آموزه های دینی به ما یاد داده است برای اینکه زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

شب های گذشته خدمت عزیزان خودم گفتم که نهاد خانواده یکی از اساسی تری ارکان جامعه بشری است .

خانواده است که می تواند زمینه ساز خوشبختی و بدبختی انسان ها باشد . صلاح و فساد جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد .

خانواده به عنوان هسته اولیه ، مهمترین کانون زندگی انسان است .

ص: ۱۰۵

اهمیت بسیار ویژه ای دارد .

ساختار شخصیت انسان در خانه و خانواده شکل می گیرد .

چنانچه زن و مرد می توانند بر اساس دستورات حیات بخش این هسته اولیه که نام آن خانواده است ، هسته اولیه زندگی اجتماعی را سرشار از مهر و محبت و عطوفت و صفا و صمیمیت بکنند .

هم سعادت آخرت و دنیای خودشان را و هم سعادت دنیا و آخرت فرزندانشان را تضمین کرده اند .

اما لازمه آن این است که مهارت زندگی را بدانند . مدیریت این کشور کوچک خیلی مهم است .

اگر در کشور قانون نباشد ، کشور دچارهرج و مرج می شود .

اگر می خواهم در زندگی موفق باشم و عشق و محبت بر زندگی ام حاکم باشد ، اگر بخواهم بچه های صالح تربیت کنم و تحویل جامعه بدهم در خانواده هم باید قانون حاکم باشد .

اسم این قانون را باید و نباید گذاشته اند .

چند شب است که روی باید ها داریم صحبت می کنیم .

اولین باید : وفاداری بود زن و شوهر نسبت به هم وفادار باشند .

دومین باید ، تغافل ، خیلی از مواقع خودم را به غفلت بزنم ، خیلی از مواقع چیزهایی را که متوجه می شوم اغماض کنم ، چشم پوشی کنم .

سومین باید ها : به عنوان قانون ازآن یاد کردم و مطرح شد برای این که زندگی ما پر شود از عشق و صفا و صمیمیت ، بحث تکریم و شخصیت است . در گفت و گو ها زن و شوهر باید خطابشان به هم مؤدبانه باشد . محبت آمیز باشد . بعضی از زن و شوهر ها ، حرف زدنشان با هم خصمانه است . نفرت انگیز است . شما یک مسائل را پیرامون یک موضوع ساده ، می توانی طوری بیان کنی که شنونده خوشش بیاید و جواب نیکو بدهد و همان مطلب را می توانی به نحوی بیان کنی که شنونده ناراحت شود و جواب تند و زننده به تو بدهد . در برخورد زندگی هم همین طور است . زن و شوهر ، فرزند ، پدر و مادر دقیقا همان مثال : بفرما و بنشین و ... موقع حرف زدن حواسم را جمع کنم . از بهترین جملات استفاده کنم . مثالی ساده می زنم : مثال هست . به قول ما طلبه ها روی مثال مناقشه نیست .

ص: ۱۰۶

مثلا برای خانه لیوان لازم داریم . به چند صورت می توانی بیان کنی . مثلا با شوهرت می توانی با کلمات محبت آمیز بگویی همسر عزیزم ، لیوانهای خانه شکسته و از بین رفته است اگر از بازار عبور کردید چند لیوان تهیه کنید . یک طور دیگر هم می شود با تندی و درشتی بگویی .

یک دانه لیوان در خانه نیست . حالا طوری نیست توی کوزه و لگن آب بخورید .

بعضی از زن ها متأسفانه حرف زدن آنها این طوری است . شما ببینید برای خرید یک لیوان دهها جمله زیبا می توانی بیان کنی . دهها جمله زشت هم می توانی بیان کنی .

دستور اسلام این است که : خانم زیباترین جمله را استفاده بکن . دستور اسلام این است مؤدبانه ترین جمله را استفاده بکن .

قرار است که زندگی ما پر از عشق و صفا و صمیمیت باشد . به این روایت دقت کن . انصافا روایت قشنگی است .

وجود نازنین خاتم انبیا محمد مصطفی صلواه الله و سلامه علیه می فرماید :

« أجمِلوا فی الخطاب » سخن زیبا بیان کنید .

(تَسمَعُوا جَمیلَ الجواب) خوب حرف بزن ، آن وقت مدیریت کرده ای ، زیبا هم می شنوی .

اما اگر درست حرف نزدی جواب زیبا هم نمی شنوی .

یکی از روانشناسان غربی به نام استفن کاوی ، ادعای او این است که مخترع یک اصل است به نام اصل ده نود .

می گوید اگر با او آشنا شدی این اصل زندگی شما را دگرگون می کند .

ده درصد از زندگی شما آن چیز که برای شما اتفاق می افتد هیچ اختیاری برای آن ندارید .

اما نود درصد از زندگی با واکنش های شما تعیین می شود .

پس نود درصد از اتفاق هایی که در طول روز برایت اتفاق می افتد . خودت در آن نقش داری . یعنی چه ؟

یعنی ده درصد از اتفاق هایی که می افتد هیچ کنترلی بر آن نداری . ماشین در دره پرتاب شده و در حال سقوط است نمی توانی جلوگیری کنی از این که سقوط نکند . بلیط هواپیما داری . هواپیما تأخیر دارد تأخیرهای چند ساعته که در کشور ماهم عادی شده است .

تمام برنامه هایت را به هم می ریزد . برای این کار شما هیچ اختیاری ندارید و هیچ کاری نمی توانی بکنی بر این ده درصد کنترل نداری اما

نود درصد دیگر تعیین کننده است.

چگونه تعیین کننده است ؟ با عکس العمل که نشان می دهی .

در زندگی ات نیز همین طور است .

مثال ساده می زند برای این که درس را بهتر متوجه شویم . یک صبح از خواب بیدار شده ایم .با خانواده سر میز صبحانه می نشینی .

مشغول خوردن صبحانه هستی خانمت نشسته است و این دخترت حواسش نیست دستش به فنجان قهوه می خورد.

این مثالی که می زنم روی فرهنگ خودشان هست همان چای شیرین خودمان ، این فنجان چای روی لباس می ریزد .

لباسی که آماده برای رفتن به سر کار بودید . بر این اتفاق هیچ کنترلی نداری که فنجان چای ریخته شده است آن ده درصد است .

اما از حالا به بعد کنترلش دست شماست چون با واکنش هایی که شما نشان می دهید نشان می دهد .

دو شکل رفتار می توانی داشته باشی :

مدل اول ، وقتی اتفاق افتاد فریاد می کشی ، عصبانی می شوی . دخترت را دعوا می کنی . دخترت را تنبیه می کنی ، او را کتک می زنی . دختر هم شروع به گریه می کند . بعد سر خانمت فریاد می زنی که حواست نیست چرا این فنجان چای را لبه میز گذاشتی که بریزد . خانمت ناراحت می شود اول صبحی با خانمت بحث می کنی و با عصبانیت می روی لباس کثیف را عوض می کنی ، دخترت هم مشغول گریه کردن هست ، سرویس می آید بوق می زند و از سرویس هم جا می ماند . شما سریع وارد ماشین می شوی برای این که دخترت را به مدرسه برسانی . دخترت را در مدرسه پیاده می کنی دختر کوچکت با ناراحتی و بدون خداحافظی در ماشین را بست و رفت . تو هم دیرت شده است و باید ساعت هفت و نیم اداره باشی .

سرعت زیاد داری و پلیس هم در اتوبان جلو تو را می گیرد و جریمه ات می کند . دختر را مدرسه می گذاری با نیم ساعت تأخیر سر کار می رسی ، تازه یادت می آید کیفی که تمام وسایلت داخل آن بوده در خانه جا گذاشته ای .

امروز روز بسیار بدی بود . اتفاقات بدی افتاد تا ظهر اعصابت خورد بود . ظهر هم که به خانه می روی زن و بچه از دستت ناراحت هستند .

ص: ۱۰۹

زن و بچه از دست تو دلگیر هستند .

حالا سؤال ؟ چه چیزی باعث شد که روز تو خراب شود ؟

آیا چای شیرین یا قهوه باعث شد ؟

آیا دختر کوچکت باعث شد ؟

آیا پلیسی که تو را جریمه کرد باعث شد که ان روز تلخ شود ؟

یا خودت باعث شدی ؟

خودت باعث شدی که این اتفاق ها بیفتد .

از صبح وقتی آن فنجان چای روی لباست ریخت کنترلی نداشتی .

واکنش شما در پنج ثانیه اول باعث پدید آمدن اوقات بد شد و باعث شد که یک روز را به کام خود و خانواده ات تلخ کنی .

می شد شما یک طور دیگر رفتار کنی . وقتی قهوه یا چای شیرین روی لباست ریخت و دخترت بغض می کند شما می توانستی یک لبخند بزنی با ملایمت به دخترت می گفتی اشکال ندارد از این به بعد حواست را بیشتر جمع کن .

با یک دستمال و حوله لباست را تمیز می کردی بعد می دیدی که دخترت با تو خداحافظی می کرد و سوار ماشین می شود و برایت دست تکان می دهد . کیفت را بر می داری و خوشحال به سر کار می روی .

حتی پنج دقیقه زودتر از روزهای دیگر هم سر کار می رسیدی .

تا بعد از ظهر هم شاد بودی . ببین ده درصد هیچ کنترلی بر آن نداری اما نود درصد را کنترل داری . و یک روزت تلخ و یک روزت شیرین شود .

من مخترع این اصل هستم و هر کس به آن عمل کند زندگی آن شیرین می شود .

این کلام ، کلام پیغمبر است . دستور ، دستور پیغمبر است .

اگر می خواهی زندگی ات کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد وجود نازنین خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) می گوید برای اینکه زندگی شما شیرین شود و طرف مقابلتان ناراحت نشود ، برای این که در زندگی خاطرات تلخ در زندگی تان ثبت نشود .

(أجمِلوا فی الخَطاب) از زیباترین جمله استفاده کن . به بهترین شکل طرف مقابلت را صدا بزن .

(تَسمَعُوا جمیل الجواب) اگر رفتارت ، رفتار قشنگی بود . رفتار قشنگی می بینی . اگر حرف زدن شما زیبا بود ، حرف زدن زیبا می شنوی .

گاهی در بین صحبت کردم زن و شوهر کلمه ای از دهانش می پرد که در ذهن او سالها باقی می ماند و در ذهن او حک می شود .

اگر می دانستم باید این قدر پول دارو و دکتر را می دادم از اول با تو ازدواج نمی کردم .

این چه حرفی است که به همسرت می زنی . با این جملات و حرف زدن ها همسرت را نسبت به زندگی دلسرد و افسرده کردی این که می گویم زندگی مان کانون عشق و محبت باشد لازمه آن دانستن مهارت های زندگی است .

از خودم نمی گویم .

روانشناسان می گویند این گونه حرفهایی که برای بعضی ها عادی شده و حرف های روزمره آنها شده است .

زن و شوهر ها با این گونه کلمات با هم حرف بزنند بر روح همسرش اثر منفی می گذارد .

اثرات منفی آن چیست ؟

۱- کدورت و انزجار

۲-تنفر و دلسردی

۳- رفتن عشق و صفا و صمیمیت از این خانه است .

چون مدیریت بلد نیست . بعضی دارند مردگی می کنند . اسم آن را اشتباهی زندگی گذاشتند .

زندگی که در آن عشق و محبت نباشد که زندگی نیست زندگی که در آن هر شب جنگ و دعوا باشد که زندگی نیست .

بنازم به این آموزه های دینی ، پیغمبر خوبی ها می فرماید :

(ایّاکَ مُستَهجَنَ الکَلام)مدیریت کن . نود درصد اختیار با خودت است . بپرهیز از این که کلام زشت از دهانت بیرون بیاید .

اگر کلام زشت از دهانت بیرون بیاید ،

(فَأَنَّهُ یوغِرُ القَلب) دلها را پر از کینه و خشم می کند .

فرزندت و همسرت کینه شما را به خاطر زبان تند به دل گرفته اند.

البته زن و شوهر هم باید یاد بگیرند در برابر کلمات تندی که از هم

می شنوند کلمات تند را با متانت و سعه صدر خنثی کنند.

اینهم باز خودش نیاز به مدیریت دارد . سعی کند به جای این که در برابر طرف مقابلش گارد بگیرد ، صحنه نزاع و درگیری را به بزم مزاح تبدیل کند در اوج عصبانیت حاج خانم ، شوهرت از جایی ناراحت است دارد ناراحتی خود را سر شما خالی می کند عصبانی است و دارد حرف زشت از دهانش خارج می شود ، او را بخندان

اگر توانستی در اوج عصبانیت صحنه درگیری را به بزم مزاح تبدیل کنی شما مدیر لایقی هستی ، مدیریت قوی داری . چون توانستی طرف مقابلت را با سیاست خلع سلاح کنی . این خودش نیاز به مدیریت دارد .

در چنین مواقعی مدیریت کن . تند نشوی ، جواب تند ندهی .

نشانه مؤمن این است :

(بَعیداً فُحشٌ) مؤمن از فحش به دور است .

(لَینا قَولُه) گفتارش نرم و ملایم است .

مؤمن باید این طور باشد .

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید :

(عوِّد لسانَکَ لینَ الکَلام) زبانت را به نرم خویی عادت بده .

با خانمت و فرزندت درست صحبت کن .

بعضی یاد گرفته اند به تند حرف زدن ، به پر خاشگری ، به کنایه زدن

(عَوِّد لسانک لین الکلام) زبانت را به نرم خویی عادت بده

(و بذل السَّلام) به سلام دادن عادت بده .

(یَکثُرمُحبّوبک) اگر چنین کنی دوستانت زیاد می شوند . همه دوستت دارند .

(وَ یَقِلَّ مُغبوضک) دشمنانت کم می شوند .

غررالحکم این را بیان کرده است.

اگر شما دو سوپر فروش مواد غذایی را تصور کنید که مغازه ها رو به رو هم باشد یکی خوش اخلاق و خوب صحبت می کند و دیگری بد اخلاق است کدامیک فروش بیشتری دارند .

آن که اخلاق بهتر و کلام شیرین تری دارد .

در زندگی هم همین طور است . مهم تر از واژه ها در ایجاد محبت و نفرت طرز سخن گفتن است .

سخن گفتن با ملایمت ، محبت می آورد .

سخن گفتن با تندی و درشتی تنفر می آورد این را روانشناسان می گویند . یک بار دیگر تکرار می کنم در زندگی به درد ما می خورد خوب دقت بفرمایید . سخن گفتن با ملایمت ، نرمی و با مهربانی این خودش ایجاد محبت می کند . سخن گفتن با تندی و درشتی از نظر روانشناسی در دل طرف مقابلت نفرت ایجاد می کند .

روانشناسان امروز می گویند : لبخند و چهره شکفته ، شنونده را جذب می کند .

ترشرویی و اخم ، مخاطب را دلسرد و افسرده می کند .

زن و شوهر باید در مکالمات روزمره خود این نکته را مراعات کنند .

با لبخند با هم صحبت کنند این کلام روانشناسان و اینم هم روایت پیغمبر : خاتم انبیا محمد مصطفی صلواه الله و سلامه علیه می فرماید :

« تَبَسُمُکَ فی وجهه حَسَنه » ببینید این که من می گویم دلم می سوزد خیلی جاهها من منبر می روم فلان روانشناس این را می گوینـد با دقت گوش می دهند اما می گویند کلام پیغمبر است آن طور که باید و شاید متأسفانه بعضی ها توجه ندارد همین است . در این زمینه ها من زیاد در کتاب های روانشناسی ها دیدم . این کدی که معرفی کرده اند همان کلام پیغمبر (ص) است . کلام امام صادق (ع) و دستور قرآن است اما قدر آن را نمی دانیم . روانشناسان می گویند لبخند و چهره شگفته ، شنونده را جذب می کند و ایجاد محبت می کند پیغمبر مهربانی ها می فرماید :

این که لبخند بر لبانت باشد و به روی همسر و بچه ها یتان بخندید . (المؤمن بشره فی وجهه) حسنه در نامه عملت نوشته می شود . خدا رحمت کند مرحوم حاج آقا احمد امامی را ، من در سخنرانی های ایشان شنیدم و سی دی سخنرانی ایشان را گوش می دهم این جمله زیاد می گفتند کسانی که پای منبر ایشان می نشتند در مسجد الزهرا ، خیابان عبدالرزاق ، که حسنه ، در کوچه و خیابان ریخته است کسی نیست که این ثواب ها را جمع کند . در خانه بر لبانت لبخند باشد . تو روی همسرت و فرزندت بخندی ، در نامه اعمالت ثواب می نویسند .

اما اگر بد اخلاقی کنی ، تند مزاجی کنی ، نه تنها ثواب را از دست دادی بلکه زندگی را به کام خود و اطرافیانت تلخ کردی . پس چرا یک عده رفتارشان زشت است . زبانشان تند است .که نزدیک ترین افراد که زن و فرزندشان باشد ، انتظار مرگ آن را می کشند . چرا ؟ اینها از مهارت های زندگی است . وفاداری ، تغافل ، تکریم شخصیت ، عذر پذیری (اگر آمد گفت اشتباه کرده ام قبول کنم . بپذیرم . به دعوا پایان بدهم .

مشکلات کهنه را نو نکنم . دعوا را کش ندهم .)

پنجم که خیلی بحث مهمی است در خانواده در این کشور کوچک که اگر این قانون ها اجرا شود دیشب هم مفصل بیان کردم ،

صبر در مقابل ناملایمات زندگی است . سختی در زندگی ، راضی باشم به این زندگی ، که نشانه اهل ایمان نیز همین است .

باز روایتی از قول پیغمبر (ص)بگویم : از خودم حرف نزده باشم . خاتم انبیا محمد مصطفی صلواه الله و سلامه علیه می فرماید :

« ثلاثٌ مَن کُنَّ فیه جَمَعَ الله لَهُ خَیرَ الدُّنیا والاخره »

سه خصلت است ، هر کس که این سه خصلت داشته باشد خدای متعال خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می کند .

معلوم می شود که این کدها کدهای مهمی است .

این خصلت ها آنقدر اهمیت دارد که یک موقع من حرف می زنم یک موقع شما حرف می زنید یک موقع هست که مرجع تقلید حرف می زند . یک موقع هم که شخص عالم ، پیغمبر دارد سخن می گوید که گوشه ناخن او به عرش ثریا می ارزد . هر کس این ویژگی ها را داشته باشد خیر دنیا و آخرت شامل حالش می شود .

اول (الرِّضا بقضاء) راضی به مقدراتی باشد که خدای متعال برای او رقم می زند .

دوم (والصَّبرُ عِندَ البَلاء) در اوج مشکلات بلاها و مصیبتهایی که بر او نازل می شود صبر کند .

کلمات کفر آمیز از دهانش بیرون نیاید . خانمی در یک جلسات گفت من دیگر نماز نمی خوانم این دیگر چه خدای است . یک پدری داشتم خیلی مهربان بود ، خیلی به من علاقه داشت . خیلی با محبت بود . پدرم سکته قلبی کرد و از دنیا رفت . پدرم را از من گرفت . من دیگر نماز نمی خوانم . خواهرم این چه حرفی است که می زنید مرگ قانون خلقت است .

ص: ۱۱۶

(کـل نفس ذائقه الموت)(انا لله و انا الیه راجعون) بالاخره هر کس می میرد پـدریکی ، مادر یکی ، برادر یکی ، خواهر یکی است .

این روزها را هم ، همه من و شما داریم . در بلاها صابر باش .

سوم (الدُّعاءُ عندَ الشَّدَّه والرَّخاء) دعا کردن هم در سختی ها و هم درراحتی ها باشد ، فقط زمانی که در زندگی دچار مشکل می شوم در خانه خدا نروم و یا الله بگویم .

وقتی هم که در خوشـی هسـتم و زنـدگی بر وفق مرادم هست هم یـا الله بگویم بـاز هم دعا کنم و باز هم ارتباطم با خـدا ، برج مراقبت هستی قطع نکنم . می فرمایـد اگر این سه ویژگی را داشتی خیر دنیـا و آخرت شامـل حال تو می شود . راضـی باشم به رضای پروردگار که این خود از مهارت های زنـدگی است و بـدانم که هر تقـدیری خـدای متعال برای من رقم می زنـد برای صلاح من و زندگی ام است .

خوانـده بودم یک پادشاهی یک وزیری داشت هر اتفاقی می افتاد این وزیر می گفت حتما خیر و صـلاحی در آن است . یک روز این پادشـاه کـارد خیلی تیزی داشت میوه ای را پوست می گرفت ، یـک مرتبه چاقو رد شـد و نصف انگشـتش قطع شـد . صدای فریاد پادشاه بلند شد . همه اطراف او جمع شدند . پزشـکان همه آمدند وزیر آمد لبخندی زد و گفت ، ای پادشاه حتما خیر و صـلاحی در آن بـوده است . پادشـاه عصـبانی شـد و گفت این چه حرفی است که تو می زنی انگشت من قطع شـده ای مردک تو می گویی در آن خیر و صـلاحی بوده است او را به زنـدان بیندازیـد . وزیر را به زنـدان انداختند . در زندان بود که بعد از یک هفته انگشت پادشاه بهبود پیدا کرد و برای اینکه روحیه پادشاه عوض شود تصـمیم گرفتند او را به شـکار ببرند . به شکار رفت . یک آهوی زیبایی چشم او را گرفت با سـرعت به دنبال آهو رفت و از لشـکر جا ماند و در دل جنگ رفت . یک قبیله ای آداب و رسوم خاصـی داشـتند . بتی داشـتند و می خواسـتند برای بتشان قربانی کنند . که دیدند جوان زیبایی به سمت آنها می آیـد .آنها نمی دانسـتند که این پادشاه هست . گفتنـد این قربانی ، بهترین قربانی برای این بت ما است . دسـتور دادند که دستگیرش کنند و سر از تن او جدا کنند . آمدند که سر از تن او جدا کنند یک مرتبه دیدند که این آقا انگشتش قطع شده است گفت او را رها کنید . قربانی باید سالم باشد . همین انگشت قطع شده باعث شد که او از مرگ نجات پیدا کند . پیاده به قصـر می رفت و گفت وزیر مـا عجب حرفی زد و مـا توجه نـداشتیم واقعـا صـلاح در این بود که این اتفاق برای من بیفتـد . تا رسـید به کاخ دسـتور دادند که وزیر را آزاد کردند . جریان را برای وزیر گفت . گفت جناب وزیر حالا فهمیدم که تو درست می گویی . هر اتفاقی می افتد حتما خیر و صلاحی در آن است . حالا این انگشت من که قطع شد خیر و صلاحش در این بود که من از مرگ نجات پیـدا کنم . این زندان افتادن تو خیرو صـلاحش در چه بود ؟ وزیرلبخندی زد و گفت : جناب پادشاه در این هم خیر و صـلاح بود . چه خیر و صـلاحی ؟ آخر ما که هیـچ وقت از هم جـدا نمی شدیم . اگر مرا زندانی نکرده بودی با هم شـکار می رفتیم ، با هم از لشـکر جـدا می شـدیم وبا هم گیر می افتادیم . چون تو انگشت نـداشتی رهایت می کردند ولی من سالم بودم و سر از تنم جدا می کردند . لذا زندان افتادن من هم در آن خیرصلاح بود .

(عَسَی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَکُمْ) قرآن می فرماید : بعضی از مواقع شما چیزی را دوست دارید و در دعاها مرتب از خدا طلب می کنی اما برای شما مایه شر است و خودت خبر نداری .

باید به رضای پروردگار راضی باشم .

نشانه های مؤمن این است : تسلیم امر پروردگارش باشد .

خواستم من که به بندگی خود ساختم هر چه را او خواست من

صلاح دانستی وضعم خوب باشد راضی ام به رضای تو .

صلاح دانستی مشکل داشته باشم و فقیر باشم ، راضی هستم به رضای تو . سالم باشم ، بیمار باشم ، راضی هستم به رضای تو . اولاد نداشته باشم راضی هستم به رضای تو .

اولاد پسر نداشته باشم راضی ام به رضای خدا .

راضی باشید به رضای پروردگار

شخصی پیش امام صادق (ع) بود و برای اوخبر آوردند که خانمت بچه سومش هم دختر زایید . اخم هایش درهم رفت و حضرت فهمید که آن مرد ناراحت شده است فرمودند : یک سوال می خواهم از شما بپرسم ، اگر که خدای متعال می شد مجسم شود و خدا از تو سؤال می پرسید که این اولادی که من می خواهم به تو بدهم آیا جنسیت آن را من مشخص کنم یا خودت مشخص می کنی چه جوابی می دادی ؟ فکری کرد و گفت : بالاخره خدا خیر و صلاح مرا بهتر از خودم می داند می گفتم : خدایا جنسیت بچه را خودت مشخص کن . حضرت فرمودند خوب حالا هم جنسیت را چه کسی مشخص کرده است ؟ خدا مشخص کرده است . این ناراحتی تو یعنی اعترا ض به حضرت حق . راضی باشم به تقدیراتی که خدا برایم رقم زده است . در برابر مشکلات زندگی صابر باشم .

این از مهارت های زندگی است که زندگی را برای من کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت می کند .

مورد ششم این خود بحث مفصلی می طلبد هم روانشناسان زیاد روی ان تأکید کرده اند و هم آیات قرآن و روایات معصومین که اگرمی خواهید زندگی شما شیرین باشد یکی از چیزهایی که باید رعایت کنید:

ششم: نظافت مرد و زن است .

این فقط حرف روانشناسان نیست .

مهم ترین دستورات و آموزه های دینی ما بحث نظافت است تا آنجایی که می فرماید : (النظافه من الایمان) این روایات را همه حفظ هستید ولی متأسفانه رعایت نمی کنید . امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه می فرماید : خطبه ۱۵۱ (انَّ النساءَ هَمَهُن زینه حیاهِ الدنیا)

همت زنان به آراستن زندگی دنیاست .

خانمها خلقتشان به گونه ای است که بیشتر از آقایان به نظافت کردن اهمیت می دهند .

البته این استثنا هم دارد . دیشب برایت گفتم شوهری دست مرا گرفت و برد و خانه و زندگی اش را به من نشان داد . اما خلقت خدایی این است ، خانم ها بیشتر به نظافت اهمیت می دهند حتی دو تا بچه ، یک دختر و یک پسر ، ببین دختر بیشتر مقید هست که تا دستهایش را نشسته سر سفره ننشیند .

آن موقع می فرماید بحث نظافت از مباحثی است که آن قدر اهمیت دارد همین نظافت را رعایت نکردن باعث می شود که طرف مقابلت سرد شود . دستور را ببینید جه قدر زیباست

وسائل الشیعه جلد ۱۴ صفحه ۱۱۳وجود نازنین پیغمبر:

(النسآء یُحببن ان یرین الرجل فی مثل ما یحب الرجل ان یری فیه النسآء من الزینه)

همـان طوری که آقا دوست داری خانمت تمیز باشـد و مقابلت زیبا ظاهر شود ، خوب زن هم از شوهرش انتظار دارد زیبا ظاهر شود مردها هم باید ظاهری مرتب داشته باشند بعضی از مردها متأسفانه به نظافت خود اهمیت نمی دهند .

به اصلاح سر و صورت اهمیت نمی دهند به بهداشت دهان و دندان اهمیت نمی دهند . به ظاهر و نظافت خود برسیم . چه مرد ، چه زن . به خصوص آقایان . لباسی که بوی عرق می دهی و از سرکار آمد ه ای با همین لباس سر سفره ننشین .

این ریزه کاری هاست که رعایت نمی کنیم بعد خدای ناکرده کار به جاهای باریک می کشد .

لـذا یکی از مهارت های زنـدگی برای اینکه زنـدگی ما کانون عشق ، محبت، صـفا و صـمیمیت باشـد هم روانشـناسان ما بیان کرده انـد در بحث مهارت های زنـدگی و هم روایاتش را برایتان گفتم که آموزه های دینی ما بیان کرده است . که مرد و زن ظاهر زیبنده ای داشته باشند . نسبت به نظافت شخصی خودشان اهمیت بدهند .

خدایا توفیق عمل کردن به دستورات دینی و آموزه های دینی به همه ما عنایت بفرما .

ما را بیشتر از قبل با وظایفمان آشنا بفرما .

زندگی های ما را کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت قرار بده .

پایان

ص: ۱۲۰

جلسه نهم

.Your browser does not support the audio tag

بحثی که در این محفل بسیار نورانی شروع کردیم عنوان آن اهمیت نظام خانواده در اسلام و مهارت هایی که اسلام عزیز به ما یاد داده است برای این که زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .

روزهای قبل برایتان گفتم که نهاد خانواده یکی از اساسی ترین ارکان جامعه بشری است . برای اهمیت خانه و خانواده همین بس که این خانواده می تواند زمینه ساز خوشبختی یا بدختی انسان ها باشد

حتی صلاح و فساد جامعه بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد .

لذا دین مقدس اسلام که هدفش اصلاح دین بشریت است اهمیت ویژه ای نسبت به خانه و خانواده داشته است .

برای حفظ این نهاد برای پیشگیری از فرو پاشیِ همه ما جز عمل کردن به دین ، فرامین محمد و آل محمد (ص)

برای این که در خانواده بتوانیم خوشبختی خودمان و بچه هایمان را فراهم کنیم لازمه آن دانستن مهارت های زندگی است که نام آن را باید و نباید گذاشتیم .

یک سری کارهایی را باید انجام دهیم و از یک سری کارها باید پرهیز کنیم دانستن این مهارت ها باعث تحکیم زندگی می شود .

باعث می شود که مهر و محبت بر این خانه حاکم شود . ندانستن آن باعث می شود که پایه های زندگی سست شود .

قبل از این که بحث را شروع کنم . چند کتاب به شما معرفی می کنم کتابهای بسیار خوبی است .

کتاب مسائل ازدواج و حقوق خانواده ، کتاب دوم ، ازدواج و مکتب انسان سازی دکتر شهید پاک نژاد .

ص: ۱۲۱

کتاب سوم ، رازهایی درباره مردان و رازهایی در رابطه با زنان . هر سن و سالی هستید من توصیه می کنم این کتاب را تهیه و مطالعه کنید . آنجلیس باربارا نویسنده این کتاب ، بسیار نکات قابل تأملی بیان کرده است و دلم می سوزد می بینم خیلی از مبانی که بیان کرده اند برای خوشبختی انسانها همان دستورات دینی ماست .

همان دستورات اهل بیت ماست . اما ما قدر آن را نمی دانیم .

می خواهیم زندگی مان شیرین شود چه کار کنیم ؟

کلیدهای خوشبختی در زندگی ، اول وفاداری که مفصل روی آن صحبت کردیم . زن و شوهر نسبت به هم وفادار باشند .

دوم تغافل ، خود را به غفلت زدن . هر شب سر موضوع کوچکی جنگ و دعوا راه نیندازم و زندگی را به کام خود و اطرافیانم تلخ نکنم .

سوم : تکریم شخصیت ، به خانمم احترام بگذارم . مرد به خانمش احترام بگذارد ، به خانواده همسر احترام بگذارم . احترام بگذارم تا احترام ببینم . انتظار نداشته باشم ، من بی احترامی کنم طرف مقابلم احترام بگذارد . این انتظار، انتظار بی جایی است .

چهارم : عذرپذیری و گذشت : متاسفانه در خانه های ما اصلا گذشت نیست ، عفو نیست .

روایت پیغمبر (ص) را برایت گفتم : ببخشید تا فردای قیامت خداوند گناهان ما را ببخشد .

پنجم : صبر در مقابل ناملایمات زندگی ، این زندگی بالاخره یک سری سختی ها و ناملایماتی دارد قرار نیست که همیشه دنیا بر وفق مراد باشد . ناله به ناشکری و شکوه نکنم .

ص: ۱۲۲

ششم : نظافت مرد و زن که این هم از دستورات مهمی است که بعضی از زوجین متأسفانه به این موضوع کم توجهی می کنند و مشکلاتی برای آنها پیش می آید . در هر سن و سالی هستید ، چه مرد و چه زن نسبت به نظافت شخصی خودمان اهمیت بدهیم .

هفتمین مورد از مهارت های زندگی که امروز می خواهیم درباره آن صحبت کنیم این مبحث هم مبحث بسیار مهمی است .

مشورت کردن اعضای خانواده با هم . یکی از شیوه های قرآنی هم است در قرآن مجید یک سوره به این نام اختصاص داده شده است .

(وشاوروهم فی الامر) دلیل قرآنی هم داریم .

قرآن می فرماید در کارها به بچه ،

با خانمت مشورت کن . خود رأی نباش . کجای قرآن مطرح کرده که با خانمت و به فرزندت مشورت کن ؟

حالا دلیل قرآنی هم برایت می گویم .

با خانم و بچه ات مشورت کن . دلیل قرآنی چیست ؟

سوره قصص آیه ۹

با خانمت مشورت کن . قصه حضرت موسی (ع) را بیان کرده است و همه شما پای منبر ها بزرگ شده اید .

فرعون می خواست که بچه پسر به دنیا نیاید و آنها را سر می برید شکم زنهای حامله را پاره می کرد با همسرش آسیه کنار رودخانه قدم می زدند دیدند یک صندوق روی آب است .

به کسانی که اطرافش بودند گفت : صندوق را بگیرید . صندوق را آوردند . در را باز کردند دیدند یک نوزاد پسر است . عصبانی شد دستور داد او را بکشید .

با زنش مشورت کرد (وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ)

آسیه اجازه نداد . در مقام مشورت گفت : او را نکش . او می تواند روشنی چشم من و تو باشد .

(لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا)

شاید برای آینده ما مفید باشد . شاید او را به عنوان پسر خود انتخاب کردیم و اجازه کشتن موسی به فرعون نداد .

می شود از این آیه این را استنباط کرد که با زن و فرزندانت در کارها مشورت کن .

دلیل قرآ نی چیست ؟

سوره صافات آیه ۱۰۲

(قال يا بنى إِنِّى أَرى فِى الْمَنامِ أَنِّى أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ ما ذا تَرى)

ابراهیم پیغمبر است .

خواب پیغمبر وحی است . خواب دیده است که فرزندش اسماعیل را سر ببرد . قطعا و مسلماً باید این دستور اجرا بشود .

اما با این وجود با فرزندش اسماعیل مشورت می کند .

من چنین خوابی دیده ام نظر تو چیست ؟

حالا تربیت شده دامان هاجر وابراهیم را ببینید چه زیبا جواب داد :

(قالَ يا أَبَتِ افْعَلْ ما تُؤْمَرُ) دستور پروردگار را عملی کن .

(سَتَجِدُنى إِنْ شاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرينَ)

ان شاءالله من را از صابرین خواهی یافت

اگر می خواهیم فضایی حاکم بر صمیمیت بر خانه هایمان حاکم باشد ، آیات قران را برایت گفتم . خود رأی نباش . می خواهی خانه ای عوض کنی ، ماشین می خواهی بخری ولو این که کار خودت را انجام می دهی ولی نظر زن و بچه ات را جویا شو این باعث دلگرمی برای طرف مقابلت است . دلگرمی برای فرزندت است . نه ! پدر من ، من که اولاد او هستم برایش مهم است . خانمت دلگرم می شود ، نظر من که همسرش هستم و یک عمر با او زندگی کرده ام در خوشی و ناخوشی با او بودم برایش مهم است . اینها ریزه کاری های زندگی است نسبت به آنها بی توجهی می کنیم . زندگی برای ما سرد می شود و خبری از عشق و محبت نیست .

می خواهیم بحث امروز را به سرانجامی برسانیم .

هشتم : زن و شوهر حافظ اسرار همدیگر باشند .

یکی از ویژگی های زن خوب همین است که حافظ اسرار شوهرش باشد . قرآن مجید سوره نساء آیه۳۴ می فرماید : بروید در تفاسیر ببینید که زن خوب آن زنی است که حافظ غیب باشد .

پیرامون غیب مطالبی بیان کرده اند که برداشت مختلفی از آن شده است و گفتم که حافظ اسرار شوهر باشد .

حتی خیلی از حرف ها را حاج خانم ، حق نداری به مادرت ، خواهرت و برادرت بگویی . حافظ اسرار شوهر باش . دو جانبه است ، مرد هم همینطور ، باید حافظ اسرار زنش باشد .

وجود نازنین پیغمبر مهربانی ها محمد ابن عبدالله صلواه الله و سلامه علیه می فرماید : (جَمعُ خَیر الدنیا و الاخره فی کتمان السِّر)

خیر دنیا و آخرت را اگر می خواهی جمع کنی ،

یک جمله است : محرم اسرار همدیگر باشیم .

در جای دیگر می فرماید :

(طوبی لمن أمسَکَ الفَضلَ مِن لسانه و أنفَقَ الفَضلَ مِن ماله)

چه کلمات زیبایی و چه دستورات قشنگی .

خوش به حال آن کسی که زیادی ها ی پولش را خرج بکند و زیادی های حرفش را نگه دارد .

چه قدر ما حرف می زنیم . چرا همه جا درد دل می کنیم و سفره دلت را پیش هر کس و ناکس باز می کنی ؟ یاد بگیر . درد و دل هم می خواهی بکنی یک شب برای خدای خودت درد دل کن . باور داشته باش که خدا از عهده هرکاری بر می آید .«ومن یتوکل علی الله فَهُوَ حسبه »

خدا را داشته باشی دیگر کسی را نمی خواهی .

این که شما برای خلق خدا درد و دل می کنی اگر رفیقت باشد نمی تواند کاری برایت انجام بدهد .

اگر دشمنت باشد که در لباس دوست که متأسفانه در این دنیای وانفسایی که ما داریم زندگی می کنیم اکثرا همین طور است داری خودت را با دست خودت ، دشمن را شاد می کنی .

همین که تو داری مشکلات زندگی ات را بیان می کنی طرف مقابلت خوشحال می شود . چرا همه محل باید بدانند که مشکلی در زندگی من است . قرآن می فرماید

قل اعوذ برب الناس) از بعضی از این مردم بترس . بعضی از مردم ، نفس و آه آنها مسموم است ، یک خواستگار خوب برای دخترت آمده ، خودت گفتی که پسر خوبی است و پسندیدی وآمدند دیدند ، پسندیدند بعد یک مرتبه نمی دانم چه اتفاقی افتاد که به هم خورد . حاج خانم مقصر خودت هستی ، چه قدراین شوهرت گفت که این حرف رابه کسی نزن . جایی نشستی گفتی که برای دخترم خواستگارآمده و پسر ، هم پسر خوبی است و مذهبی و وضع مالی آنها هم بد نیست .این هم چند تا دختر در خانه و اون طرف هم آهی کشیده و مبارک باشد . این آه مانند تبر بود . حرف را در سینه نگه دار . بعضی مانند مرغ می مانند . قدیم که در خانه ها مرغ نگه داری می کردند . از یک هفته قبل این مرغ این قدر قد قد می کرد و همه محل می فهمیدند که مرغ حاج هاشم این هفته قرار است تخم بگذارد . بعضی از زن و مرد ها این طور هستند و نمی توانند حرف خود را نگه دارند باید تمرین کنیم . حافظ اسرار هم باشیم به خصوص در دعواها و نزاع ها در مشکلات اگر سری از هم می دانیم این سر را فاش نکنیم .

ص: ۱۲۶

پیغمبر (ص) می فرماید : « زیادی های پول خود را خرج کن و زیادی حرفت را نگه دار .» امیرالمؤمنین (ع) می فرماید :

« المؤمن ملجم » مؤمن لجام دارد راحت حرف نمی زند . به راحتی اسرارش را فاش نمی کند . اول تفکر و بعد تکلم می کند . متأسفانه خیلی از ما برعکس آن عمل می کنیم . یعنی اول تکلم می کنیم ، بعد تفکر می کنیم . ای داد بیداد این چه حرفی بود من زدم آبروی خودم و اطرافیانم را بردم آبروی همسرم را بردم . می گوید چرا برای دخترم خواستگار خوب پیدا نمی شود . چرا تو فامیل شوهر مرا تحویل نمی گیرند ؟ خوب حاج خانم مقصر خودت هستی . ابهت این مرد را شکستی . همه جا نشستی بد او را گفتی . اسرار او را فاش کردی . با دست خودت دخترت را بدبخت کردی چرا نمی خواهیم اشتباهات زندگی مان را قبول کنیم . حافظ اسرار هم دیگر باشیم . در هر سن و سالی که هستید به هم آبرو بدهید .

روز دوم مفصل در رابطه آن صحبت کردم .

(هن لباس و انتم لباس و هن) یکی از نویسندگان غربی کتابی دارد به نام خانواده و می گوید زیباتر از این تعبیری که در کتاب مسلمان ها است ، پیرامون زن و شوهر نمی توان تعبیری پیدا کرد که زن لباس است برای مرد و مرد لباس است برای زن . یکی از ویژگی هایی که لباس دارد این است که عیب پوشی است . اگر بدن من سوختگی داشته باشد تا وقتی که که من این لباس را پوشیده ام ، مشخص نیست .

اما وقتی آمدم دکمه های پیراهن را باز کردم ، آن وقت است که مشخص می شود . زن و شوهر برای هم لباس باشید و عیب ها را بپوشانید . اگر می خواهید زندگی شما شیرین باشد

نهم : هدیه دادن و ابراز علاقه و محبت کردن زن و شوهر به یکدیگر راههای مختلفی دارد

یکی از بهترین راهها که تمام روانشناسان غربی بسیار روی آن تأکید کرده اند که اگر این کار را انجام دادی ، عشق و محبت می آورد ایجاد صفا و صمیمیت می کند ، بحث هدیه دادن است .

این که روانشناسان اعلام نمی کنند این کلمات معصومین ما است . دستورات دین ما است . چرا ما قدر آن را نمی دانیم . اگر من در دانشگاه گفتم دکتر باربارا آنجلیس این حرف را می زند همه تحویل می گیرند

یادداشت می کنند اما اگر گفتم قال صادق (ع) متأسفانه آن توجهی که باید نسبت به آن داشته باشند ندارند . این درد است . وجود نازنین خاتم انبیا محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه می فرماید:

« مردی که داخل بازار شود و تحفه ای را خریده و به خانواده اش برساند ثوابش معادلِ با کسی است که نیازی از گروه مستمندان را برطرف کرده است . »

انسانی که هدیه دریافت می کند بی اختیار مهر و محبت هدیه دهنده را در دلش ایجاد می کند یعنی با این کار ایجاد مهر و محبت می کند این نکته بسیار مهم است .

امام باقر (ع) در این باره می فرماید به یکدیگر هدیه دهید که هدیه غبار کینه ها را از دل می رباید و عداوت و دشمنی را تیره و تار و به دوستی و مهربانی مبدل می کند . به خاطر یک موضوعی اول صبح اوقات تلخی کرده ای از خانه بیرون رفتی و می دانی که صد درصد هم مقصر خودت بودی و اشتباه کردی بی خود سرخانمت داد زدی . حالا ظهر که برگشتی خانه پا روی این غرورت بگذار و یک شاخه گل بخر ، هدیه هم حتما نباید گران قیمت باشد یک شاخه گل بگیرکه با همین هم خانم راضی می شود .

این ایجاد مهر و محبت می کند . مرحوم آیت الله امامی می فرمودند :

« اگر پول ندارید حداقل اخلاق داشته باشید . » با خوش اخلاقی کم و کاستی های زندگی را جبران کنید . یکی از نکاتی که به ما معرفی کرده اند همین هدیه دادن است تا زندگی های ما شیرین شود . برای اینکه هرشب در خانه ها جنگ و دعوا نباشد .

دهم : کد طلایی ، برای رسیدن به سعادت ، حاکمیت دین بر خانواده است . سوره روم آیه ۳۰ (فَأَقِمْ وَجْهَكَ) بلند شو صورتت را (لِلدِّينِ حَنِيفًا) به طرف دین بچرخان .

این دستور برای همه خانواده ها است .

کدام دین ؟ (فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) همان دینی که با فطرت جفتت اگر که نخواهی به مسجد بروی ، نخواهی پای منبر بنشینی ، بعضی شصت ، هفتاد سال از خدا عمر گرفته اند یک بار در این جلسات شرکت نکرده اند . یک بار سر خود را روی مهر نگذاشته است . می گوید دلم می خواهد آزاد باشم . دلم می خواهد ماهواره ببینم ، دلم می خواهد به جای روضه آمدن به جاههای دیگر بروم . خدا می گوید : من یک فطرتی به تو دادم که اگر به دنبال این فطرت رفتی از تاریکی تو را نجات می دهد . از این لجنزار گناه و معصیتی که گرفتار شدی رها می شوی و نجات پیدا می کنی این چراغ هدایت خاموش نمی شود .

(لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ) آفرینش خدا تغییر ناپذیر نیست . فطرت خدایی ، فطرتی است که بلند شو زندگی ات را به طرف دین بچرخان .

ص: ۱۲۹

کدام دین ؟ (ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ) دستورات محکم پروردگار است .

بچه دار شو ، بچه به دنیا آمد دوساله شد . راه افتاد . پنج ساله و شیطان شد . هفت ساله شد او را به مدرسه برد . پانزده ساله شد . بچه حرف گوش نمی دهد هیجده ساله شد ، نماز نمی خواند ، بیست ساله شد در خیابان ها ولگرد شد . آمد پیش مرحوم کافی می گفت پسرم بیست و دو سال دارد نماز نمی خواند . مرحوم کافی فرمودند : حالا آمدی ! بیست و دو سال دیر آمدی . دستورات دینی ما می گوید تربیت فرزند را از انتخاب همسر شروع کن . ما که انتظار داریم فرزندمان محمد حسین طباطبایی شود چه قدربرای دین فرزندمان زحمت کشیدیم . (فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ) ببین دین چه می گوید ، در رابطه با برخورد با زوج در رابطه با برخورد با همسر در رابطه با برخورد با اخلاق چه می گوید چه قدر مبانی دینی را در زندگی خود رعایت می کنیم . فیلم در آوردیم ، ادای دینداری را در آوردیم . آفرین به مادری که از بچگی دخترش را با چادرحضرت فاطمه (س) بیمه می کند . با جلسات ابا عبدالله آشنا می کند . مادری که از کودکی فوکول گذاشتن یاد بچه اش می دهد بعد انتظار دارد این بچه که هیجده ساله شد از پس این بچه بر بیاید . ابدا ، از پنج سالگی نماز خواندن به او. یاد دهید . وضو گرفتن را یاد دهید . صلولت بر محمد و آل محمد فرستادن را به او آموزش بدهید . بیش از ده هزار روایت تربیتی داریم . ده هزار، فکر نکنم عدد کمی باشد . بهترین سن هم برای تربیت هفت سالگی است . چون حرف شنوی دارد . به پدرو مادر وابستگی دارند . اما تا هفت سالگی از فرزندانمان غافل هستیم . نسبت به دینم فرزندم حساس باشم . نسبت به اعتقادات بچه ام حساس باشم . بچه ام را با مبانی دینی آشنا کنم . بچه ام افت تحصیلی کند برای او وقت می گذارم . پول خرج می کنم . معلم خصوصی می گیرم . چه خبر شده است ؟ دخترم ، پسرم ، در فلان درس افت تحصیلی دارد . آفرین بر تو مادر و پدری که نسبت به دین بچه ات حساس هستی . اما همین دخترت حجابش را رعایت نمی کند همین پسرت غسل کردن بلد نیست . همین پسرت ، وضو گرفتن او اشکال دارد . حمد و سوره او شانزده غلط دارد . تو به عنوان پدر مسئول نیستی ؟ تو به عنوان مادر مسئولیت نداری ؟ (یا ایهاالذین قو انفسکم اهلیکم و نارا) نص آیه قرآن است . خودت را از آتش جهنم دور نگه دار . دخترت حجابش را رعایت نکرد یقه تو را می گیرند . چرا بی تفاوت شدیم . مادر و دختر در خیابان کنار هم عبور می کنند مادر یک چشمش بیرون است ، ببین دخترش با چه وضعیتی بیرون آمده است . متاسفانه در بعضی از جلسات مذهبی هم شاهد هستیم خیلی از اقوام بانی ، خیلی از کسانی که به عنوان خدمه دارند کار می کنند ، آن مبانی که باید رعایت کنند ، رعایت نمی کنند . مؤمن در دینش با احدی رودربایسی ندارد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ما تعطیل شده است . که به این وضع افتادیم . حداقل حرمت جلسات مذهبی را رعایت کنیم . به خصوص جلساتی که زنانه بر پا می کنیم . حاج خانم ها چرا تذکر نمی دهید . چرا نسبت به جلسات امام حسین (ع) بی احترامی می کنید . به قول یک بنده خدایی ما را یک ختم انعام وعده گرفته اند نفهمیدیم ختم انعام بود یا ختم اندام بود . بعضی با این جلسات می خواهند پز لباس و النگوهای خود را بدهند . تذکر بدهید . جلسه حرمت دارد . اگر در این جلسه مرجع تقلیدی حضور داشت شما می توانستید با این وضعیت در جلسه حضور پیدا کنی یا پذیرایی کنید .ما اعتقادمان این است که زهرای مرضیه در جلسات حضور دارند .

ما اعتقاد داریم که امام زمانمان در جلسه حضور دارنـد . روی بال ملائکه نشسـته ایـد . چرا بعضـی نسـبت به جلسات اهل بیت دهان کجی می کنند .

تو که می بینی آنهـا بـا این وضـعیت هسـتند جلسه را نگیری خیلی بهتر است . یـک جلسه ای مرا دعوت گرفتنـد . همی جا در خیابان گلزار . اولا من جلسه زنانه خیلی کم می روم ، قبول نمی کنم . نگفتند به من که جلسه زنانه است . رفتم در عمل انجام شـده قرار گرفتم . وضـعیتی را تماشا کردم خـدمه با مانتو جلو آقا و مـداح داشـتند پذیرایی می کردند . قبلا خانمها حداقل در جلسـات امـام حسـین یک حیایی می کردنـد ، یک احترامی می گذاشـتند ، یک حسابی می بردنـد. حـداقل دم در چادر روی سرش می انـداخت و وارد جلسه می شـد . روضه است و حرمت دارد . اما الان انگار نه انگار . من هم گفتم اگر فردا وضـعیت اینطور بود من دیگر در این جلسه نمی آیم . بعـد چنـد نفر آمدنـد دم در و به من گفتنـد این چه حرفی بود زدی ؟ اینهـا خـانه مادر شـهید است ، چندین سال است که در این خانه روضه خوانی می شود . گفتم اتفاقا حاج خانم بیشتر مسئول است . انتظار از این خانه بیشتر می رود .

شما برای بچه ها الگو هستیـد . شـما که چنـدین سال است در این خانه روضه خوانی می کنی چرا اجازه می دهی نوه هایت با این صـورت حضور پیـدا کننـد و پـذیرایی کننـد و به اسم جلسه اهـل بیت تمـام شود که پشت سـرمان بگوینـد اینهـا روضه ای هایمان هسـتند . اینها مـذهبی ها هسـتند . اینها جلسه بگیر ها هسـتند . و چه آخوند بی غیرتی بود در این جلسه منبر می رفت و این صحنه را دید و هیچ تذکری نداد .

ص: ۱۳۱

گفتم من لوس انجلس منبر رفتم این وضعیتی که درخانه شما دیدم ، این بی حرمتی که در خانه شما دیدم ، آنجا تماشا نکردم . تذکر بدهید . نترسید . ولو اینکه طرف مقابل ناراحت شود . نگذارید حرمت ها شکسته شود . نگذارید نسبت به جلسات اهل بیت بی احترامی بشود . به خصوص جلسات زنانه ، حرفهایی برای من می زنند که خجالت می کشم روی منبر بیان کنم . بعضی از این جلسات را نگیریم باور بفرمایید ثوابش خیلی بیشتر است . گناه و معصیتی که در آن می شود بیشتر است . گناه و معصیت حرام است . اما جلسه گرفتن مستحب است . (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حنيفا) بلند شو و خودت را به سمت دین بچرخان .

(فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) دینی که با فطرت جفت هست .

این فطرت خدایی است . خود و اهلت را از آتش جهنم دور نگه دار.

بچه هایت را دینی تربیت کردی به خدا قسم ضرر نمی کنی . صدقه جاریه برای آن طرف می شود . می گویند بند های کفن را باز کن . بندهای کفن را باز می کند . فرزندت برایت از دنیا خیرات فرستاده است ، با خوشحالی بندهای کفن را باز می کند امام صادق (ع) می فرماید : آتش به روی صورتش می ریزند . قبرش پر از آتش می شود خدایا این چه هدیه ای بود . می گویند پسرت امروز بدن ناموس مردم را لرزاند . پسرت امروز جلوی نامحرم طنازی کرد ، خدایا بچه ام گناه کرده است مرا عذاب می کنی ؟ تا در دنیا بودم از دست او عذاب می کشیدم اینجا هم باید از دست او عذاب بکشم . خطاب می شود : چرا به عنوان پدربرایش وقت

ص: ۱۳۲

نگذاشتی . چرا به عنوان مادر، دین و حجاب و نماز خواندن فرزندت برایت مهم نبود . بعضی فرزندشان به سن ۱۵ سالگی که رسید تازه یادشان می افتد که چیزی به عنوان دین و مذهب هم این بچه نیاز دارد .

چه قدر برای او وقت گذاشتی و برایش خرج کردی ؟ در یکی از جلساتم یک نفر آمده بود و می گفت دخترم یک سری سؤالاتی پیرامون امام زمان (ع) از من می پرسد من نمی توانم جواب بدهم چند کتاب به من معرفی کن . چند کتاب به او معرفی کردم .

گفت قیمتش چند است ؟ گفتم حدود سی هزار تومان . سرش را خاراند و گفت حاج آقا یک جا سراغ نداری این کتابها را رایگان به ما بدهند .

سی هزار توان اینجا حاضر نیستم برای دین بچه ام خرج کنم .

اما اگر خرج کردم در آینده جلوی خرج های سنگین گرفته می شود .

اگر بچه ات را خوب تربیت کردی . بچه ات را دینی تربیت کردی هم در دنیا مایه آبرو است (اگر دارم اشتباه می کنم به من تذکر بدهید) در جلسات با افتخار او را به بقیه معرفی کن بچه ام حافظ قرآن است ، پدرش من هستم . این دختر محجبه ، مادرش من هستم .

برای تربیت او وقت گذاشتم . زحمت کشیدم . حالا اثر آن را دارم می بینم . لازم نیست گردن خود را کج کنی و خجل زده بشوی و احساس شرمساری بکنی ، پسر معتادِ انگلِ اجتماع را معرفی کنی هرروز در کلانتری باشی که این پسر معتاد ، پدرش و مادرش من هستم .

ص: ۱۳۳

در این دنیا اگر فرزندت را مذهبی بار آوردی . آن طرف هم هست که می گویند بند های کفن را باز کن و نور در صورتش می ریزند .

و با خوشحالی می گویند : (ماهذا نور) این چه نوری بود .

به برکت این نور هم و غم و ناراحتی من برطرف شد . خطاب می شود . فرزندت نماز جماعت شرکت کرد . به فقرا کمک کرد .پای منبر نشست .

آیه قرآن و کلام حضرت رسول شنید . روضه خوانده شد قطره اشکی ریخت ، ثوابش را به تو هم دادیم . خدایا بچه ام روضه رفته است ، ثوابش را به من می دهی ؟ بله . تو بودی که او را با اهل بیت بزرگ کردی .

الان که پای منبر نشستی لازم نیست ثوای روضه ام برسد به روح پدر و مادرم . اتوماتیک وار ، عائد واصل می شود . زنده هستند دست آنها را ببوسیم . دستشان از دنیا کوتاه است درحقشان دعا کنیم . آنها توانستند ما را دینی بار بیاورند .

آنها توانستند این محبت را به ما بکنند . اما من توانستم این وظیفه را درست انجام بده .

(یا ایها الذین آمنوا قو انفسکم و اهلیکم نارا) خودت و اهلت ، زن و بچه و نوه هایت از آتش جهنم حفظشان کن .

یعنی اینها را دینی بار بیاور .

دهمین کدی که به عنوان مهارت های زندگی به ما یاد داده اند تا زندگی ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد ، برای این که حرمت ها شکسته نشود ، حاکمیت دین بر خانواده است .

ص: ۱۳۴

من که ادعـای دین و دیانت می کنم ، ادعا است ، فیلم در آوردیـد ، از ترکیه به ایران بر می گشـتم پنجمین نفری بودم که من سوارهواپیما شـدم باور بفرماییـد بدون إغراق خانمهایی که سوار هواپیما شدند هیچ کدام حجاب نداشـتند . پرواز هم اصـفهان بود . از لهجه ها هم مشـخص بود که اکثر اینها که سوار هواپیما شدند همشـهری های خودمان بودند . سه ساعت و نیم بعد که به فرودگاه اصـفهان رسـیدیم و پیاده شدنـد همه باحجاب ، حجاب ها برگشت . دو نفر هم چادری بودنـد و رو گرفته بودنـد . مانـدم یـا حضـرت عبـاس الاـن شـما را ببینم یـا سه سـاعت و نیم قبل را ببینم . فیلم در آوردیـد . ادای دین داری در آوردیـد . حاکمیت دین بر خانواده است .

ضرر نمی کنی اگر بچه ات را با عشق اهل بیت بزرگ کردی . بچه ات را مذهبی بار آوردی ضـرر نمی کنی . نسبت به دین و نماز و حجاب فرزندانمان حساس باشیم .

حتی می خواهی وصـیت هم بکنی فقط وصـیت برای ملک و مال و پول نکن . شـما زحمت را کم کن آنها خودشان می دانند چگونه قسمت کنند .

نسبت به دین فرزندت هم وصیت کن . به بچه هایت بگو اگر می خواهید دعا پشت سرتان باشد توصیه می کنم نماز اول وقت را ترک نکنید .

چادر فاطمه را کنار نگذارند . حتی توصیه هایتان هم توصیه دینی باشد

پایان

جلسه دهم

.Your browser does not support the audio tag

بحثی که امسـال به حول و قوه الهی و عنایات ویژه مادرم حضـرت زهرا (س) در این محفل نورانی مطرح شـد عنوانش اهمیت نظام خانواده و مهارت هایی که اسـلام عزیز به ما یاد داده اند برای این که زندگی ما کانون عشق و محبت و صـفا و صـمیمیت باشد شب های گذشته برای شما گفتم که خانواده یکی از اساسی ترین ارکان جامعه بشری است .

ص: ۱۳۵

خانواده است که می تواند زمینه ساز خوشـبختی یا بدبختی انسان ها باشد خانواده نخستین نهادی است که شخصیت انسانها در آن شـکل می گیرد . خانواده شـکل کوچکی از اجتماع است . هر انسانی قبل از این که وارد جامعه شود ابتدا درخانواده شکل می گیرد و تربیت می شود .

لذا روانشـناسان و جامعه شـناسان مبحث خانه و خانواده را این طور از آن یاد می کنند که خانواده یک کشور کوچک است . این خیلی مهم است . آیات قران ، روایت و کلام معصومین بسیار به بحث خانواده اهمیت داده اند .

قرآن چهار نوع خانواده را به ما معرفی می کند .

که این مبحث خودش ده شب جای صحبت دارد . خیلی سریع در این باره صحبت کنم و بعد برویم سر مهارت های زندگی و بحث را به اندازه فرصت کوتاهی که در خدمت بنده است به یک سرانجامی برسانم .

قرآن مجید که کتاب تربیت و انسان سازی است چهار نوع خانواده به ما معرفی می کند ،

دسته اول : خانواده ای که همه اعضای آن ، مرد و زن و فرزندان همه خوب هستند . از نگاه قرآن مطلوب و پسندیده است .

می فرماید : (مَرج البحرین یلتقیان) ما دو دریا را به هم رساندیم .

یک طرف دریای علم و شجاعت همچون علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه

و آن طرف دریای حیا و عفت همچون حضرت زهرا (سلام الله علیها) که نتیجه آن چه می شود ؟ (یخرج من هو اللؤلؤ و المرجان) شما تفاسیر شیعه و سنی را ذیل این آیه بروید ببینید تمام مفسران قائل بر این هستند که منظور از لؤلؤ و مرجان امام حسن و امام حسین هستند اینها کسانی هستند که سوره هل اتی در شأن اینها نازل شده است .

ص: ۱۳۶

خانواده خوب و پسندیده که به عنوان الگو می توانند به ما کمک کنند تا زندگی ما مورد تأیید قرآن باشد .

باز سوره انبیا خانواده حضرت زکریا را این طور به ما معرفی می کند : سوره انبیا آیه۹۰ (يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا) آنها خاندانی بودند که همیشه در کارهای خیر سبقت می گرفتند .

از روی بیم خدا را می خواندند (وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ) برای خدا خاشع بودند . همیشه به دنبال نیکی کردن و بندگی خدا بودند . یعنی چه ؟

یعنی خانواده ای از منظر قرآن مطلوب و پسندیده است که اهلِ این خانواده اهل طاعت و بندگی باشند و همدیگر را به طاعت و بندگی خدا سوق بدهند . که شب دوم مفصل در این باره صحبت کردم . زن و شوهر خیلی می توانند هم دیگر را در این زمینه کمک کنند . برای این که طرف مقابل اگر خدای ناکرده ایمان ضعیفی است ارتباطش با برج مراقبت هستی قوی شود .

دسته دوم : خانواده ای که همه اعضای آن بد هستند .

مانند خانواده ابولهب . قرآن می فرماید : (تبت یدا ابی لهب و تب) بریده باد دودستش . چه قدر پیغمنبر را اذیت می کردند این شوهر و زنش هم قرآن می فرماید (وأمراته حماله الحطب) این خانواده همه بد و فاسد بودند . بی دین بودند . همسرش نیز (حماله الحطب) است چقدر پیغمبر را اذیت کردند . فرزند داشتند به نمام عُطبه و عُطیبه اینها هر دو مشرک بودند . این قدر بد بودند که خدا در کتاب آسمانی اش قرآن آنها را لعن و نفرین کرده است . این هم دسته دوم

دسته سوم : خانواده ای که مرد خوب ، ولی فرزند و زن خانواده بد هستند . حضرت نوح و خانواده اش . حضرت نوح تنها پیغمبری است که خداوند متعال سوره صافات آیه ۷۹خطاب به او می فرماید : (سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ) چیز کمی نیست .

خدا در قرآن خطاب به او سلام داده است . به او شیخ الانبیاء می گفتند . اما در مورد اولادش می فرماید : سوره آیه ۴۶ (إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ) این فرزند عملش غیر صالح است . در مورد همسرش می فرماید :

سوره تحریم آیه ۱۰ (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةَ نُوحٍ) همسرش الگویی برای کافران می شود . عجیب هست ! یک طرف نوح است که الگوی نیکوکاران و صالحان و آن طرف همسر و اولادش قرار دارند که همسر می شود الگو برای نا اهلان . اینها جای تأمل و بحث دارد که وقت نیست

دسته چهارم : خانواده ای که مرد بد و همسر خوب .

مثالی که قرآن بیان کرده است . آسیه همسر فرعون در قرآن کریم از دعای حضرت آسیه یاد شده است .

اما فرعون که شوهر آسیه بود کافر و بی دین بود . در کدام سوره ؟ سوره تحریم آیه ۱۱ (وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِندَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) بروید در تفسیر مجمع البیان ببینید زنش را چهار دست و پا میخ کرده بود و سنگ بزرگ را روی سینه اش گذاشته بود و جفت پا روی آن می پرید روی سنگ و می گفت من خدا هستم . فهمیده بود که به خدای موسی ایمان آورده است . اما با این حال گفت : رَبِّ رَب موسی خدای من خدای موسی است .

این زن با ایمان در آخرین لحظات عمر دعایش این بود

(وَنَجِّنِی مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِه) خدایا مرا از دست فرعون و کارهای زشت او نجات بده . (وَنَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ) مرا از دست این ظالمان نجات بـده . چرا او را به عنوان الگو معرفی می کنـد در این داسـتان نکته است . خانمها خوب عنایت فرماییـد . زن در انتخاب راه و اعتقاد مستقل است .

لازم نیست در عقیده مطیع مرد گمراهش باشد .

نمونه را قرآن بیان کرده است . بعضی از زن ها هستند تا خانه باباش هست اهل نماز اول وقت هست محجبه هست . وقتی خانه شوهر رفت بی دین می شود . چادر فاطمه را کنار می زند . نماز خواندن را تعطیل می کند . در حفظ اعتقادش انسان با احدی رودر بایسی ندارد .

حتی همسـر و شوهرش . یکی از ویژگی هـایی که همسر فرعون ، آسـیه داشت که قرآن او را به عنوان الگو به جهانیان معرفی می کنـد این بود که رضای خدا را بر رضای شوهر ترجیح داد . زن مسـلمان ، زنی که مورد تأیید قرآن و پیغمبر است باید این ویژگی را داشته باشد .

این چهار خانواده را قرآن به ما معرفی کرده است . برای این که در کانون خانواده سعادت دنیا وآخرت خودمان و فرزندانمان را فراهم کنیم که پدر و مادر با مدیریت خوب درکشور کوچک خانواده می توانند چنین کاری راانجام دهند .

هم خودشان را و هم فرزنـدانشان را خوشـبخت کننـد با مـدیریت اما با سوء مـدیریت هم خودش وهمسـرش و هم فرزنـدش را بدبخت کرده است .

ص: ۱۳۹

لازمه این کار این است که : مهارت های زندگی را بدانیم . که نام آن را باید ها گذاشتیم . چند شب هست که روی باید ها داریم صحبت می کنیم . به عنوان قانون در کشور کوچک اجرا کنیم .

اول بایدها ، بحث وفاداری . بی وفایی نکنند حالا که پا به سن گذاشته است و احتیاج به محبت و رسیدگی بیشتر دارد تنهایش نگذارم . بعضی ها هم زندگی می کنند اما از نظر عاطفی طرف مقابلش را رها کرده است . او را تنها گذاشته است . این بی انصافی است . خانمها بیشتر اهل وفاداری هستند . مردش مریض باشد تا لحظه آخر در کنار او است . اما متأسفانه مردها ، اگر زن مریض شد از نظر عاطفی نیاز به توجه بیشتر دارد . بی توجهی و کم لطفی می کند . بی مهری می کند . بداخلاقی می کند . وفاداری کدهای مهمی است . در زندگی اجرا شود .

(و اخذن منکم میثاقا غلیظا) سرسفره عقد از شما پیمان محکم گرفته شده است تا لحظه آخر یادت نرود .

دوم : تغافل، بعضی از مواقع ، برخی از موضوعات را متوجه شدم خودم را به نفهمی بزنم متوجه شدم ولی إغماض کنم . به خاطر این که زندگی را به کام خودم و دیگران تلخ نکنم .

سوم تکریم شخصیت : این خودش از مهارت های زندگی است در این زمینه هم آیات قران هست و هم روایات معصومین فراوان داریم . روانشناسان که کتاب نوشتند در این زمینه به عنوان کلید خوشبختی ، یکی از این چیزهایی که زیاد رو.ی آن تأکید دارند همین مبحث است . به طرف مقابلم احترام بگذارم . به همسرم احترام بگذارم . به خا نواده همسرم احترام بگذارم تا احترام ببینم . انتظار نداشته باشم که بی احترامی کنم و طرف مقابلم احترام بگذارد . حتی در کتاب ها روایات آن را برایت گفتم . (إجملوا الخطاب) در خطاب ها از زیباترین جمله ها استفاده کن . خانمت را به طور محبت آمیز صدا بزن . خانم ، محبت آمیز شوهرت را صدا بزن . بعضی از زن و شوهرها متأسفانه در خانه در صدا زدن خیلی از چیزهایی که باید دقت شود رعایت نمی کنند . محبتت را در هر سن و سالی که هستی به همسرت ابراز کن . خجالت نکش باعث می شود زندگی به کامت گرم و شیرین شود . باعث می شود صفا و صمیمیت بر این خانه حاکم شود . یک پیرزن و پیرمردی در خانه نشسته بودند تنها بودند پیرمرد می خواست خانمش را صدا بزند می گفت : کبوترم ، قناری ، طاووسم ، نوه اش از راه رسید گفت آقاجون از شما دیگر بعید است این حرف ها را بزنید . گفت چیزی نگو اسم مادربزرگت یادم رفته است !

ص: ۱۴۰

می خواهم همسرم را صدا بزنم ، با کلمات محبت آمیز صدا بزنم .این مهارت های زندگی است که به ما آموزش داده اند . چهارمین مورد از مهارت های زندگی که روی آن تأکید کرده اند : بحث عذر پذیری و گذشت است . روایتش را برایت بگویم . اسحاق بن عمار می گوید آمدم خدمت اما جعفربن محمدبن صادق صلواه الله وسلامه علیه ، از امام صادق (ع) سؤال کردم

(ما حَقُ المرأه زَوجِها) حق زن بر شوهرش چیست ؟

(الذی اذت فَعَلَهُ کانَ مُحسنا) افتخارم این است این نه شبی که برایت منبر رفتم اکثر مطالبی که بیان کردم قال الله تبارک و تعالی آیات قرآن و کلمات معصوم بود .

حق زن بر شوهرکه اگر ادا بکند این مرد محسن است . این مرد ، نیکوکار و مورد تأیید خدا و پیغمبر (ص) است .

حضرت در پاسخ فرمودند :

(قالَ یُشبِعُها و یَکسُوها) به او غذای مطلوب بده .

بعضی از آقایان درآمد بدی ندارند ولی نسبت به خرج کردن برای زن و فرزندشان سخت می گیرند . بخل می ورزند . نسبت به زن و فرزند اگر سخت گرفتی ، خدا هم برایت سخت می گیرد . غذای مطلوب ، برای آنها لباس در حد شئوناتش تأمین کند .

چهار مین مورد عذرپذیری و گذشت ، از شب اول تا حالاـ دارم روی یک شاخه صحبت می کنم . جزء حق و حقوق بیان کرده است .

(إن جَهِلَت غَفَرَ لَها) اگراز طرف مقابلت اشتباهی سر زد ، او را ببخشد و عفو کند .

ص: ۱۴۱

انتهای روایت خیلی زیباست : قال ابو عبدالله ، امام صادق (ع) فرمودند : پدرم امام باقر (کانَت اِمرَأهٌ عِندَ تُوذیه) زنی داشت که بعضی از مواقع این زن پدر ما را اذیت می کرد و (فَیَغفِرُ لَها) اما پدرم با بزرگواری او را می بخشید .

من حاضر نیستم از خطای طرف مقابلم بگذرم .

وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی صلواه الله و سلامه علیک می فرماید :

(إذا کانَ یَومُ القِیامَه) فردای قیامت صحرای محشر

(نادی مُنادٍ) یک منادایی صدا می زند

(مَن کانَ أجرُهُ عَلی الله) چه کسانی هستند که اجر انها مستقیم با خود خدا هست .

(فَیُدخُلِ الجَنَّه)بیایید و داخل بهشت شوید . گفته می شود .

(من ذا الَّذی أجرُهُ عَلَی الله) منظور شما از این خطاب چه کسانی هستند ؟ چه کسانی مستقیم اجر آنها با خود خداست ؟

کلام ،کلام پیغمبر است از خودم حرف نمی زنم {ببینید عذرپذیری و گذشت به خصوص در زندگی چه قدر مهم است}

(فقال : العافُونَ عَنِ الناس) کسانی که اجرشان مستقیم با خودِ خداست و وارد بهشت می شوند کسانی هستند که در دنیا بیشتراهل بخشش باشند .

تو که حاج خانم ، حاضر نیستی از خطای شوهر بگذری .آقا ، تو که حاضر نیستی از خطای همسرو فرزندت بگذری از خطای دامادت و عروست بگذری چه طور انتظار داری که فردای قیامت خداوند متعال از خطای تو بگذرد . هم این اجر و پاداش را از دست می دهی و هم زندگی را به کام خود و اطرافیانت تلخ کردی .

ص: ۱۴۲

عفو و گذشت در زندگی ، آن را به عنوان قانون اجرا کنیم . اگر می خواهی کانون عشق و محبت باشد

.

پنجم از مهارتهای زندگی صبر در برابر ناملایمات زندگی : ده شب من فقط باید روی همین جمله سخن بگویم . یکی از نشانه های مؤمن و اهل ایمان همین است که می فرماید : (والصبر بالبأساء و الضراء) بأساء و الضراء یعنی فراز و نشیب ، گرمی و سردی ، پستی و بلندی ، یعنی در برابر ناملایمات ، بالا وپایینی های زندگی صابر باشم

دل بی غم در این عالم نباشد اگر باشد بنی آدم نباشد

یک مادر بزرگی داشتم خدا ایشان را رحمت کند . به من می گفت : « مادر ، اگر یک روز از خواب بیدار شدی و دیدی که حالت خوش است و هیچ مشکلی نداری بدون که مرده ای و زنده نیستی ! حالت دنیا این است .

با غم و مشکلات عجین شده است . باید صابر باشم . طلبکار خدا نباشم . زندگی را به کام خود و اطرافیانم تلخ نکنم . از این زندگی دنیا چه می خواهم . چه کار میخواهم بکنم . مگر انسان چند سال می خواهد عمر کند چند دست لباس می تواند بپوشد . برای خوابیدن مگر چه قدر جا می خواهد که اینقدر نسبت به دنیا حریص شده است . خود و زن و بچه را آواره ترکیه کرده است . در این کمپ ها ، بدترین شرایط را دارند . چرا ؟ تا این که بتوانند ویزای اقامت آمریکا و استرالیا بگیرند .

آخر عمرت تمام شد . اصل که آخرت هست را تمام کردی هر جا بروی آسـمان همین رنگ است . این مشکلات و سختی ها را مردم تمام کشورها دارند . در لوس انجلس خیابانی به نام سانتا مانیکا وجود دارد .

گرانترین مغازه ها و خانه ها در این خیابان قرار دارد . فروشـگاههای معروفی همچون نایک ، در این خیابان قرار دارد . ساعت نه شب که می homelessشود تعدادی هستند که خودشان به آنها حُملس

می گویند تمام زندگی اش یک ساک هست .

نه شب که شد گوشه خیابان می آیند . فقط آمار رسمی که بیان کرده اند بیش از ۱۲۰ هزارحملس دارد . من با فردی برخورد داشـتم که می گفت دانشـگاه شـریف بودم چون که اینجا قبول شـده بودم در قرئه کشـی ، خودم را به آمریکا رساندم در یک رسـتوران دارد کار می کند از صـبح تا شب با نکبت دارد زندگی می کند . دستشویی ها را دارد تمیز می کند ظرف ها را می شویـد . چرا بر نمی گردی ایران ؟ به خاطر این که پـدر و مادرم در فامیل دارنـد پز می دهند که بچه ما آمریکا است من دیگر روی بازگشت نـدارم . چه کار می خواهیـد بکنید . این چشم و همچشـمی ها است که پدر ما را در آورده است . این مقایسـه کردن ها باعث شده که بیچاره شویم .

یـک شب برایتـان گفتم حـاج خـانم خـودت بـاش . مثـل خودت زنـدگی کن ، نه ماننـد دیگران . این قـدر زنـدگی خود را با دیگران مقایسه نکن .

ص: ۱۴۴

امـام صـادق (ع) به مـا دسـتور داده است که از نظر معنوی بـا بالاـتر از خودت مقـایسه کن و از نظر مادی با پایین تر از خودت مقایسه کن .

ما دقیقا داریم برعکس ان عمل می کنیم . از نظر معنوی با آن کسی مقایسه کن که اهل نماز شب است .

نگو الحمدالله ما اهل نماز جماعت هستیم مانند فلانی نیستیم که نماز نمی خواند . چرا اینجور مقایسه می کنید ؟ با آن مقایسـه کن ، نمـاز جمـاعت که می خوانـد هیـچ ، نمـاز شـبش هم ترک نمی شود . از نظر مـادی دسـتور معصوم است خـدا هم به من گوینده و هم به شما شنونده گوش شنوا بدهد .

توفیق بدهد این سـخنان را به مرحله عمل برسانیم تا زندگی به کاممان شیرین شود . از نظرمادی خودت را با زیردستت مقایسه کن .

آن خانمی که در خانه هشـتاد متری دارد زندگی می کند نباید خودش را با کسـی مقایسه کند که در خانه هزار متری زندگی می کند از زندگی اش هیچ لذتی نمی برد . نمی تواند بچه های خوبی تربیت کند . اما اگر آمد با زیردستش مقایسه کرد ، آن خـانمی که حتی زودتر از او ازدواج کرده است و سه تـا بچه دارد ، بـا سه بچه هنوز شوهرش بعـد از یک عمر کارگری همین خانه هشـتاد متری هم نتوانسـته است برایش تهیه کنـد . آن وقت ناشـکری می کنـد ؟ نه! می گویـد الحمـدالله خانه ام کوچک است اما خدای خودم را شاکر هسـتم که این هشـتاد متر خانه مال خودم است . هر سال لازم نیست مثل فلان زن اسباب و اثاثیه روی دوشم باشد و از این خانه به آن خانه اسباب کشی کنم .

ص: ۱۴۵

صبر در مقابل ناملایمات زندگی ، اگر ادعای دینداری دارم که یکی از نشانه های ایمان همین است .

مشکل اینجاست که ما فقط در حد ادعا هستیم . دینداری ما حرف دارد . قرآن مجید هم این حرف مرا تأیید می کند همین آیه ای که ابتدای منبر گفتم سوره حج آیه ۱۱خانه که رفتید مروری بر این آیه داشته باشید . آیه زیبایی است . می فرماید :

(ومن الناس) یک عده از مردم هستند

(من یَعبُدُالله) خدا را عبادت می کنند ، اهل دین و دیانت و مسجد و پای منبر نشستن هستند . اما در حد حرف هستند . خود خدا هم در قرآن می گوید . یک عده از دیندارها کارشان حرف دارد . خدایا چرا کار اینها حرف دارد ؟

(فإن اصابَه خیر اِطمئنَّ به) وقتی به آنها زیاد نعمت می دهی خوشحال می شوند و می گویند چه خدای مهربانی

(وإن اصابه فِتنهٌ) ولی وقتی به آنها چیزی نمی دهم و به آنها سخت می گیرم یک ذره عرصه را بر آنها تنگ می کنم ، مریضی سختی می گیرد .

بچه معلولی به او می دهم ، شوهر بدزبان به او می دهم ، زن غر غرو به او می دهم ، از نظر مالی او را کم می دهم . وقتی در زندگی او را در فشار گذاشتم ، برای امتحان کردن او

(اِنقلَبَ علی وجهه) روی خود را از منِ خدا بر می گرداند .

به رکوع و سجود او نگاه نکن . آقا ، خانم ، اگردر اوج مشکلات یا الله گفتنت قطع نشد ، تو دینداری و دینداری تو حرف ندارد .

ص: ۱۴۶

ایمان تو ایمانی است که مورد تأیید قرآن ا و مورد تأیید پروردگار است .

من که مُهر بندگی برخود ساختم هرچه را او خواست من هم خواستم

راضی هستم به رضای خدا . طلبکار خدا نیستم . چهار روز دنیا بر وفق مرادش نباشد با خدا قهر می کند دیگر نماز نمی خواند . این همه نماز خواندم چه شد ؟ ای بیچاره مگر خداوند به نماز خواندن من و شما احتیاج دارد می گوید الله الصمد من هستم . من از همه چیز بی نیاز هستم . تو نیازمند هستی .

صبر در برابر مشکلات . با خدامعامله کنم .

(انّما یُوَفّی الصّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِسابٍ) قرآن می فرماید اگر صبر کردی در برابر ناملایمات زندگی فردای قیامت بدون حساب به تو پاداش می دهند .

حضرت موسی داشت از جایی عبور می کرد ، گفت خدایا دلم می خواهد یکی از بندگان خوب تو را ببینم . ان را به من نشان بده . خطاب شد ، گفت برو فلان محله یک خرابه ای است که پیرزنی در این خرابه زندگی می کند این از بندگان خوب من است . طبق آدرس رفت . دید پیرزنی است که دو چشمش نابینا است ، دست ندارد ، دوپاهایش فلج است .گوشه خرابه افتاده است . اما اینقدر زیبا شکر خدا می کند می گوید: الحمدالله المجمل الحمدالله المنعم ، الحمدالله المکرم ، رفت جلو سلام کرد . سلام علیکم ، پاسخ داد: علیک السلام یا نبی الله .

تعجب حضرت موسی بیشتر شد ! تو که چشم نداری چه طور مرا شناختی ؟ یا نبی الله همان خدایی که آدرس مرا به تو داد به من هم گفت آماده باش پیغمبر اولی العزمم را به دیدنت فرستادم . از او سؤال کرد اخر خدا چه نعمتی را به تو داده است که می گویی الحمدالله المنعم ، این زندگی که دو پای فلج داری و دست نداری و چشمانت کور است و گوشه خرابه افتادی کدام یک از این ها زیباست که می گویی الحمدالله المجمل ؟ چه کرمی به تو شده است که می گویی الحمدالله المکرم ، ببین قدرت ایمان ، نگاه انسان را از سطحی نگری عمیق می کند . گفت خدای خودم را شاکرم از میان این همه چشم دوچشم مرا نابینا کرد . از بین این همه پا دو پای مرا فلج کرد . خوب بود پا داشتم در مجلس گناه می رفتم ؟ و یقین و ایمان دارم در برابر آنچه از من گرفته است ، فردای قیامت برایم جبران می کند . مرگ اولاد دیده است ، کفر نگوید . یقین داشته باش ، امانت بوده که خدا به تو داده است . در مقابل این داغی که به دل تو گذاشته است اجر و ثواب در نامه عملت می نویسد . بچه مریض به تو داده است . این را امتحان الهی بدان ناشکری نکن .

اجر و ثواب های زیادی که هرلحظه می توانی در نامه عملت ثبت کنی با این زبانت از دست نـده . از مهارت های زندگی این است که با مشکلاتم کنار بیایم . صبر در مقابل ناملایمات زندگی .

ششم ، نظافت زن و مرد :

زن بایـد پیش شوهر مرتب باشـد . زینت کرده باشـد که وقتی شوهر چشـمش به صورت زنش می افتـد یاد طلب کاری هایش نیفتد این را جزء حق و حقوق بیان کرده اند .

پیغمبر(ص) می فرماید : حقوق شوهر بر گردن شما این است که

(وَ عَلَیها أن تَطیَّب بِأطیَبِ طِیبها) بهترین عطر را استفاده کن . البته برای همسر و محرم و نه نامحرم .

بعضـی ها وقتی می خواهند از خانه بیرون بروند تازه یادشان می افتد که باید آرایش کنند . در خانه برای شوهرت آرایش کن . در خانه بهترین لباس را بپوش نه آن لباسی که صبح تا ظهر در خانه کار کردی و بوی عرق می دهد لباس آبگوشتی و موهها ژولیده است . شوهر هم خسته از سر کار بر می گردد و بگویی سلام علیکم . خودت را جای شوهرت بگذار .

زینت کن . بهترین لباس ها را بپوس که تا در خیابان این شوهرت چشـمش به چهار تا خط چشم و رژ لب افتاد ، فکر نکند که حوری آسمانی است و از آسمان افتاده است نه ! هیچ خبری نیست . به بهترین شکل زینت کنم آمد محضر رسول خدا ، گفت یا رسول الله شما می گویی برای شوهرت آرایش کن . شما می گویی برای شوهرت زینت کن . من شوهرم نابینا است ، چکار کنم . حضـرت فرمودنـد : عطر بزن . بهترین عطر را اسـتفاده کن . چشـمش نمی بینـد امـا مشـامش که کـار می کنـد . وقتی از مقابلش عبور می کنی بوی عطر تو را استشمام کند

بنازم بـه ایـن دیـن . شـما کـدام دین و آیین را سـراغ داری که این قـدر ریزه کـاری هـا را بیـان کرده باشـد . مـا که این قـدر دسـتوراتمان قوی است . به خـدا دلم می سوزد وقتی این مطالب را آماده می کنم چرا بایـد آمار طلاق در جامعه ما باشد . چرا باید آمار اختلاف در زندگی های ما باشد .

چرا باید زندگی های ما پر از مشکل باشد .

خیلی از این ها را بلد هستیم اما به آنها عمل نمی کنیم . نظافت زن و مرد از مهارت های زندگی است .

هفتم مشورت کردن اعضای خانواده

یکی از چیزهـایی که باعث اسـتحکام خانواده می شود ، باعث دلگرمی اعضای خانواده می شود ، بحث مشورت کردن است . یکی از شـیوه هـای قرآن است . اصـلا خـدا یـک سوره به این نـام اختصـاص داده است . در سوره آل عمران می فرمایـد : (و شاوروهم فی الامر) در کارهایتان با هم مشورت کگنید . می خواهی خانه خرید و فروش کنی ، می خواهی ماشـینت را عوض کنی ، بـا بچه ات و خـانمت مشورت کن و خودرأی نباش نظر دیگران برایت مهم باشـد . مرغ من یک پا دارد این منطق قرآن نیست . سید این چه حرفی است که امشب می زنی ؟ کجای قرآن می گوید با خانمت مشورت کن . کجای قرآن می گوید با فرزنـدت مشورت کن . دلیـل قرآنی را برایت می گویم . قرآن می گویـد : با خانمت مشورت کن ، با فرزنـدت مشورت کن . سوره قصص آیه نهم ، با خانمت مشورت مکن .

سوره قصص آیه نهم (وقالت إمراه فرعون قره عین لی و لک لا تقتلوا)

وفتی که مادر حضرت موسی او را روخانه نیل انداخت که داستانش را شنیده اید . فرعون و همسرش آن طرف نشسته بودند گوشه صندوچه را گرفتند و آن را باز کردند دیدند یک پسر بچه است . عصبانی شد . این که دستور داده بود بچه پسرها را سر ببرد . این که دستور داده است شکم زنان حامله را پاره کنند . این بچه پسر چرا زنده است ؟ داد زد که او را بکشند . اینجا با خانمش مشورت کرد و زن او آسیه نظرش را عوض کرد .

(لاتقتلوا) او را نکش . (عسی أن ینفعنا) شاید برای ما مفید باشد

(او نتخذه ولدا) در آینده او را بله عنوان پسر انتخاب کنیم . زن فرعون ، نظر فرعون را تغییر داد .

این دلیل نمیشود که از آن استنباط کرد ! در خانه با خانمت ، با پسرت مشورت کن با فرزندانت مشورت کن . این مایه دلگرمی است هم برای خانمت و هم برای فرزندت ، که پدر من ، نظر من برایش مهم است . ارزش قائل است . این دلگرمی برای خانمت است . اگر دلگرمش کردی بیشتر به امور خانه و بچه ها رسیدگی می کند .

دلیل قرآنی : آیه ۱۰۲ سوره صافات :

(قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى) ابراهیم خواب دیده است که اسماعیلش را ذبح کرده است . پیغمبر خداست . خوابش برای او حجت است . لازم الاجراست . باید این دستور اجرا شود . اما با این وجود نمی خواهد به و شما درس بدهد . آمد بااسماعیلش مشورت کرد . من چنین خوابی دیده ام نظر تو چیست ؟ حالا تربیت شده دامان ابراهیم و هاجر را ببین (قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ) دستور پروردگار را اجرا کن انشا الله من از صابران خواهم بود . در سیره معصومین هم می بینیم حتی حضرت زهرا برایش خواستگار آمده است . خواستگاران زیادی داشت . یکی از خواستگارانش امیر المؤمنین (ع) است . علی به خواستگاری زهرا آمده است .

ص: ۱۵۰

در روایت داریم که اگر امیرالمؤمنین به خواستگاری زهرا نمی آمد زیر این آسمان هم کفی برای زهرا نبود . اما با این وجود پیغمبر از دخترش سؤال می پرسد و نظرش را می پرسد و مشورت می کند . اینها برای ما درس نیست ؟ علی برای خواستگاری آمده است نظر تو چیست ؟ بعضی بیان کرده اند که فاطمه زهرا سکوت کردند . سکوت هم نشانه رضایت است . بعضی بیان کرده اند حضرت زهرا سرش را پایین انداختند و گفتند راضی هستم به آنچه خدا و پیغمبر خدا راضی است . از مهارت های زندگی چیست ؟ به ما یاد داده اند مشورت کردن با اعضای خانواده .

هشتمین مهارت زندگی : که اگر به آن عمل کردیم زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت می شو د. زن و شوهر ها عنایت کنند ،

قبول اشتباه :

پذیرفتن اشتباه ، بعضی از زن و شوهر ها خود خواه هستند . اشتباه کرده است نمی خواهد اشتباهش را قبول کند . خیلی وقت ها شما شاهد بودید که زن و شوهری با هم دعوا کرده اند . هیچ کدام نمی خواهند اشتباه هم را قبول کنند . در این دعوا و در این آتشی که به پا شده است خداوکیلی انصاف داشته باشد ، حاج خانم بینی و بین الله ، صد در صد شوهرت مقصر است ؟ یک درصد هم خودت را مقصر نمی دانی . آقا شما هم همینطور. صد در صد خانمت مقصر است ؟ خودت را تقصیر کار نمی دانی ؟ یک ببخشید بگو و تمام کنید . مکتب قرآن و اهل بیت به ما می آموزد اگر می خواهیم زندگی هایتان کانون عشق و محبت باشد اشتباهات هم را بپذیرید . خطای خود را گردن دیگران نیندازید . مثال قرآنی برایت بزنم :

سوره بقره آیه ۳۵ (وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ) مسکن ، وظیفه مرد است .

(أنت) ، تو (و زَوجُکَ) همراه همسرت ، اسم همسر حضرت آدم چه بود ؟ حوا.

غیرت را دارد یاد مردان می دهد . اما نامی از حوا اینجا به میان نیامده است . رفتن در بانک یک زن و شوهری آمده بودند جلو بیست نفر نامحرم همسرش را صدا زد و گفت نازی جون ! بیست نفر روی خود را بر گرداندند و او را نگاه کردند . ای بی غیرت ! می خواهی محبت خرج کنی در محیط مقدس خانه این محبت خود را خرج کن .

(يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا) وکلا یعنی هردو نفر به قول قدیمی ها به پای هم پیر شوید . با هم شروع کردید و باهم به پایان برسانید (مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا) باهم بروید بگردید ، باهم به مکه بروید باهم به کربلا بروید ، باهم به باغ و پارک بروید . حق زن خود را پایمال می کنی ؟ جمعه ها به جای اینکه پیش زن و فرزندانت باشی با رفیقانت به باغ می روی قلیون میوه هایت را می کشی ، خنده ها و جک گفتن هایت برای رفیقانت است اما اخم کردنت برای خانواده است .

دستور قرآن است به ما یاد می دهد

(وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ) فقط نزدیک این شجره ممنوعه نشوید . که حالا بعضی بیان کرده اند : خوشه گندم بوده است . بعضی بیان کرده اند که درخت سیب بوده است

(فتکون من الظالمین) اگر چنین کردی از ستمکاران هستی . نکته مهم و لطیفی است .

شیطان آمد آنها را وسوسه کرد و از این شجره منعیه خوردند و به سبب مخالفت با فرمان خدا ، آیه اعراف سوره ۲۲

(فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا) بلا فاصله لباس های بهشتی آنها فرو ریخت و از آن مقام و رتبه ای که داشتند تنزل پیدا کردند . آدم و حوا با هم اشتباه کردند . مقصرهم چه کسی بود ؟ شیطان بود . این اشتباه را گردن هم نینداختند . نگفت خانم تو مقصر بودی . حوا نگفت شوهرم تو مقصر بودی . نه گردن خود انداختند و نه گردن شیطان انداختند .

(قالا ربَنا ظَلَمنا اَنفُسنا) گفتند : خدایا ما اشتباه کردیم . دو تا باهم خطا کردیم دارد به ما درس می دهد . ای زن و شوهر ها ، اشتباهات خود را قبول کنید . بپذیرید .

حضرت یونس پیغمبر خداست . داستانش را حتما شنیده اید نکات قرآنی را بیان می کنم . سوار بر کشتی شد کشتی پر از جمعیت یک ماهی بزرگی آمد مثل این که میخواست کشتی غرق شود . نا خدا گفت باید یک نفر را داخل دریا بیندازیم . یک نفر خودش را بیندازد هیچ کس حاضر نشد . قرعه کشی کردند مرتبه اول قرعه به نام یونس در آمد گفت چه آقای نورانی دلش نمیامد . یکبار دیگر قرعه انداختند . باز قرعه به نام حضرت یونس در آمد . دفعه سوم قرعه کشی کردند . قرعه به نام یونس در آمد . دفعه سوم که قرعه به نام یونس در آمد .او را به آب انداختند همه دیدند ماهی بزرگی آمد و او را بلعید . حالا یونس ته دریا فهمید که هیچ کس غیر از خدا نمی تواند او را نجات دهد . (لااله الا انت) حرف داری و درد دل دارب برای خدای خودت حرف بزن

وقتی مشکلی برایم پیش آمد همه محل می دانند که من چه مشکلی دارم . همه محل می دانند که در این خانه اختلاف است . می داننـد که بچه اش مریض است . دامادش معتاد است . برای خدای خودت حرف بزن . یونس ته دریا بود و گرفتاری اش را گردن کسی نینداخت . حتی گردن شانس هم نینداخت . که بعضی ها می گویند شانس نداریم ببینید چه دامادی گیر ما آمد . خودت مقصـر هستی وقتی پسـر به خواسـتگاری دخترت آمد چرا چشـمانت را باز نکردی ؟ چرا نرفتی خوب تحقیق کنی ببینی خانواده اش چه کسـی است ؟ رفیقانش چه کسانی هستند ؟ با چه کسانی رفت و آمد دارد ؟ با دست خودت دخترت را داخل چاه انداختی ، او را بدبخت کردی ، حالا گردن شانس می اندازی . یونس حتی گردن شانس هم نینداخت .

گفت خدایا (لا اله الا أنت) ته دریا اعتراف کرد

(إنی کنتُ منَ الظالمین) من اشتباه کردم

(فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذالک ننجی الکمؤمنین)

وقتی اشتباهش را قبول کرد خدا مشکلش را حل کرد .

اگر می خواهیـد مشـکلاتتان و گره کوری که در زندگی هایتان افتاده است و میخواهید حل شود . زن و شوهرها در هر سن و سالی که هستیـد مشـکلات خودتان را قبول کنید . و مشـکلات خود را گردن طرف مقابل نیندازید . خودت مقصـر هستی چرا ایـن حرف را زدی نبایـد ایـن حرف را می زدی . چرا ایـن کـار را انجـام دادی نبایـد انجـام می دادی . فقـط یـک نفر بـود که مشکلش را گردن دیگری انداخت .

ص: ۱۵۴

(فاخرج انک من الصاغرین).شیطان بود . دستور پروردگار را زیر پاهایش له کرد به آدم سجده نکرد .

خطاب شد پایین برو تو از پست شدگانی .

(قال فبما أغویتنی) نگاه کرد پایین را و دید ملکوت و جبروت و لاهوت و علیین و کرسی و عرش و سماوات و همه را از دست داد . غرورش به او اجازه نداد بگوید ، خدایا من اشتباه کردم . گفت خدایا تو مرا گول زدی . یونس گردن خودش انداخت . ادم و حوا گردن خودشان انداختند . امیرالمؤمنین در دعای کمیل می فرماید : (ظلمتُ نَفسی) شیطان گردن خدا انداخت

مهارتهای زندگی که اسلام به ما یاد داده است برای اینکه زندگی های ما کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت باشد .باید و نباید ها بود .

دو مورد از نباید ها را گفتم آن را ترک کنید .

بهانه گیری و لجاجت که باید از زندگی دور کنیم .

باید ها :

۱–وفاداری

۲–۲– تغافل

۳–۳– تکریم شخصیت

۴–۴– عذرپذیری و گذشت ،

۵–۵– صبر در مقابل ناملایمات زندگی

۶–۶– نظافت مرد و زن

۷–۷– مشورت کردن با اعضای خانواده

۸–۸– قبول اشتباه .

خدایا زندگی های ما را کانون عشق و محبت و صفا و صمیمیت قرار بده .

ما را با وظایفمان بیشتر از قبل آشنا بفرما .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹